

# امام مهدی (عج)

نقطه مشترک وحدت اسلامی



نویسنده :

مهندس علی اصغر اکبری

کلیه احادیث این کتاب انتخاب شده از کتب اهل سنت است

(شافعی - حنبلی - حنفی - مالکی)

امام مہدی (عج)

نقطہ مشترک

وحدت اسلامی

اکبری، علی اصغر، ۱۳۲۸ -

امام مهدی (عج)، نقطه مشترک وحدت اسلامی / نویسنده  
علی اصغر اکبری - تهران: واج گستران، ۱۳۷۹.  
۱۲۴ ص.

ISBN 964-7059-14-0

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

۱. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق.

۲. مهدویت. الف. عنوان.

۲۹۷/۹۵۹

۸ الف ۷۲ الف / BP ۵۱

۱۰۰۸۷-۷۹ م

کتابخانه ملی ایران

# امام مهدی (عج) نقطه مشترک وحدت اسلامی

نویسنده: مهندس علی اصغر اکبری

انتشارات: واج گستران، تلفن: ۸۲۱۹۰۹۱

چاپ: نخست؛ ۱۳۷۹

تیراژ: ۵۰۰۰ جلد

چاپ و صحافی: سازمان چاپ احمدی

طرح روی جلد:

خدمات کامپیوتر نجم الثاقب تلفن: ۸۲۳۳۶۵۱

شابک: ۹۶۴-۷۰۵۹-۱۴-۰

کلیه حقوق محفوظ است.

قیمت: ۱۰۰۰ تومان

---

## فهرست مطالب

---

- قسمت اول ..... ۱  
واجب است مسلمانان در هر عصری امام زمان خود را بشناسند
- قسمت دوم ..... ۳  
تعداد ائمه یا امامان یا خلفاء و یا وصیاء و یا اولیاء و یا امیران... باید دوازده نفر باشد
- قسمت سوم ..... ۵  
تعداد امامان و خلفاء دوازده نفر به تعداد دوازده نقیب بنی اسرائیل هستند
- قسمت چهارم ..... ۷  
دوازده امام یا خلیفه... از قبیله قریش و از طایفه بنی هاشم هستند
- قسمت پنجم ..... ۱۰  
اولین خلیفه و امام علی بن ابیطالب (ع) است و آخرین آنها مهدی (عج) است
- قسمت ششم ..... ۱۳  
دوازده امام و خلیفه... باید از فرزندان علی بن ابیطالب (ع) باشند
- قسمت هفتم ..... ۱۵  
خداوند منان و رسول خدا (ص) اسامی ۱۲ امام و خلیفه را مشخص کرده‌اند
- قسمت هشتم ..... ۲۱  
نظریه بعضی علماء اهل سنت درباره ۱۲ امام
- قسمت نهم ..... ۲۵  
منکران خروج مهدی (عج) کافر هستند
- قسمت دهم ..... ۲۶  
مهدی (عج) آخرین امام و آخرین خلیفه است
- قسمت یازدهم ..... ۲۷  
مهدی (عج) از عترت رسول خدا (ص) و از فرزندان فاطمه (س) است
- قسمت دوازدهم ..... ۲۹  
تولد صاحب الزمان (عج)

---

## فهرست مطالب

---

- قسمت سیزدهم ..... ۳۴  
«شمائل» و «سیمای» امام زمان (عج)
- قسمت چهاردهم ..... ۴۰  
قیام و انقلاب مهدی موعود (عج) حتمی است
- قسمت پانزدهم ..... ۴۲  
مهدی نهمین فرزند امام حسین (ع) است
- قسمت شانزدهم ..... ۴۳  
نام و کنیه مهدی (عج) در روایات
- قسمت هفدهم ..... ۴۵  
مهدی (عج) مادرش بهترین کنیزان عالم است
- قسمت هجدهم ..... ۴۸  
مهدی موعود (عج) دارای دو غیبت است «غیبت صغری» و «غیبت کبری»
- قسمت نوزدهم ..... ۵۲  
کسانیکه در غیبت صغری امام زمان (عج) را دیده‌اند
- قسمت بیستم ..... ۵۹  
کسانیکه در غیبت کبری امام زمان (عج) را دیده‌اند
- قسمت بیست و یکم ..... ۷۰  
طریقه استفاده از فیض خداوند در غیبت امام زمان (عج) و وجوب وجود امام در هر عصر
- قسمت بیست و دوم ..... ۸۱  
علائم قبل از ظهور و امتحان مردم در شداث
- قسمت بیست و سوم ..... ۸۷  
علائم روز ظهور
- قسمت بیست و چهارم ..... ۸۹  
۳۱۳ نفر شورای انقلاب امام زمان (عج)

---

## فهرست مطالب

---

- ۹۲ ..... قسمت بیست و پنجم  
«البيعة لله» جمله‌ای که روی پرچم امام زمان (عج) نوشته شده است
- ۹۳ ..... قسمت بیست و ششم  
ظهور امام مهدی (عج) از مکه در مسجد الحرام و کنار خانه خدا شروع می‌شود
- ۹۵ ..... قسمت بیست و هفتم  
روش مهدی (عج) همان روش و سنت رسول خدا (ص) است
- ۹۶ ..... قسمت بیست و هشتم  
در قیام مهدی همه به لا اله الا الله و محمد رسول الله (ص) شهادت خواهند داد
- ۹۹ ..... قسمت بیست و نهم  
همه کره زمین در مقابل حکومت مهدی (عج) تمکین خواهند کرد
- ۱۰۱ ..... قسمت سی ام  
مهدی (عج) زمین را پر از عدل و داد و آرامش خواهد کرد
- ۱۰۴ ..... قسمت سی و یکم  
در زمان مهدی (عج) فقر ریشه کن می‌شود
- ۱۰۶ ..... قسمت سی و دوم  
مهدی (عج) هنگام ظهور چهره‌ای جوان خواهد داشت
- ۱۰۷ ..... قسمت سی و سوم  
همه ملائکه و همه انسانها ... از ظهور مهدی (عج) خوشحال می‌شوند
- ۱۱۰ ..... قسمت سی و چهارم  
در ظهور مهدی (عج)، عیسی (ع) نازل می‌شود و پشت سر آن حضرت نماز می‌خواند
- ۱۱۲ ..... قسمت سی و پنجم  
توسل انبیاء به حضرت مهدی موعود (عج)

---

## فهرست مطالب

---

- ۱۱۵ ..... قسمت سی و ششم  
همه زیباییها و همه نیکبها و همه عدالتها ... به مهدی شروع می شود و همه  
زشتیها و همه بدیها و همه ظلمها ... به مهدی پایان می پذیرد
- ۱۱۶ ..... قسمت سی و هفتم  
مهدی طاووس اهل بهشت است
- ۱۱۷ ..... قسمت سی و هشتم  
علم مهدی (عج)
- ۱۱۸ ..... قسمت سی و نهم  
مهدی (عج) «کوکب دری» یا ستاره های درخشانده است
- ۱۱۹ ..... قسمت چهارم  
مهدی (عج) از سادات اهل جنت است
- ۱۲۰ ..... قسمت چهل و یکم  
در حکومت مهدی مردم در نعمتها فرو خواهند رفت
- ۱۲۱ ..... قسمت چهل و دوم  
عمران کره زمین به دست مهدی آل محمد

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

سخن گفتن درباره ولی عصر «عج» و یا مطلب نوشتن درباره ایشان، و تبلیغات درباره وجود اقدس این بزرگوار لذت و سرور و نشاط مخصوصی دارد، و این خود بزرگترین مشکل گشای همه گره‌ها و شفای همه دردها می‌باشد، لذا علامه بزرگوار شیخ صدوق زمانی که مشکلاتش را با مولا و آقایش امام زمان «عج» در میان می‌گذارد ایشان می‌فرمایند: چرا درباره غیبت کتابی تألیف نمی‌کنی تا اندوه دلت را زایل کند.

به هر حال خوشا بسعدت کسانی که همیشه بیاد مولا و آقا و ولی نعمت خود بسر می‌برند، و با این یاد مسرور و شادانند،

لذا اینجانب مدتها در این فکر بودم چهل حدیث از معصومین گلچین کنم و در اختیار شیفتگان حضرتش قرار بدهم، این کار را کردم، و جزوهای تهیه شد، بعد گفتم چه خوب است چهل حدیث از کتب اهل سنت انتخاب کنم که هم مورد استفاده اهل سنت باشد و هم شیعیان از آن استفاده کنند. زمانیکه شروع به تحقیق کردم ملاحظه نمودم هر اعتقادی که ما شیعیان درباره امام زمان (عج) داریم، آنها نیز دارا می‌باشند، گفتم به جای چهل حدیث چهل قسمت تهیه نمایم، دیدم، اگر بخواهم همه احادیث را تنظیم و چاپ کنم خود مجلداتی می‌شود، لذا از انبوه احادیث گلچین کردم و به صورت یک دسته گل تقدیم اهل سنت، و شیعیان می‌نمایم، امید است که مورد رضای خداوند متعال قرار بگیرد، و حضرت ولی عصر «عج» نیز این دسته گل محمدی را از این غلام و بنده ناچیز خود بپذیرد.

کوچکترین غلام درگاه ولی عصر (عج)

مهندس علی اصغر اکبری



## قسمت اول

### واجب است مسلمانان در هر عصری امام زمان خویش را بشناسند

یکی از مسائلی که مورد اتفاق شیعه و سنی باید باشد، این است که در هر عصر و زمان باید امام زمان خود را بشناسند و از او پیروی کرده و تابع او باشند، و این مطلب هم از قرآن کریم به اثبات می‌رسد و هم در احادیث نبوی آمده است، که برای این مدعی به کتب زیر مراجعه می‌کنیم:

الف) کتاب «الجمع بین الصحیحین» نوشته «شیخ الاسلام حمیدی»

ب) کتاب «کنز العمال» تألیف «علی بن حسام الدین مشهور به متقی هندی»

ج) کتاب «ربیع الابرار» نوشته «زمخشری مفسر بزرگ اهل سنت»

د) کتاب «مسند» نوشته «حاکم نیشابوری»

ه) کتاب «مسند امام احمد حنبل رهبر فرقه حنبلیه»

و) کتاب «شرح تجرید العقائد» نوشته «ملاتفتازانی»

ز) کتاب «الیواقیت و الجواهر» نوشته «شعرانی مصری شافعی»

ح) کتاب «الاستبصار و الافهام»

چنین آمده است:

«قال رسول الله (ص): مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ

مَيِّتَةَ الْجَاهِلِيَّةِ مَيِّتَةَ الْكُفْرِ وَنِفَاقٍ»

هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد (مانند کسی است که در زمان)

جاهلیت مرده است و او مرده است در کفر و نفاق.

از حدیث فوق چنین می‌توان نتیجه گرفت:

اولاً: از جمله «امام زمانه» یعنی امام زمانش چنین می‌فهمیم که «هر کس

بمیرد و امام زمانش را نشناسد» پس «امام زمانه» امام زمانهای متعدد است و

هر کس تا قیامت باید امام زمانی داشته باشد و باید امام زمان خودش را بشناسد.

ثانیاً: هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد مانند کفار جاهلیت و منافقین بی دین و ایمان و مشرک از دنیارفته است، پس مسلمانان برای اینکه کافر و منافق از دنیا نروند باید امام زمان خود را بشناسند.

ثالثاً: این حدیث امری است از رسول خدا که به همه مسلمانان دستور می‌دهد، و اجرا و اطاعت و پیروی از آن حضرت طبق آیه:

«مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا»

واجب است، و بر هر مسلمانی واجب است امام زمانش را در هر عصری بشناسد.

رابعاً: از این حدیث می‌فهمیم که در هر عصری باید امامی باشد، که او امام زمان آن عصر است.



قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص):

مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مَيِّتَةً الْجَاهِلِيَّةِ مَيِّتَةً

الْكُفْرِ وَنِفَاقٍ

هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد (مانند

کسی است که در زمان) جاهلیت مرده است و او در

کفر و نفاق مرده است.

«مسند امام احمد حنبل»



## قسمت دوم

### تعداد ائمه یا امامان یا خلفاء یا اوصیاء یا اولیاء و یا امیران و یا جانشینان رسول خدا ﷺ باید ۱۲ نفر باشد

در قسمت اول این مقالات عرض کردم که شناسائی امام زمان علیه السلام بر هر کس واجب است و این نکته مورد اتفاق شیعه و سنی است، در این قسمت باید عرض کنم که مطابق آنچه که از آیات و احادیث و روایات بدست ما رسیده است، تعداد ائمه یا امامان و تعداد خلفاء و یا اوصیاء و اولیاء و یا امیران و بطور کلی جانشینان رسول خدا صلی الله علیه و آله دوازده نفر هستند و این نکته نیز مورد اتفاق شیعه و سنی است که مادر اینجا به بعضی از آن مدارک اشاره می‌نمائیم:

۱ - در «صحیح بخاری» جزء چهارم کتاب الاحکام طبع مصر صفحه ۱۷۵ نوشته ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بخاری، و کتاب صحیح الترمذی مجلد ۲ صفحه ۴۵ چاپ دهلی (باب ماجاء الخلفاء) نوشته حافظ ترمذی و کتاب تاریخ بغداد مجلد ۱۴ صفحه ۲۵۲ حدیث ۷۶۷۳ نوشته ابی بکر احمد بن علی الخطیب البغدادی آمده است:

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص)... قَالَ سَمِعْتُ النَّبِيَّ ۹ يَقُولُ تَكُونُ اثْنَيْ عَشَرَ أَمِيرًا فَقَالَ كَلِمَةً لَمْ أَسْمَعْهَا فَقَالَ أَبِي إِنَّهُ قَالَ كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ»

جابر بن سمره نقل می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند و من شنیدم که امیران و یا حاکمان و یا فرمانروایان و یا... بعد از من دوازده نفر هستند، جابر بن سمره می‌گوید آنگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله چیزی فرمودند که من نشنیدم از پدرم سؤال کردم رسول خدا صلی الله علیه و آله چه فرمودند، پدرم گفت آنحضرت فرمودند، همه این دوازده نفر از قریش هستند.

۲ - باز در صحیح مسلم نوشته حافظ مسلم بن الحجاج النیشابوری متوفی ۲۶۱ (فی کتاب الامارة فی باب الناس تبع لقریش و الخلافة فی قریش صفحه ۱۹۱ مجلد ۲ طبع مصر) این حدیث را مسلم به سه طریق بیان می کند) و صحیح ابی داود مجلد ۲ (کتاب المهدی) صفحه ۲۰۷ - و مسند امام احمد حنبل مجلد ۵ صفحه ۱۰۶ (ایشان این حدیث را از جابر به ۲۴ طریق بیان می کند) و کتاب تاریخ الخلفاء فصل عدة الخلفاء صفحه ۷ نوشته حافظ جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی متوفی سال ۹۱۱ (از علماء بزرگ شافعی است) آمده است:

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَا يَنْقُضِي حَتَّى يَمْضِيَ  
فَهُمْ اثْنِي عَشَرَ خَلِيفَةً قَالَ ثُمَّ تَكَلَّمَ بِكَلَامٍ خَفِيَ عَلَيَّ فَقُلْتُ لِأَبِي  
مَا قَالَ، قَالَ كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ»

رسول خدا ﷺ فرمودند و من شنیدم که دین اسلام به پایان نمی رسد مگر اینکه دوازده نفر خلیفه خواهند شد، سپس رسول خدا ﷺ آهسته چیزی فرمودند که من نشنیدم، از پدرم سؤال کردم که رسول خدا ﷺ چه فرمودند پدرم گفت هر دوازده نفر از قریش هستند.

۳ - باز در صحیح مسلم مجلد ۲ صفحه ۱۹۱ (کتاب الامارة) آمده است:

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): لَا يَزَالُ أَمْرُ النَّاسِ مَاضِيًا مَا وَلِيَهُمْ اثْنِي  
عَشَرَ رَجُلًا... كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ»

رسول خدا ﷺ فرمودند: پایان نمی پذیرد کار مردم (یا قیامت) مگر اینکه بیاید برای آنها دوازده ولی و رهبر و پیشوا که این دوازده نفر مرد هستند... و همه آنها از قریش هستند.

این مبحث خود نیاز به یک کتاب مفصل دارد تا تمام احادیثی را که اهل سنت در این باره بیان کرده اند بازگو کنیم و ما در اینجا قصد مفصل گوئی نداریم به هر حال جانشینان و خلفاء و امامان و اولیاء و امیران بعد از رسول خدا ﷺ باید ۱۲ نفر باشند و این مسئله مورد اتفاق آیات و روایات و شیعه و سنی است.

## قسمت سوم

### تعداد امامان و خلفاء دوازده نفر به تعداد دوازده

#### نقیب بنی اسرائیل هستند

همانطوریکه گفتیم رسول خدا ﷺ مفصلاً دربارهٔ امامت و خلافت و جانشینی بعد از خود وصیت فرموده‌اند، حتی در روایاتی داریم که تعداد امامان به تعداد نقباء بنی اسرائیل بودند و همه می‌دانیم که تعداد نقباء بنی اسرائیل دوازده نفر بودند مثلاً:

۱ - در مسند امام احمد حنبل مجلد ۱ صفحه ۳۹۸ آمده است:

که مسروق می‌گوید، ما در نزد عبدالله بن مسعود نشسته بودیم و او برای ماقرآن می‌خواند، مردی به او گفت:

«یا ابا عبدالرحمن هل سألتُم رسولَ الله (ص) كم يملك هذه الأمة من خليفه؟ فقال عبدالله بن مسعود، ما سألتني عنها أحدٌ منه قَدِمَت العرق قبلك ثم قال: نعم، و لقد سألنا رسولَ الله ۹ فقال: اثني عشر كعدة نقباء بنی اسرائیل»

مردی به ابن مسعود گفت آیا شما از رسول خدا ﷺ سؤال نکردید که تعداد رهبران و خلفاء بعد از آن حضرت چند نفر هستند؟ عبدالله بن مسعود گفت: ... ما از رسول خدا ﷺ سؤال کردیم حضرت فرمودند تعداد خلفاء و رهبران و امامان بعد از آن حضرت ۱۲ نفر هستند به تعداد نقباء بنی اسرائیل.

۲ - باز در کتاب مناقب خوارزمی نوشته حافظ موفق بن احمد حنفی معروف به اخطب خوارزمی آمده است:

«فی حدیث الأعمش عن الحسين بن علی (ع) قال فأخبرني يا رسول الله (ص) هل يكون بعدك نبي؟ فقال لا، أنا خاتم

النَّبِيِّ لَكِنْ يَكُونُ بَعْدِي أُمَّةٌ قَوَّامُونَ بِالقِسْطِ بِعَدَدِ نُقَبَاءِ  
بَنِي إِسْرَائِيلَ»

اعمش از حسین بن علی عليه السلام روایت می‌کند که گفته شد به رسول خدا صلی الله علیه و آله یا رسول الله آیا بعد از شما نبی خواهد بود حضرت فرمودند: خیر، بعد از من نبی نخواهد آمد و من خاتم النبیین هستم و لیکن بعد از من ۱۲ امام هستند که هر کدام بر پاکفندهٔ عدل و داد می‌باشند و تعداد آنها به تعداد نقباء بنی اسرائیل است.

۳ - در کتاب ینابیع المودة صفحه ۲۵۸ آمده است:

« عَنْ جَرِيرٍ عَنْ أَشْعَثَ عَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ:  
الْخُلَفَاءُ بَعْدِي اثْنِي عَشَرَ كَعَدَدِ نُقَبَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ»

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: خلفاء و جانشینان بعد از من ۱۲ نفر هستند به تعداد نقباء بنی اسرائیل.



قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص):

إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَا يَنْقُضِي حَتَّى يَمْضِيَ فَهُمْ إِثْنِي عَشَرَ خَلِيفَةً...

كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ

صحیح مسلم، صحیح بخاری، صحیح ابی داود، مسند امام احمد حنبل...

بَعْدِي إِثْنِي عَشَرَ خَلِيفَةً كُلُّهُمْ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ

بعد از من ۱۲ خلیفه که همه آنها از بنی

هاشم هستند.



## قسمت چهارم

### دوازده امام یا خلیفه از قبیله قریش و از طایفه بنی هاشم هستند

همانطوریکه قبلاً گفتیم در کتب صحیح مسلم و صحیح بخاری و صحیح ابن ماجه و صحیح ترمذی و صحیح ابی داود و مسند امام احمد حنبل و دهها کتاب دیگر همه آمده است که در حدیث مربوط به جانشینان رسول خدا ﷺ، رسول الله ﷺ به راویان حدیث می فرمایند:

« يَكُونُ اثْنِي عَشَرَ ... كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ »

در تمام آن احادیث می فرمایند که بعد از من دوازده امام یا خلیفه... می آیند، که همه آنها از قبیله قریش هستند، رسول خدا ﷺ برای اینکه مردم گمراه نشوند مطالب دقیق تری می فرمایند، چون قبیله قریش از طایفه های متعددی تشکیل شده است، خود این مطلب مجهولاتی به همراه دارد برای اینکه هیچ جای تردید و شبهه نماند می فرمایند که این دوازده نفر از طایفه بنی هاشم هستند مثلاً:

در کتاب "مودة القربی" قسمت دهم صفحه ۲۵۸ نوشته سیدعلی شهاب همدانی و کتاب ینابیع المودة نوشته خواجه کلان قندوزی حنفی صفحه ۲۲۵ آمده است:

« قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): بَعْدِي اثْنِي عَشَرَ خَلِيفَةً... كُلُّهُمْ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ »  
یعنی رسول خدا ﷺ فرمودند: بعد از من می آیند ۱۲ نفر خلیفه که همه آنها از بنی هاشم هستند.

## نتیجه از بحثهای گذشته :

قبلاً ملاحظه فرمودید که :

اولاً ؛ شناسائی هر امام یا خلیفه در هر عصری بر مسلمین واجب است .  
 ثانیاً ؛ امامان بعد از رسول خدا ﷺ تا قیامت تعدادشان ۱۲ نفر است .  
 ثالثاً ؛ تعداد این امامان یا خلفاء برابر است با تعداد نقباء بنی اسرائیل .  
 رابعاً ؛ امامان و خلفاء بعد از رسول خدا ﷺ از قبیله قریش هستند .  
 خامساً ؛ جانشینان رسول خدا ﷺ همه از طایفه بنی هاشم می باشند .  
 با این زمینه راحت می توانیم بفهمیم که جانشینان رسول خدا ﷺ چه کسانی هستند حال به تحلیل می پردازیم، آیا خلفاء از طایفه بنی امیه هستند ؟  
 جواب این است که خلفای بنی امیه، اولاً؛ ظالم بوده اند و شایستگی جانشینی رسول خدا ﷺ را نداشتند، ثانیاً؛ تعدادشان ۱۴ نفر بوده است و آنها عبارتند از :

- |   |                      |
|---|----------------------|
| ۱- معاویه بن ابی سفیان                      | ۲- یزید بن معاویه    |
| ۳- معاویه بن یزید                           | ۴- مروان بن حکم      |
| ۵- عبدالملک بن مروان                        | ۶- ولید بن عبدالملک  |
| ۷- سلیمان بن عبدالملک                       | ۸- عمر بن عبدالعزیز  |
| ۹- یزید بن عبدالملک                         | ۱۰- هشام بن عبدالملک |
| ۱۱- ولید بن یزید بن عبدالملک                | ۱۲- یزید بن الولید   |
| ۱۳- ابراهیم بن الولید                       |                      |
| ۱۴- مروان محمد الحمار (مشهور به مروان حمار) |                      |

پس تعداد اینها ۱۴ نفر هستند و نمی توانند امامان و خلفاء دوازده گانه باشند، شاید بگویند منظور از خلفاء بنی العباس هستند. در جواب می گوئیم، که تعداد خلفاء بنی العباس ۳۷ نفر هستند، و نمی توانند منظور رسول خدا ﷺ را تأمین کنند.



شاید گفته شود، منظور خلفاء بنی امیه و بنی العباس نیستند بلکه منظور کسانی هستند که آنها خلیفه شدند، در جواب می‌گوئیم تعداد آنها هم که مورد نظر طراحان سؤال است بیش از شش نفر نمی‌شوند:

۱- ابوبکر                      ۲- عمر                      ۳- عثمان

۴- علی علیه السلام                      ۵- حسن بن علی علیه السلام                      ۶- عبدالله بن زبیر

باز تعداد اینها نیز ۱۲ نفر نمی‌شوند، و مطلب دیگر این است که رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرمایند:

**«مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةَ الْجَاهِلِيَّةِ مِيتَةَ الْكُفْرِ وَالْكَفْرُ وَنِفَاقٌ»**

هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد مرده است به مردن جاهلیت مرده است در کفر و نفاق.

کلمه «امام زمانه» اثبات می‌کند که امامها متعدّدند، مطلب دیگر اینکه این امامان در هر عصری باید باشند، و همیشه باید امامان باشند و همیشه هم مردم وظیفه دارند آنها را بشناسند، در حالیکه نه خلفاء بنی امیه زنده‌اند، و نه خلفاء بنی العباس حیات دارند و نه خلفاء ذکر شده در بالا موجودند، و همه مرده‌اند و از دنیا رفته‌اند، و می‌دانیم که خداوند عزوجل و رسول خدا صلی الله علیه و آله بندگانش را سرگردان نمی‌گذارند و امر اسلام را بصورت مجهول رها نمی‌کنند، و ما هم بدون مدرک اظهار نظر نمی‌کنیم فقط می‌گوئیم این دوازده امام یا دوازده خلیفه ائمه طاهرین و امامانی هستند که شیعه اثناعشریه به آنها اعتقاد دارند و دوازدهمین آنها نیز حضرت حجة بن الحسن العسگری (عج) در حال حاضر حیات دارند و زنده هستند و این مطلب را از احادیث نبوی که در کتب اهل سنت آمده است و در قسمتهای بعدی اثبات خواهیم کرد.

## قسمت پنجم

## اولین خلیفه و امام علی بن ابیطالب علیه السلام است و آخرین آنها مهدی علیه السلام است

همانطوریکه قبلاً اشاره کردیم امامت و ولایت و رهبریت بعد از نبوت رسول خدا صلی الله علیه و آله از اصول مهم اسلامی است، لذا هم قرآن کریم و هم احادیث نبوی با دقت کامل این مسئله را بیان کرده اند، شما ملاحظه فرمودید که رسول خدا صلی الله علیه و آله شناخت امام و رهبر و خلیفه در هر زمان را واجب می داند، آنگاه آنحضرت تعداد این بزرگواران را دوازده نفر می داند و می فرمایند: تعداد آنها به اندازه ۱۲ نفر از نقباء بنی اسرائیل و دوازده نفر از حواریون عیسی (ع) است، آنگاه می فرمایند؛ این دوازده نفر از قبیله قریش و از طایفه بنی هاشم هستند و در این بحث رسول خدا صلی الله علیه و آله اولین امام و آخرین امام را معرفی می کنند و می فرمایند: اولین خلیفه و اولین امام امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام است و آخرین آنها حضرت حجة بن الحسن المهدی صاحب الزمان علیه السلام هستند که مابه پاره ای از احادیث آن در کتب اهل سنت اشاره می کنیم:

۱ - شیخ الاسلام ابراهیم حمّوئی «شافعی» در کتاب فرائد السمطين جلد ۲ صفحه ۲۱۲ حدیث ۵۶۲ - و خواجه کلان قندوزی حنفی در ینابیع المودة باب ۹۴ صفحه ۴۸۷ آورده اند:

«عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ۹ إِنَّ خُلَفَائِي وَ أَوْصِيَائِي وَ حُجَجَ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ بَعْدِي اثْنَيْ عَشَرَ وَ أَوْلَهُمْ أَخِي وَ آخِرَهُمْ وَ لَدِي.

قيل يا رسول الله (ص) من أخوك؟ قال علي .

قيل: من ولدك؟ قال المهدي الذي يملأ الأرض قسطاً و عدلاً

### کَمِي مُلِئْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا

یعنی رسول خدا ﷺ فرمودند: همانا خلفاء و جانشینان و حجت‌های خداوند بر مخلوقات ۱۲ نفر هستند، اولین آنها برادر من است و آخرین آنها فرزندم می‌باشد.

سؤال شد یا رسول الله ﷺ برادر شما کیست؟ حضرت فرمودند: علی رضی الله عنه.

سؤال شد یا رسول الله ﷺ فرزند شما کیست؟ حضرت فرمودند:

فرزند من مهدی «عج» است او آن کسی است که زمین را پر از قسط و عدل

می‌کند همانطوریکه پر از جور و ظلم شده است.

۲ - علی بن شهاب همدانی «شافعی» در کتاب مودة القربی باب ۵۶، موده دهم

صفحة ۲۵۸ و شیخ الاسلام ابراهیم حموی شافعی در کتاب فرائد السمطين

مجلد ۲ صفحه ۲۱۳ حدیث ۵۶۴ و خواجه کلان قندوزی حنفی در کتاب ینابیع

الموده باب ۷۸ صفحه ۴۴۷ از قول رسول خدا ﷺ چنین نقل می‌کند:

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): أَنَا سَيِّدُ الْمُرْسَلِينَ وَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِيطَالِبٍ

سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ وَ إِنَّ أَوْصِيَائِي بَعْدِي إِثْنِي عَشَرَ أَوْلَهُمْ عَلِيُّ بْنُ

أَبِيطَالِبٍ وَ آخِرُهُمُ الْقَائِمُ»

رسول خدا ﷺ فرمودند من آقا و سید مرسلین هستم و علی بن

ابیطالب آقای اوصیاء است همانا اوصیاء من که بعد از من می‌آیند دوازده نفر

هستند اول آنها علی بن ابیطالب رضی الله عنه است و آخرین آنها قائم «موعود» است.

۳ - حافظ موفق بن احمد خوارزمی «حنفی» در کتاب مناقب و حافظ خواجه

کلان قندوزی «حنفی» در کتاب ینابیع الموده باب ۹۴ صفحه ۴۶۳ چنین نقل

می‌کند:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): الْأَيَّمَةُ بَعْدِي إِثْنِي عَشَرَ أَوْلَهُمْ أَنْتَ يَا

عَلِيٌّ وَ آخِرُهُمُ الْقَائِمُ الَّذِي يَفْتَحُ اللَّهُ ﷻ عَلَى يَدَيْهِ مَشَارِقَ

### الأرض و مغارِبها.

یعنی رسول خدا ﷺ فرمودند: امامان بعد از من ۱۲ نفر هستند اول آنها تو هستی ای علی و آخر آنها قائم است، او همان کسی است که فتح می شود به دست او شرق و غرب عالم (یعنی همه عالم زیر پرچم او که همان پرچم اسلام است در می آید) البته احادیث در این باب زیاد است و ما در این رساله قصد اکتفا کردن به چند حدیث را داریم حالا با آنچه که گفته شد تحلیل کنید اگر خلفائی را که اهل سنت قبول دارند در نظر بگیریم اولشان علی نیست و آخرشان مهدی نمی باشد، و اگر خلفاء بنی امیه را در نظر بگیریم باز اولشان امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب و آخرشان مهدی نیست. اول آنها معاویه بن ابی سفیان و آخرشان مروان حمار است. و اگر خلفای بنی العباس را در نظر بگیریم اول آنها و آخر آنها و اول آنها امیرالمؤمنین عليه السلام و آخر آنها قائم موعود (عج) نیست.

پس یک راه بیشتر نداریم و آن اینکه بپذیریم، بروال شرعی و عادی به حکم قرآن و احادیث نبوی به ائمه و امامان معتقد شویم که شیعه اثنی عشری قبول دارد و می گوید اولین امام علی بن ابیطالب عليه السلام است و آخرین آنها مهدی موعود حجة بن الحسن «عج» است.

بوسیله هیچکدام از اینها شرق و غرب عالم فتح نشده است و هیچکدام اینها اسلام را به عنوان یک دین جهانی بر سایر ادیان چیره نکردند فقط مهدی موعود «عج» است که اگر بیاید شرق و غرب عالم را فتح می کند.



قال رسول الله (ص): الأئمة بعدى إثنى عشر أولهم أنت يا على وأخوهم القائم

أخوهم القائم الذى يفتح الله على يديه مشارق الأرض ومغاربها

رسول خدا (ص) فرمودند: امامان بعد از من ۱۲ نفر هستند اول آنها تو

هستی ای علی و آخر آنها قائم است، او همان کسی است که فتح

می شود به دست او شرق و غرب عالم



مناقب موفق بن احمد خوارزمی



قسمت ششم

دوازده امام و خلیفه و... باید از  
فرزندان علی بن ابیطالب علیه السلام باشند

۱ - در کتاب مناقب نوشته موفق بن احمد خوارزمی حنفی و کتاب ینابیع المودة صفحه ۸۵ نوشته خواجه کلان قندوزی حنفی چنین آمده است:  
«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): يَا عَلِيُّ أَنْتَ وَصِيَّ حَرْبُكَ حَرْبِي وَ سِلْمُكَ سِلْمِي وَ أَنْتَ الْإِمَامُ وَ أَبُو الْإِمَامِ الْأَحَدِيُّ عَشَرَ الَّذِينَ هُمْ الْمُطَهَّرُونَ الْمُعْصُومُونَ وَ مِنْهُمْ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا» .

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: ای علی تو وصی و جانشین من هستی هر کس با تو جنگ کند با من جنگ کرده است و هر کس با تو صلح کند و تسلیم تو باشد او با من در صلح و تسلیم من است، تو امام و پیشوا هستی، تو پدر امامان یازده گانه هستی، همان امامانی که تعدادشان بعد از تو ۱۲ نفر هستند و همه از فرزندان تو می باشند همه آنها پاک و مطهر و معصوم می باشند و مهدی از آنها است، مهدی همان کسی است که زمین را پر از قسط و عدل می کند.

حال توجه کنید چه خلفای راشدین و چه بنی العباس و چه بنی امیه اینها هیچکدامشان از فرزندان علی بن ابیطالب علیه السلام نیستند.

فقط شیعه اثنی عشریه هستند که یازده امامشان از نسل علی بن ابیطالب علیه السلام است.

۲ - در فرائد السمطين نوشته شیخ الاسلام حمویی شافعی صفحه ۴۴۸ و ینابیع المودة صفحه ۴۹۴ نوشته خواجه کلان قندوزی حنفی و کتاب الیقین نوشته حافظ نادره الفلک محمد بن احمد بن علی النطنزی چنین آمده است:

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِنَّ عَلِيًّا أَمَامَ أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي وَ مَنْ وُلِدِهِ الْقَائِمُ  
الْمُنْتَظَرُ»

رسول خدا ﷺ فرمودند: همانا بعد از من (یعنی بلافاصله بعد از من) علی  
امام بعد از من است و قائم منتظر از فرزندان اوست.



قَالَ إمام الرضا (ع):

اللَّهُمَّ أَصْلِحْ عَبْدَكَ وَ خَلِيفَتَكَ بِمَا أَصْلَحْتَ بِهِ أَنْبِيَاءَكَ وَرُسُلَكَ وَ حَقَّهُ  
بِمَلَائِكَتِكَ وَ آيِدَهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ مِنْ عِنْدِكَ وَ اسْلُكُهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ  
خَلْفِهِ رَصْدًا يَحْفَظُونَهُ مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَ أَبْدَلُهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ أَمْنًا يَعْبُدُكَ  
لَا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئًا وَ لَا تَجْعَلْ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ عَلَيَّ وَ لِيكَ سُلْطَانًا وَ ائْذِنْ لِي  
فِي جِهَادِ عَدُوِّكَ وَ عَدُوِّهِ وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.  
بارالها، کار ظهور بنده شایسته و خلیفه راستینت (امام مهدی)  
را سامانی نیکو بخش همان گونه که پیامبران و فرستادگانت را  
اصلاح فرمودی و فرشتگانی نگاهبان دور و بر وی بگمار و از  
سوی خویش با روح القدس او را یاری و پشتیبانی فرما و دیده بانانی  
از پیش رو و پشت سر همراه وی گردان تا از هر بدی نگاهش دارند  
و ترس و هراس او را به امن و امان دگرگون ساز او ترا می پرستد و  
هیچ چیز را همتا و همانند تو نمی پندارد پس برای هیچیک از  
آفریدگانت برتری و چیرگی نسبت به "ولی" خودت قرار مده و او را  
در جهاد با دشمنت و دشمنش اجازت فرما و مرا از یاران او بشمار آور  
که همانا تو بر هر کاری توانایی.



قسمت هفتم

خداوندمنان و رسول خدا ﷺ اسامی ۱۲ امام یا خلیفه را مشخص کرده‌اند

همانطوریکه قبلاً گفتیم مادر اسلام هیچ چیز مبهم و مجهول نداریم و اسلام کاملترین دین است، و این مطلب رازمانی می‌توانیم بیان کنیم که در همه مسائل کمبود حس نشود در باب امامت و خلافت نیز همینگونه است، رسول خدا ﷺ حتی اسامی ۱۲ خلیفه یا ۱۲ امام بعد از خود را مشخص کرده است که ما این اسامی را از کتب اهل سنت بیان می‌کنیم :

۱ - موفق بن احمد خوارزمی حنفی در کتاب مناقب و خواجه کلان قندوزی

حنفی در کتاب ینابیع المودة باب ۷۴ صفحه ۴۹۴ آورده است :

«عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): يَا جَابِرُ إِنَّ أَوْصِيَاءِي وَ أئِمَّةَ الْمُسْلِمِينَ مَنْ بَعْدِي أَوْلَهُمْ عَلِيٌّ ثُمَّ الْحَسَنُ ثُمَّ الْحُسَيْنُ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْمَعْرُوفُ بِالْبَاقِرِ سَتَدْرُكُهُ يَا جَابِرُ فَإِذَا الْقَيْتُهُ فَأَقْرَأْهُ مِنْنِي السَّلَامَ ثُمَّ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ ثُمَّ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ثُمَّ الْقَائِمُ إِسْمُهُ أَسْمَى وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي ابْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ذَاكَ الَّذِي يَفْتَحُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَلِيٌّ يَدِيهِ مَشَارِقُ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبُهَا ذَاكَ الَّذِي يَغِيبُ عَنْ أَوْلِيَائِهِ غَيْبَتُهُ لَا يَثْبُتُ عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَةِ الْأَمَنِ امْتَحَنَ إِلَيْهِ قَلْبُ الْإِيمَانِ.»

یعنی ای جابر اوصیاء من و امامان مسلمین بعد از من اول آنها علی بن

ابیطالب علیه السلام است بعد از او حسن بن علی و بعد از او حسین بن علی و بعد از او

علی بن الحسین و بعد از او محمد بن علی معروف به باقر است، ای جابر تو او را درک خواهی کرد و خواهی دید، و چون به خدمت او رسیدی سلام مرا به او برسان، بعد از او جعفر بن محمد است و بعد از او موسی بن جعفر است و بعد از او علی بن موسی امام است، و بعد از او محمد بن علی امام خواهد بود، و بعد از او علی بن محمد امام است و بعد از او حسن بن علی امام است و بعد از او قائم امام خواهد بود اسم او اسم من است و کنیه او کنیه من است فرزند حسن بن علی است او همان کسی است که خداوند با دست وی شرق و غرب زمین را فتح خواهد کرد، و او همان کسی است که از دوستان خویش مدتی زیاد غایب خواهد شد (و این غیبت آنقدر طول می کشد) که باقی نمی مانند در اعتقاد به امامت او مگر آنانکه خداوند قلوبشان را به ایمان امتحان نموده است.

جابر می گوید عرض کردم: یا رسول الله ﷺ آیا مردم در زمان غیبت از وجود وی استفاده خواهند کرد؟ حضرت فرمودند: آری به خدایی که مرا به حق فرستاده، مردم در زمان غیبت از نور ولایتش روشنایی می گیرند چنانکه مردم از آفتاب بهره مند می شوند در روزهای ابری (که مردم از زیر ابر از نور خورشید بهره بر می دارند) ای جابر اینکه گفتم از مکنونات سر خداوند است و از علم مخزون خداوند می باشد آنرا اظهار مکن مگر به کسی که قابلیت و اهلیتش را دارد.

بار دیگر این حدیث و ترجمه آنرا بخوانید، و بیاندیشید که رسول خدا ﷺ چگونه دقیقاً ائمه و امامان و خلفای بعد از خود را معرفی می کند، و اسراری را فاش می کند، در این حدیث:

اولاً: رسول خدا ﷺ ۱۲ امام و رهبر و خلیفه را با اسامی خود و پدرانشان معرفی می کنند.

ثانیاً: به امام محمد باقر علیه السلام که می رسند پیشگویی می فرمایند که ای جابر تو



او را خواهی دید پس سلام مرا به او برسان، و همینطور هم می شود جابر بن عبدالله انصاری تا زمان امام محمد باقر علیه السلام زنده بوده است و سلام رسول خدا صلی الله علیه و آله را به ایشان می رساند.

ثالثاً: حضرت به نام دوازدهم که می رسد می فرمایند: او شرق و غرب عالم را فتح خواهد کرد.

رابعاً: می فرمایند امام زمان علیه السلام غیبتی طولانی خواهد داشت که افراد بی ایمان گمراه می شوند.

خامساً: حضرت این مطالب را از اسرار الهی می دانند.

به هر حال آنچه را که حضرت می فرمایند نه با خلفای متفرقه می خورد و نه با خلفای بنی امیه و نه با خلفای بنی العباس فقط شیعه اثنی عشریه با این حقیقت واقعی روبرو هستند و به این امامان اعتقاد دارند.

۲ - شیخ الاسلام حقوئی شافعی در فرائدالسمطین جلد ۲ صفحه ۳۱۹ حدیث ۵۷۱ و موفق بن احمد خوارزمی حنفی در کتاب مقتل الحسین جلد ۱ فصل ۷ صفحه ۹۶ و حافظ خواجه کلان قندوزی حنفی در کتاب ینابیع الموده باب ۹۳ صفحه ۴۸۷ چنین آورده اند:

از ابی سلمی یکی از خدمتگذاران رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند که او می گوید رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: در شب معراج از خداوند جلیل خطاب آمد...

«یا محمد خَلَقْتُكَ وَ خَلَقْتُ عَلِيًّا وَ فاطمه وَ الحسن وَ الحسين وَ الائمه مِنْ وُلْدِ الحسينِ مِنْ نوري وَ عَرَضْتُ وَ لا يَتَّكُمُ عَلِيٌّ اهلِ السَّمواتِ وَ الارضِ فَمَنْ قَبْلُها كانَ عِنْدِي مِنَ الْمُؤمِنينِ وَ مِنْ جَهِدِها كانَ عِنْدِي مِنَ الكافِرينِ يا محمد لَو انَّ عَبْدًا مِّنْ عِبِيدِي عَبَدَنِي حَتى يَنْقَطِعَ او يَصيرَ كَالشَّنِّ الباليِّ ثُمَّ جاتِنِي جاهِدًا لَو لا يَتَّكُمُ ما غَفَرْتُ لَهُ يا محمد تُحِبُّ انْ تَراهُمُ قُلْتُ نَعَمْ

یا رب قال لی أنظر الی یمین العرش فنظرت فإذا علی و فاطمه و الحسن و الحسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و محمد المهدی بن الحسن کأنه کوکبٌ درّی ینتهم و قال یا محمد هؤلاء حُجَجی علی عبادی و هم اوصیاءُکَ و المهدی منهم الثائر من قاتل عترتک و عزتی و جلالی إنه المنتقم من اعدائی و المهد لا یائی «

ای محمد تو و علی و فاطمه و حسن و حسین را از نور خود خلق کرده‌ام، و ولایت شمارا بر اهل آسمانها و زمین عرضه داشتم، هر که قبول کرد در نزد من از مؤمنین است، و هر که انکار نمود نزد من از کفار است، ای محمد اگر بنده‌ای از بندگان من مرا عبادت کند تا از کار افتد و یا مانند مشک خشکی شود، اما در آن حال انکار ولایت شمارا نماید من او را نمی‌آمرزم تا اینکه اقرار به ولایت شما نماید (یعنی قبولی عبادت شرطش اقرار به ولایت است).

ای محمد آیا می‌خواهی اوصیای خودت را ببینی؟ گفتم: آری خداوند، خطاب آمد به طرف راست عرش نظر کن، من به طرف راست عرش خداوند نظر افکندم و دیدم نوشته شده است:

۱- علی ۲- حسن ۳- حسین ۴- علی بن الحسین ۵- محمد بن علی  
۶- جعفر بن محمد ۷- موسی بن جعفر ۸- علی بن موسی ۹- محمد بن علی ۱۰- علی بن محمد ۱۱- حسن بن علی ۱۲- مهدی

که در دریایی از نور ایستاده و نماز می‌خوانند، مهدی در وسط آنها مانند ستاره درخشانی بود خداوند فرمود: ای محمد حجت‌های من بر بندگان من هستند و اینها اوصیاء و جانشینان تو هستند و مهدی منتقم عترت تو است به

عزت و جلالم سوگند او حجتی است که ولایتش بر اولیای من واجب است و او انتقام گیرنده از دشمنان من است .

هدف مادر این رساله اختصار است لذا اگر بخواهیم درباره اسماء دوازده امام یا خلیفه از کتب اهل سنت مطلب بنویسیم خود رساله‌ای می‌شود، فقط در اینجا برای اهل تحقیق به بعضی از مدارک که نام دوازده امام برده شده است با مدارک از کتب اهل سنت بسنده می‌کنیم:

۱ - شیخ الاسلام حمّوئی "شافعی" در فرائد السمطین جلد ۲ صفحه ۱۳۳ حدیث ۴۳۱

۲ - باز شیخ الاسلام حمّوئی "شافعی" در فرائد السمطین جلد ۲ صفحه ۳۲۱ حدیث ۵۷۲

۳ - باز شیخ الاسلام حمّوئی "شافعی" در فرائد السمطین جلد ۲ صفحه ۳۱۹ حدیث ۵۷۱

۴ - خواجه کلان قندوزی "حنفی" در باب ۷۶ صفحه ۴۴۱ کتاب ینابیع الموده

۵ - باز خواجه کلان قندوزی "حنفی" در باب ۹۴ صفحه ۴۹۲ کتاب ینابیع الموده

۶ - باز خواجه کلان قندوزی "حنفی" در باب ۹۳ صفحه ۴۸۷ کتاب ینابیع الموده

۷ - باز خواجه کلان قندوزی "حنفی" در باب ۷۶ صفحه ۴۴۲ کتاب ینابیع الموده

۸ - حافظ شعرانی "شافعی" در کتاب الیواقیت والجواهر جلد ۲ المبحث ۶۵

۹ - ابوالعرفان شیخ محمد بن صبّان مصری "شافعی" در کتاب الراغبین حاشیه نورالابصار صفحه ۱۴۱

۱۰ - موفق بن احمد خوارزمی "حنفی" در کتاب مقتل الحسین جلد ۱ فصل ۷

صفحة ۹۴

۱۱ - موفق بن احمد خوارزمی "حنفی" در کتاب مقتل الحسین جلد ۱ فصل ۷

صفحة ۹۶

همه این کتب و دهها کتب دیگر با احادیث متواتره نوشته اهل سنت اسلامی دوازده جانشین و خلیفه و امام بعد از رسول خدا ﷺ را نقل کرده اند، که این ۱۲ نفر همان امامانی هستند که شیعه معتقد به آنها است، و شیعه را بر همین اساس اثنی عشریه می گویند، و هیچ فرقه دیگری در اسلام افتخار چنین اعتقادی را ندارد، لذا باید گفته شود شیعه حقه.

عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص):

يَا جَابِرُ إِنَّ أَوْصِيَائِي وَائِمَّةَ الْمُسْلِمِينَ مَنْ بَعْدِي أَوْلَهُمْ عَلِيٌّ ثُمَّ الْحَسَنُ ثُمَّ الْحُسَيْنُ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْمَعْرُوفُ بِالْبَاقِرِ سَتَدْرُكُهُ يَا جَابِرُ فَإِذَا الْقَيْتُهُ فَأَقْرَأْهُ مِنِّي السَّلَامَ ثُمَّ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ ثُمَّ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ ثُمَّ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ ثُمَّ الْقَائِمُ إِسْمُهُ اسْمِي وَكُنْيَتُهُ كُنْيَتِي ابْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الَّذِي يَفْتَحُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَيَّ يَدِيهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا ذَاكَ الَّذِي يَغِيبُ عَنِ أَوْلِيَائِهِ غَيْبَتُهُ لَا يَثْبُتُ عَلَيَّ الْقَوْلُ بِإِمَامَةِ الْأَمَنِ امْتَحَنَ إِلَيْهِ قَلْبَهُ الْإِيمَانُ.

ينابيع المودة باب ۷۴ صفحه ۴۹۴



## قسمت هشتم

## نظریه بعضی علماء اهل سنت درباره ۱۲ امام

هر مسئله‌ای اگر محققانه و بدون غرض مورد رسیدگی قرار بگیرد، و محقق از جنبه مسلکی و مذهبی و دید خودش به آن نگاه نکند، فقط عقل را قاضی قرار بدهد، صد در صد نتایج خوبی هم می‌گیرد، لذا دانشمندانی که از اهل سنت با مسائلی که ما مطرح کردیم با دید تحقیق نگریسته‌اند، بهترین نتایج را از این مسائل گرفته‌اند، که ما خلاصه‌ای از نتایج تحقیقی آنها را می‌آوریم:

۱- شعرانی مصری شافعی در کتاب الیواقیت و الجواهر جلد ۲ مبحث ۶۵ و محمد بن صبان شافعی در کتاب اسعاف الراغبین حاشیه نورالابصار صفحه ۱۴۱ و عدوی خمرآوی مالکی در کتاب مشارق الانوار فصل دوم فی المهدی صفحه ۱۱۲ هر کدام مستقلاً از کتاب فتوحات مکیه محی الدین بن عربی چنین نقل می‌کند:

«إِعْلَمُوا إِنَّهُ لَا بَدَّ مِنْ خُرُوجِ الْمَهْدِيِّ (عج) لَكِنْ لَا يَخْرُجُ حَتَّى تَمْتَلِي الْأَرْضُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا فَيَمْلَأُهَا قِسْطًا وَ عَدْلًا وَ هُوَ مِنْ عَتْرَةِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهَا جَدَّهُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ وَالِدِهِ الْإِمَامِ حَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ ابْنِ الْإِمَامِ عَلِيِّ النَّقِيِّ (بِالنُّونِ) ابْنِ الْإِمَامِ مُحَمَّدِ التَّقِيِّ (بِالْقَاءِ) ابْنِ الْإِمَامِ عَلِيِّ الرِّضَا ابْنِ الْإِمَامِ مُوسَى الْكَاطِمِ ابْنِ الْإِمَامِ جَعْفَرِ الصَّادِقِ ابْنِ الْإِمَامِ مُحَمَّدِ الْبَاقِرِ ابْنِ الْإِمَامِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ابْنِ الْإِمَامِ الْحُسَيْنِ ابْنِ الْإِمَامِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ يُوَاطِئُ اسْمَهُ اسْمُ رَسُولِ اللَّهِ (ص) يُبَايِعُهُ الْمُسْلِمُونَ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ»

یعنی بدانید مهدی موعود (عج) ناچار ظهور خواهد کرد ولی ظهور نمی‌کند تا زمانی که زمین از ظلم پر شود سپس او زمین را با عدل و داد پر می‌نماید، مهدی از اهل بیت رسول خدا ﷺ است، مهدی از نسل فاطمه الزهرا است مهدی جدش حسین بن علی بن ابیطالب است، مهدی پدرش امام حسن عسگری است که او فرزند امام علی النقی و او پسر امام محمد تقی و او پسر امام علی بن موسی الرضا و او فرزند موسی کاظم و او فرزند امام جعفر صادق و ایشان فرزند امام محمد باقر و ایشان پسر امام زین العابدین علی بن الحسین و او پسر امام حسین و او فرزند امام علی بن ابیطالب سلام الله علیهم اجمعین است، مهدی نامش نام رسول خدا ﷺ است، مسلمین با مهدی درمکه در خانه خدا مابین رکن و مقام بیعت خواهند کرد.

توجه می‌فرمایید سه پهلوان حدیث از علمای اهل سنت یعنی شعرانی شافعی و محمد بن صبان شافعی و عدوی خمراوی مالکی هر سه از علمای بزرگ اهل سنت هستند از یکی از علمای بزرگ اهل سنت یعنی محی الدین ابی عبدالله محمد بن علی معروف به ابن عربی الحاتمی الطایبی متوفی سال ۶۳۸ مطلبی را نقل می‌کند که مطالبی که او می‌گوید همه اقتباس از احادیث نبوی درباره ائمه اثنی عشری و مهدی موعود حجة بن الحسن عسگری (عج) است و مطابق است با آنچه که شیعه اثنی عشریه می‌گوید.

۲- حافظ سلیمان بن ابراهیم القندوزی حنفی در ینابیع الموده باب ۷۷ صفحه ۲۴۶ پس از تحقیقات فراوان چنین می‌فرماید:

«قَالَ بَعْضُ الْمُحَقِّقِينَ أَنَّ الْإِحَادِيثَ الدَّالَّةَ عَلَى كَوْنِ الْخُلَفَاءِ بَعْدَهُ (ص) اثْنِي عَشَرَ قَدْ اِسْتَهْرَتَ مِنْ طُرُقٍ كَثِيرَةٍ فَبِشْرَحِ الزَّمَانِ وَ تَعْرِيفِ الْكَوْنِ وَ الْمَكَانِ عِلْمٌ إِنَّ مُرَادَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) مِنْ حَدِيثِهِ هَذَا الْإِئِمَّةِ الْإِثْنِي عَشَرَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ عِترته از لاً

یمكن أن یحمل هذا الحدیث علی الخلفاء بعده من اصحابه لقتلهم عن اثنا عشر و لا یمكن أن یحمل علی الملوك الامویة لزیادتهم علی اثني عشر و لِظُلْمِهِمُ الْفَاحِشُ الْأَعْمَرِ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ وَ لِكُونِهِمْ غَيْرِ بَنِي هَاشِمٍ لِأَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ قَالَ كُلَّهُمْ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ فِي رِوَايَةِ عَبْدِ الْمَلِكِ عَنْ جَابِرٍ وَ إِخْفَاءِ صَوْتِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ فِي هَذَا الْقَوْلِ يَرْجَحُ هَذِهِ الرِّوَايَةَ لِأَنَّهَا لَا يَحْسَنُونَ خِلَافَهُ بَنِي هَاشِمٍ وَ لَا يَمَكُنُ أَنْ يَحْمِلَهُ عَلَى الْمُلُوكِ الْعَبَّاسِيَّةِ لِزِيَادَتِهِمْ عَلَى الْعَدَدِ الْمَذْكُورِ وَ لِقِلَّةِ رِعَايَتِهِمْ آيَةَ قُلْ لَا اسئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى وَ حَدِيثِ الْكِسَافِ لِأَنَّ مِنْ أَنْ يَحْمِلَ هَذَا الْحَدِيثَ عَلَى الْإِمَّةِ الْإِثْنِي عَشَرَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ عَتْرَتِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ لِأَنَّهَا كَانُوا أَعْلَمَ أَهْلِ زَمَانِهِمْ وَ أَجْلَهُمْ وَ أَوْرَعَهُمْ وَ أَتْقَاهُمْ وَ أَعْلَاهُمْ نِسْبَةً وَ أَفْضَلَهُمْ حَسَبًا وَ أَكْرَمَهُمْ عِنْدَ اللَّهِ وَ كَانُوا عَلُومِهِمْ عَنْ آبَائِهِمْ مُتَّصِلًا بِجَدُّهُمْ وَ بِالْوَرَاثَةِ وَ أَلَدْنِيهِ كَذَا عَرَفَهُمْ أَهْلُ الْعِلْمِ وَ التَّحْقِيقِ وَ أَهْلُ الْكَشْفِ وَ التَّوْفِيقِ وَ يُؤَيِّدُ هَذَا الْمَعْنَى أَيَّ أَنْ مُرَادَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ الْإِمَّةَ الْإِثْنِي عَشَرَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ يَشْهَدُهُ وَ يَرْجَحُهُ حَدِيثُ الثَّقَلَيْنِ وَ الْأَحَادِيثُ الْمُتَكَثِرَةُ الْمَذْكُورَةُ فِي هَذَا الْكِتَابِ وَ غَيْرِهَا»

صاحب کتاب ینابیع الموده که الحق دانشمندی فاضل و محدثی بزرگ و محقق بسیار دقیق... است چنین می فرماید :

عده‌ای از محققین گفته‌اند احادیثی که از رسول خدا صلی الله علیه و سلم به ما رسیده است، شرح زمان و تعریف کون و مکان نشان داده است که منظور رسول خدا صلی الله علیه و سلم از احادیث «اثنی عشر خلیفه» دوازده نفر از اهل

بیت و عترت آنحضرت هستند زیرا این احادیث بر خلفایی که از صحابه بودند حمل نمی‌شود چون تعدادشان از ۱۲ نفر کمتر است، و باز بر خلفای اموی و بنی امیه حمل نمی‌گردد، چون آنها از دوازده نفر بیشتر بودند و مسئله دیگر اینکه بجز عمر بن عبدالعزیز همه آنها ظالم و ستمگر فاحش بودند، در حالیکه رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمودند «کلهم من بنی هاشم» آنها از بنی هاشم هستند چنانچه در روایت جابر آمده است، و باز نمی‌شود بر پادشاهان بنی العباس حمل نمود زیرا آنها هم از ۱۲ نفر بیشتر بودند و هیچکدام آنها آیه قُلْ لَاسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ اجْرًا اِلَّا الْمُوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى را رعایت نکردند (بلکه فرزندان ذوی القربی رسول خدا را قتل عام کردند) و حدیث کساء را مراعات ننمودند، پس ماناچار هستیم بگوییم این حدیث «الائمة الاثنی عشر من اهل بیت و عترته» امامان دوازده گانه از اهل بیت و از عترت رسول خدا صلی الله علیه و سلم هستند که آنها اعلم اهل زمان و اجل و اتقی و اورع از همه بودند و در نسبت از همه بالاتر و در حسب افضل و در نزد خداوند محترمتر بودند و علم آنها متصل به علم رسول خدا صلی الله علیه و سلم است بخاطر داشتن و لدنی بودن علمشان دلیل دیگر ما حمل حدیث ثقلین و احادیث دیگری است که بطور وافر در این کتاب (یعنی ینابیع الموده) و در کتابهای دیگر نقل شده است...

بدین طریق هیچگونه شکی باقی نمی‌ماند که منظور رسول خدا ﷺ از همه این احادیث دوازده امام: علی و اولاد او علیه السلام بوده‌اند بار دیگر مطلب بالا را بخوانید و ببینید که آیا دیگر حرفی مانده است که ما بگوییم.



## قسمت نهم

### منکران خروج مهدی (عج) کافر هستند

این نکته مورد اتفاق شیعه و سنی است که هر کس یکی از ضروریات دین را منکر شود کافر می‌گردد، و این مورد اتفاق شیعه و سنی است، و باز شیعه و سنی مسئله مهدویت را از ضرورت دین می‌دانند، و از این مطلب که بگذریم خود رسول خدا ﷺ فرموده است که منکران مهدی و منکران قیام و انقلاب و خروج مهدی کافر هستند.

در کتاب فرائد السمطين نوشته حمّوئی شافعی و کتاب عرف الوری فی اخبار المهدی نوشته حافظ جلال الدین عبدالرحمن سیوطی و کتاب البرهان فی علامات المهدی آخر الزمان نوشته علاءالدین متقی هندی و کتاب نیابیع الموده باب ۷۸ صفحه ۴۴۷ نوشته حافظ قندوزی حنفی آمده است:

قال رسول الله (ص): مَنْ انكَرَ الْخُرُوجَ الْمَهْدِي فَقَدْ كَفَرَ بِمَا  
انزَلَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَ مَنْ انكَرَ نَزُولَ الْعِيسَى فَقَدْ كَفَرَ وَ مَنْ انكَرَ  
الدَّجَالَ فَقَدْ كَفَرَ.

یعنی: رسول خدا ﷺ فرمودند: هر کس خروج مهدی (عج) را منکر شود بتحقیق کافر شده است بر آنچه که بر رسول خدا ﷺ نازل شده است و هر کس نزول عیسی را منکر شود (که عیسی هم در زمان مهدی خواهد آمد) کافر است و هر کس مسئله دجال را (که قبل از قیام مهدی (عج) خروج می‌کند) منکر گردد اونیز کافر است.

## قسمت دهم

## مهدی آخرین امام و آخرین خلیفه است

همانطوری که اشاره کردیم مهدی موعود (عج) آخرین امام و آخرین خلیفه در دیانت مقدس اسلام می باشد چنانکه در کتاب «تذکره الخواص» تألیف شمس الدین ابوالمظفر یوسف بن فرعلی سبط بن جوزی «حنفی» (که ایشان مشهور است به سبط بن جوزی) در باب ششم این کتاب می گوید: حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام در خطبه ای در مدح رسول خدا صلی الله علیه و آله و امامان ایراد می فرمایند و در آخر خطبه چنین می فرمایند:

«فَنَحْنُ أَنْوَارُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ سُفُنُ النِّجَاةِ وَ فِينَا مَكْنُونُ الْعِلْمِ وَ إِلَيْنَا الْمَصِيرُ الْأُمُورِ، وَ بِمَهْدِينَا تَقْطَعُ الْحَجَجَ فَهُوَ خَاتَمُ الْأَنْبِيَاءِ وَ مَنْقِذُ الْأُمَّةِ وَ مَنْتَهَى النُّورِ وَ غَامِضُ السَّرِّ فَلِيَهُنَّ مَنْ اسْتَمْسَكَ بِعُرْوَتِنَا وَ حَشَرَ عَلَيَّ مُحِبِّينَا»

یعنی: و ما هستیم انوار آسمانها و زمین (و ما هستیم روشنائی بخش عالم) و ما هستیم سفینه و کشتی نجات و ما هستیم کسانی که خداوند علم را در ما نهاده است، به مهدی ما انقطاع میابد همه حجت های الهی و او ختم کننده همه امامان است و او نجات دهنده امت است، و باو انوار «الهی» ختم می گردد، و ما هستیم که اسرار الهی در اختیار و در قبض و در اختیار ما است هر کس به ریسمان ما چنگ زند او در قیامت با محبت ما محشور می گردد.

به هر حال در این روایت و روایات متعدد دیگر آمده است که مهدی آخرین امام از ائمه اسلام است.

### قسمت یازدهم

## «مهدی (عج) از عترت رسول خدا ﷺ و از فرزندان فاطمه ﷺ است»

۱- در صحیح ابی داود (که یکی از صحاح سته است) مجلد ۴ حدیث ۲۸۴  
صفحه ۲۰۷ آمده است:

«عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ قَالَتْ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَقُولُ الْمَهْدِيُّ مِنْ  
عِزَّتِي مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ»

ام سلمه می گوید: شنیدم از رسول خدا ﷺ که آنحضرت می فرمودند مهدی  
از عترت و از خانواده من است و از اولاد فاطمه ﷺ است.

۲- در صحیح بن ماجه فی سنته جزء دوم باب خروج المهدی از بابهای  
«الفتن» آمده است:

«عَنْ سَعِيدِ بْنِ الْمَسَيْبِ قَالَ: كُنَّا عِنْدَ أُمِّ سَلَمَةَ فَتَذَاكَرْنَا الْمَهْدِيَّ  
فَقَالَتْ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَقُولُ الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِ  
الْفَاطِمَةَ»

سعید بن مسیب نقل می کند که مادر نزد ام سلمه بودیم و ذکری از مهدی شد  
(و یا درباره مهدی صحبت می کردیم) ام سلمه گفت: من از رسول خدا ﷺ  
شنیدم که مهدی از فرزندان فاطمه می باشد.

این حدیث و صدها حدیث دیگر نظیر آن این نکته را اثبات می کند که رسول  
خدا ﷺ زیاد به آمدن مهدی موعود (عج) اشاره کرده بودند، لذا مردم از آمدن  
مهدی و قیام و انقلاب او حرف می زدند، و برای آگاهی بیشتر در حضور همسر  
رسول خدا ﷺ ام سلمه به بحث می پردازند و ایشان با احادیث نبوی بر  
اطلاعات اینها می افزاید.

این حدیث را التاج الجامع للأصول مجلد ۵ صفحه ۲۶۴ و صواعق المحرقة ابن هجر عسقلانی و کتاب اسعاف الراغبین باب ۲ صفحه ۱۳۴ و صحیح مسلم نیشابوری و صحیح حافظ نسائی و ینابیع الموده صفحه ۴۳۲ و کتاب جواهر العقدين - منتخب كنز العمال صفحه ۳۰ جلد ۶ و کتاب البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان همه آورده اند .

۳- در ینابیع الموده نوشته خواجه کلان قندوزی حنفی صفحه ۴۳۲ و مسند امام احمد حنبل و صحیح ابن ماجه آمده است :

«عَنْ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَرَفَعَهُ الْمَهْدِيُّ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ يُصَلِّهِ اللَّهُ فِي لَيْلَةٍ»

حدیث را امیرالمؤمنین نقل می کنند درباره امام زمان که مهدی از اهلیت است و خداوند در شبی امر او را اصلاح می کند .

۴- در ینابیع الموده نوشته خواجه کلان قندوزی حنفی باب ۷۳ صفحه ۴۳۲ آمده است :

«و حَدِيثُ قَتَادَةَ قَالَ قُلْتُ سَعِيدُ بْنُ الْمُسَيْبِ: أَحَقُّ الْمَهْدِيِّ قَالَ نَعَمْ هُوَ حَقٌّ هُوَ بَنُ أَوْلَادِ فَاطِمَةَ قُلْتُ مِنْ أَيِّ وَلَدِ فَاطِمَةَ قَالَ حَبِيبُ الْآنَ»

و حدیث قتاده که گوید: بسعیدبن مسیب گفتم آیا مهدی حق است، گفت آری حق است، او از اولاد فاطمه است، گفتم از کدام یک از اولاد فاطمه رضی الله عنها گفت بس است ترا حالا .

## قسمت دوازدهم

### تولد صاحب الزمان «عجل الله تعالی فرجه الشریف»

همانطوریکه ملاحظه فرمودید رسول خدا ﷺ به بهترین وجهی مهدی موعود (عج) را به مسلمین معرفی فرمودند، مثلاً رسول خدا ﷺ بارها می فرمودند:

- الف - مهدی از فرزندان فاطمه و علی بن ابیطالب است .
- ب - مهدی دوازدهمین و آخرین امام است .
- ج - مهدی از عترت رسول خدا ﷺ می باشد .
- د - قیام و انقلاب مهدی حتمی است .
- ه - نام مهدی نام رسول خدا ﷺ و کنیه او کنیه رسول خدا ﷺ خواهد بود .
- و - مهدی نهمین فرزند از سید الشهدا ﷺ می باشد .
- ز - مهدی هشتمین فرزند امام سجاد ﷺ است .
- ح - مهدی هفتمین فرزند امام محمد باقر ﷺ است .
- ط - مهدی ششمین فرزند امام صادق است .
- ی - مهدی پسر امام حسن عسکری ﷺ است ....

و صدها مطلب دیگر لذا برای مسلمانان صدر اسلام قیام و انقلاب و ظلم ستیزی مهدی (عج) واضح و آشکار بود، و در مقابل خلفای جابر و ظالم بنی العباس از تولد مهدی (عج) خوشنود نبودند، لذا آنها همانطوریکه فرعون تلاش می کرد تاموسی بن عمران متولد نشود، آنها هم تلاش می کردند مهدی (عج) هم متولد نگردد، زیرا چنین می پنداشتند اگر مهدی (عج) متولد شود حکومت آنها را نابود خواهد کرد، به همین جهت متوکل عباسی که ظالم و جنایتکار عجیبی بود، و ظلم و جنایات او در تاریخ ثبت است، در سال ۲۳۵ (ه.ق) دستور می دهد که

امام حسن عسگری علیه السلام را از مدینه به «سامره» یا «سرمن رأی» به پایتخت حکومتی او منتقل کنند و دستور می‌دهد آنحضرت را در محله «عسگر» یا پادگان و سربازخانه جای دهند، (اگر به آنحضرت عسگری می‌گویند به این خاطر است) و همچنین معتمد خلیفه دیگر عباسی برای خود آنحضرت و خانواده‌اش جاسوسان و گارد مخصوصی می‌گمارد که اگر مهدی (عج) متولد شود او را نابود سازند، و این جاسوسان اجازه داشتند هر زمان که می‌خواهند به خانه امام حسن عسگری علیه السلام حمله کرده و به تفتیش بپردازند، هم زنها را معاینه کنند که حامله نباشند و هر گاه کودک پسری متولد شد او را بکشند، اما اراده خداوند چیز دیگری است که می‌فرماید (سوره قصص آیه ۵):

و تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ

نَجْعَلَهُمْ أئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ

و ما اراده کردیم کسانی که در روی زمین ضعیف واقع شده‌اند، بر آنها منت بگذاریم و آنان را ائمه و امام و خلیفه و پیشوا و وارثین زمین قرار دهیم.

پس اراده خداوند مافوق همه اراده‌هاست، و با این همه مراقبتها در شب جمعه نیمه شعبان سال ۲۵۵ (ه.ق) آن موعود الهی یعنی حجة بن الحسن العسگری (عج) در شهر سامره چشم به جهان می‌گشاید، این تولد را علمای اهل سنت نیز در تاریخها و کتابهای خود آورده‌اند و ما در این جا به پاره‌ای از

آنها اشاره می‌کنیم:

۱- حافظ نورالدین ابن صباغ «مالکی» در فصل دوازدهم از کتاب فصول المهمه می‌گوید:

«ابوالقاسم محمد بن الحسن در سامرا در نیمه شعبان سال ۲۵۵ (ه.ق) متولد شد»

۲- شیخ عبدالوهاب شعرانی در مبحث ۶۵ کتاب الیواقیت والجواهر می‌گوید:  
«... او از اولاد امام حسن عسگری می‌باشد و زادروزش نیمه شعبان سال ۲۵۵ (ه.ق) است و او زنده و باقی است»

۳- شیخ حافظ سلیمان ابن ابراهیم قندوزی معروف به خواجه کلان «حنفی» در ینابیع الموده صفحه ۴۵۲ چنین می‌گوید:

«پس خبر مسلم و حتمی نزد معتبرترین و ثقات (و راستگویان و مورد اعتمادان) این است که ولادت قائم (عج) در شب پانزدهم شعبان سال ۲۵۵ (ه.ق) در شهر سامرا واقع گردید»

۴- شبراوی در کتاب اتحاف بحب الاشراف صفحه ۱۷۹ می‌گوید:

«امام حسن عسگری... پس از خود فرزندش ابوالقاسم محمد را بجای گذاشت... و پدرش در هنگام تولد او را پنهان و پوشیده می‌داشت بخاطر دشواری ایام و ترس از خلفای عصر، چونکه ایشان در آن اوقات بنی هاشم را می‌جستند و می‌گرفتند و بقصد نابودی آنان را به زندان انداخته یا بقتل می‌رساندند»

۵- حافظ محمد بن یوسف گنجی شافعی در کتاب «البیان فی اخبار صاحب الزمان» در آخر باب بیستم می‌نویسد:

«همانا مهدی (عج) پسر امام حسن عسگری است و او از زمان غیبتش تا کنون زنده و موجود و باقی است و بقا او بدلیل بقا عیسی و خضر و الیاس

امتناعی ندارد»

۶- یا حافظ خواجه کلان قندوزی حنفی در کتاب ینابیع الموده باب ۸۲

صفحه ۴۶ می گوید :

«بیان ذکر معرفی امام ابو محمد حسن عسگری فرزند خود را جهت خواص

دوستان خویش بنام «القائم المهدی» و آگاه ساختن ایشان بر اینکه امام بعاز

من پسر من می باشد»

این مطلبی که خواجه کلان قندوزی بیان میکند این است که حضرت

عسگری علیه السلام می خواستند شیعیان و مسلمین واقعی بدانند که مهدی متولد شده

است و امام و حجت و خلیفه بعد از خویش ایشان است لذا هنگامی که حضرت

مهدی (عج) متولد شد:

الف: دستور داد گوسفندان متعدد عقیقه کنند و برای افراد خواص بفرستند

تا همه بدانند مهدی متولد شده است مثلاً ابراهیم کوفی می گوید :

پس از اینکه حجت بن الحسن متولد شد امام حسن عسگری گوسفندی سر

بریده برایم فرستاد و فرمودند این گوسفند را عقیقه کن زیرا پسر من «محمد»

بدنیا آمد.

ب: حضرت عسگری کودک را به خواص نشان می دادند «ابو غانم»

می گوید چون خداوند به امام یازدهم پسری داد نام او را محمد نهاد و در روز

سوم تولدش او را به اصحاب و نزدیکان خود نشان داده و می فرمودند:

« هَذَا صَاحِبُكُمْ مِنْ بَعْدِي وَ خَلِيفَتِي عَلَيْكُمْ »

ای یاران من بدانید بعد از من این صاحب امر شماست و خلیفه من بر شما

خواهد بود.

ج) پس از تولد حضرت مهدی (عج) امام عسگری برای خواص نامه نوشته

و تولد مهدی را خبر میدادند مثلاً احمد بن الحسن بن اسحق می گوید :



چون مهدی متولد شد امام عسکری علیه السلام برای من نامه‌ای فرستاد این نامه به خط خود آن حضرت بود که نوشته بودند «وُلِدَ كُنَا مَوْلُودٌ فَلْيَكُنْ عِنْدَكَ مَسْتَوْرًا وَعَنْ جَمِيعِ النَّاسِ مَكْتُومًا فَإِنَّا لَمْ نُظْهِرْ عَلَيْهِ إِلَّا الْأَقْرَبَ لِقَرَابِيهِ»  
یعنی برای ما فرزندی متولد شده است این مسئله نزد تو پوشیده و مستور بماند و از همه مردم پنهان بدار، زیرا ما از آن مطلع نمی‌کنیم مگر خویشان و نزدیکانمان را و آنهم خویشان و نزدیکان محرم یا دوستان صمیمی خود را  
لَيْسَ رَكَّ اللهُ بِهٖ مِثْلَ مَا سَرَّنا وَالسَّلَام  
لذا اگر ترا از آن آگاه کردیم بخاطر این بود تا تورا شاد کنیم چنانکه خودمان شاد شدیم والسلام.



حافظ نورالدین ابن صباغ مالکی:

ابوالقاسم محمد بن الحسن در سامرا در نیمه شعبان

سال ۲۵۵ (ق) متولد شد.

فصل ۱۲ کتاب فصول المهمه



## قسمت سیزدهم

## «شمائل» و «سیمای» امام زمان (عج)

همانطوریکه قبلاً گفتیم مسئله مهدویت، مسئله‌ای الهی است که تمام ابعاد آن برای جهانیان مشخص شده است و هیچ مسئله‌ای در این باره باقی نمانده است که شخصی بگوید ای کاش قرآن و احادیث و روایات این مسئله را روشن کرده بودند.

آنقدر این مسئله عمیق است که حتی شمائل و سیمای ظاهری امام زمان علیه السلام بوسیله رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه طاهرین بیان شده است و همین مسئله راه را بروی بسیاری از مهدی نماها و مدعیان دروغین مهدویت می‌بندد و این مسئله در کتب اهل سنت نیز آمده است مثلاً:

۱- در کتاب صواعق المحرقة نوشته ابن هجر شافعی - و طبرانی و ابونعیم

و دیلمی در مسند و ینابیع الموده باب ۷۳ صفحه ۴۳۳ آمده است:

«و عَنْ حَذِيفَةَ بْنِ الْيَمَانِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: الْمَهْدِيُّ رَجُلٌ مِنْ

وُلْدِي وَجَهَةٌ كَالْكَوْكَبِ الدُّرِيِّ اللَّوْنُ لَوْنُ عَرَبِيٍّ وَ الْجِسْمُ جِسْمُ

اسرائیلی

از حذیفه بن یمان <sup>(۱)</sup> چنین نقل شده است که رسول خدا (ص) فرمودند:

مهدی مردیست از فرزندان من، صورت او مانند ستاره درخشنده (میدرخشد) و رنگ چهره او رنگ عربیست، و جسم او جسم اسرائیلی است (یعنی بلند قامت).

۲- کتاب فردوس باب «الألف - و اللام» از دیلمی و کتاب اسعاف الراغبین

نوشته ابوالمعارف محمد بن صبان مصری شافعی باب ۲ صفحه ۱۲۵ و کتاب ینابیع الموده صفحه ۴۶۹ نوشته خواجه کلان قندوزی حنفی آمده است:

«اخرج الرویانی - وأطبرانی و غیرها مرفوعاً ألمهدی من  
وُلدی وَجَهه كَالکوکب دری اللون لون عربی و الجسم جسم  
اسرائیلی ای طویل...»

و وَرَد ايضاً إِنَّه شاب اکحل العینین ازج الْحاجبین أُنقَى الْأَنْف  
كَثَّ اللَّحیة علی خَدَه الْأیمن خَال و علی یدَه الیمن خَال»

رویانی و طبرانی و به جز آن دو نفر (عده‌ای دیگر نقل کرده‌اند) که رسول  
خدا ﷺ فرمودند: مهدی از اولاد من می‌باشد، صورتش چون ستاره‌ای  
درخشان (می‌درخشد) رنگش رنگ عربی و قامتش اسرائیلی (یعنی بلند  
قامت)...

و نیز وارد شده که او جوانی است دارای چشمانی سیاه و ابروان باریک و  
بینی کشیده وسط آن بالا آمده و محاسن او انبوه و برگونه راستش (راست  
صورتش) خالیست و بردست راست او نیز خالی می‌باشد.

۳- ینابیع الموده نوشته خواجه کلان قندوزی حنفی باب ۷۳ صفحه ۴۲۳  
آمده است:

«عَنْ اَبی سلمة بن عبدالرحمن بن عوف عَنْ ابيه قال، قال  
رسول الله صلى الله عليه وسلم لِيَعْتِثِن الله رَجُلًا مِنْ عِترتی  
افرق الثنایا اجل الجبّه یملاء الارض عدلاً و یغیض المال  
اخرجه ابونعیم»

پدر سلمه بن عبدالرحمن بن عوف از پدرش نقل می‌کند که رسول خدا  
صلی الله علیه وسلم فرمودند: همانا خداوند متعال بر انگیزد مردی را از عترت  
من که بین دندانهای ثنایای او باز باشد پیشانی مبارکش بلند باشد و او زمین

را پر از عدل و داد می‌کند، و مال را ببخشد، این روایت از ابونعیم است .  
 ۴- در کتاب عقد الدرر فی اخبار امام المنتظر باب سوم نوشته شیخ جمال  
 الدین یوسف دمشقی آمده است :

«سُئِلَ امير المؤمنين علي بن ابي طالب (ع) عَنْ صِفَةِ المهدى  
 قال هوشابُّ مربع حسن الوجه يسيل شعره على منكبه يعلو  
 نور وجهه سواد شعر لحيته و رأسه »

جوانی است زیبا نیکو چهره و موهای سرش بر روی کتفهای مبارکش  
 ریخته است، نور چهره او تلالو دارد و در میان سیاهی موهای صورت و  
 سرش میدرخشد .

۵- در کتاب شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید معتزلی و کتاب کافی الکفاة  
 نوشته قاض القضاة آمده است :

«عَنْ علي كرم الله وجهه إِنَّه ذكر المهدى و قال إِنَّه مِنْ ولد  
 الحسين سلام الله عليهم و ذكر حلية فقال رجل اجلى الجبينين  
 أُنْفَى الْأَنْفِ ضَخِيمَ الْبَطْنِ أزيل الفخذين ابْلُخَ الشنایا بِفَخْذِهِ  
 الیمن سامة»

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در وصف مهدی فرمودند: او از فرزند حسین  
علیه السلام است او دارای پیشانی بلند است، بینی مبارکش باریک و کشیده است  
 شکمش سفت و ضخیم است، رانهای او پر گوشت است و میان دندانهای  
 مبارکش باز است و به ران راست او نشانه‌ای است .

آنچه که در کتابها درباره شمائل امام زمان (عج) و سیمای آنحضرت  
 آمده عبارت است از :

۱- مهدی شبیه‌ترین مردم نسبت به رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌باشد . (خبر شیخ

صدوق در کمال الدین)

- ۲- مهدی شبیه حضرت موسی بن عمران علیه السلام است. (خبر خراز در کتاب کفایت الاثر)
- ۳- مهدی شبیه‌ترین خلق نسبت به عیسی بن مریم علیه السلام است (خبر کعب الاخبار در کتاب غیبت نعمانی)
- ۴- ابيض مشرب حمرة (صورتش مانند سفیدی که با سرخی آمیخته شده است در علوی).
- ۵- لونه لون عربی (رنگ او رنگ عربی است).
- ۶- جسمه جسم اسرائیلی (جسم او اسرائیلی یعنی بلند قامت و دارای جثه مناسب است).
- ۷- شاب مربع (جوانی است متوسط القامه در علوی).
- ۸- اجلی الجبین (پیشانی مبارکش بلند است و خوبرو است).
- ۹- مقرون الحاجبین (ابروان مبارکش به هم پیوسته است).
- ۱۰- اقنى الانف (بینی مبارکش باریک و کشیده که در وسطش انحطاب است).
- ۱۱- حسن الوجه (نیکو روست در علوی).
- ۱۲- نور وجهه (صورتش نورانی و درخشان است).
- ۱۳- يعلو سواد الحیته و رأسه (نور چهره او چنان درخشان است که متولی شده است بر سیاهی ریش و موهای سر مبارکش).
- ۱۴- وجهه کالدینار (چهره‌اش در صفا مانند اشرفی درخشنده است).
- ۱۵- وعلی خده الایمن خال کانه کوب دری (و بر روی صورت او خالی است که پنداری ستاره ایست درخشان).
- ۱۶- افلج الثنایا (میان دندانهای مبارکش گشاده است).
- ۱۷- حسن الشعر یسبل شعره علی منکیبه (دارای مویی نیکو و زیبا است که موهایش بر کتف مبارکش ریخته است).

- ۱۸- و علی رأسه فرق بین و مرتین کانه الف بین و اوین (در وسط سرش فرق است مانند «الف» بین دو «واو» - خبر سعد بن عبدالله)
- ۱۹- مشرف الحاجبین (میان دو ابروانش بلند است).
- ۲۰- غایر العینین (چشمانش در کاسه سر مبارکش فرورفته - یعنی برآمدگی ندارد).
- ۲۱- ضخیم البطن (شکمش محکم است).
- ۲۲- واسع الصدر (سینه مبارکش فراخ است).
- ۲۳- مترسل المنکبین عریض مابینهما (کتفهای مبارکش فرورفته و میان آنها پهن است).
- ۲۴- بظهره شامتان شامة علی لون جلده و شامته علی شبه شامة لنبی (و در پشت مبارکش دو نشانه است یکی به رنگ بدن مبارکش و دیگری شبیه علامتی است که بر کتف مبارک رسول خدا ﷺ بود).
- ۲۵- کث اللحیه اکحل العینین (ریش مبارکش انبوه است و چشمان مبارکش سیاه است).
- ۲۶- براق الثنایا (دندانهای مبارکش درخشان است).
- ۲۸- فی کتفه علائم نبوة النبی ﷺ (در کتفش علامتی است مانند علامت نبوت رسول خدا ﷺ - مهر نبوت -).
- ۲۹- عریض الخذین (رانهای مبارکش عریض است).
- ۳۰- احمش الساقین (ساقهای مبارکش باریک است - و در شکم و ساق مانند جدش امیرالمؤمنین علی است -).
- ۳۱- طاووس اهل الجنة (آنقدر زیباست که به او طاووس اهل بهشت می گویند).
- ۳۲- وجهه کالقمر الدرّی (صورتش مانند ماه شب چهاردهم می درخشد).

۲۲- جلابیب النور (آنقدر زیبا و نورانی است مثل اینکه در تن جامه‌ای از نور پوشیده است).

۲۴- جیوب النور تتوقد بشعاع ضیاء القدس (نور صورتش مانند انوار بهشتی است).

۲۵- علی بن مهزیار اهوازی در وصف ایشان می‌گوید:

«كأقحوا أنه أرجوان قد تكأف عليها أذى و أصابها الم هوی»

در لطافت و رنگ چون گل بابونه و ارغوانی که شب‌نم بر آن نشسته و شدت سرخیش را هوا شکسته است.



اللَّهُمَّ كُنْ لِوَلِيِّكَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ صَلَواتِكَ عَلَيْهِ وَ  
عَلَىٰ آبائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ وِلياً وَ حَافِظاً  
وَ قَائِداً وَ ناصِراً وَ دَلِیلاً وَ عَیْناً حَتَّى تُسَكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعاً  
وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلاً.

بار الها: در این هنگام، و برای همیشه ولس امرت، امام  
زمان حجة بن الحسن را که (درودهایت بر او و پدرانش باد)  
سرپرست و نگهدار، و رهبر و یاور و رهنما و نگهبان باش. تا  
کیتس را به فرمان او آوری و تا دیر زمان بفرمندیش کردانی.



## قسمت چهاردهم

## قیام و انقلاب مهدی موعود (عج) حتمی است

همانطوریکه قبلاً نیز تذکر دادیم رسول خدا ﷺ هر گاه درباره قیام و انقلاب مهدی (عج) صحبت می فرمودند مسئله را بصورت یک مسئله محکم و استوار مطرح می کردند مخصوصاً درباره قیام و انقلاب و خروج و ظهور این بزرگوار مثلاً:

۱- در صحیح ابن ماجه و صحیح ابی داود چاپ مصر جلد ۲ صفحه ۲۰۷ از کتاب المهدی و صحیح ترمذی جلد ۲ صفحه ۲۰۷ و کتاب ینابیع الموده نوشته خواجه کلان قندوزی حنفی صفحه ۴۲۲ و کتاب مسند امام احمد حنبل و کتاب نورالابصار باب ۲ صفحه ۱۵۴ نوشته شبلینجی شافعی چنین آمده است:

«لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدَّهْرِ إِلَّا يَوْمٌ لِبَعثِ اللَّهِ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي  
يَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مَلَأْتِ جُورًا»

یعنی اگر نماند از عمر دنیا مگر یک روز خداوند بر می انگیزد مردی از اهل بیت و خانواده مرا (تا انقلابی بر پا سازد) خداوند به او عالم را پر از عدل و داد می کند همانطوریکه پر از ظلم و جور شده بود.

۲- در کتاب البرهان فی علامات مهدی آخرالزمان باب دوم نوشته متقی هندی و کتاب اربعین و کتاب ینابیع الموده نوشته خواجه کلان قندوزی حنفی صفحه ۴۲۸ آمده است:

«عَنْ حذيفة بن اليمان قال: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ: وَيَلُ هَذِي  
الْأُمَّةَ مِنْ مُلُوكِ جَبَابِرَةٍ كَيْفَ يَقْتُلُونَ وَ يَطْرُدُونَ الْمُسْلِمِينَ إِلَّا  
مَنْ أَظْهَرَ طَاعَتَهُمْ فَالْمُؤْمِنُ أَلْتَقَى يَصَانِعُهُمْ بِلِسَانِهِ وَ يَفْرَّ مِنْهُمْ



بِقَلْبِهِ فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنْ يَعِيدَ الْإِسْلَامَ عَزِيزاً  
أَقْصَمَ كُلَّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَهُوَ الْقَادِرُ عَلَى مَا يَشَاءُ وَاصْلَحَ الْأَئِمَّةَ  
بَعْدَ فُسَادِهَا يَا خَذِيفَةَ لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ  
اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَمْلِكُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَظْهَرُ الْإِسْلَامَ  
وَلَا يَخْلِفُ وَعْدَهُ وَهُوَ عَلَى وَحْدِهِ قَدِيرٌ»

خذیفه بن یمان می گوید شنیدم از رسول خدا که می فرمودند: وای بر این امت از دست پادشاهان جبار و زورگو که چگونه می کشند مسلمانها را و طرد می کنند جز کسانی را که آنها را اطاعت می کنند، مؤمنین متقین به زبان می گویند مابا آنها هستیم اما از دل از آنها فرار می کنند، تا زمانی که خداوند اراده فرماید تا به اسلام عزت دهد، آنگاه کمر هر ستمکار و ظالمی را میشکند و خداوند توانائی دارد بر آنچه اراده فرماید و اصلاح نماید امت را بعد از فاسد شدنشان، ای خذیفه اگر باقی نماند از عمر دنیا مگر یک روز خداوند آن روز را آنقدر طولانی می گرداند تا مردی از اهل بیت من بیاید و حکومت نماید او اسلام را ظاهر میسازد (یا اسلام را می نمایاند) و خداوند خلف وعده نمی فرماید و او بر وعده خود توانا است.



قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدَّهْرِ إِلَّا يَوْمٌ لِبِعْثِ

اللَّهِ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مِلَّتُ جَوْرًا

یعنی اگر نماند از عمر دنیا مگر یک روز خداوند بر من انگیزد

مردی از اهل بیت و خانواده مرا (تا انقلابی بر پا سازد) خداوند به او

عالم را پر از عدل و داد می کند همانطوریکه پر از ظلم و جور شده بود.



صحیح ابن ماجه - صحیح ابی داود مجلد ۲ ص ۲۰۷



## قسمت پانزدهم

مهدی (عج) نهمین فرزند امام حسین علیه السلام است

۱ - محمد صالح الحسین الترمذی در المناقب مرتضویه باب ۲ صفحه ۱۲۹ و عبد الله بسمل در ارجح المطالب فی عد مناقب اسدالله الغالب صفحه ۴۳۶ حدیث ۴ و موفق بن احمد خوارزمی حنفی در مقتل الحسین جلد ۱ فصل ۷ صفحه ۱۴۶ و حافظ شیخ سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی در ینابیع الموده باب ۵۴ صفحه ۱۶۸ می گوید:

«عَنْ سَلِيمِ بْنِ قَيْسِ الْهَلَالِيِّ عَنِ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَإِذَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ يَقْبَلُ خُذِيهِ وَيَلْتَمُ فَاهُ وَيَقُولُ أَنْتَ سَيِّدُ ابْنِ سَيِّدِ أَخِي سَيِّدٌ وَأَنْتَ إِمَامُ ابْنِ إِمَامٍ وَأَنْتَ حُجَّةُ بَنِي حُجَّةِ أَخِي حُجَّةٌ وَأَنْتَ أَبُو حُجَّجٍ تِسْعَةَ تِسْعِهِمْ قَائِمُهُمْ»

سلمان فارسی می گوید خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رسیدم، دیدم حسین بن علی روی زانوی آنحضرت نشسته است، حضرت چشمها و دهان سیدالشهدا را می بوسید و می فرمودند: (ای حسین) تو آقا فرزند آقا و برادر آقا هستی تو امام فرزند امام و برادر امام می باشی تو حجت فرزند حجت و برادر حجت هستی تو پدر حجت های نه گانه هستی که نهمین آنها قائم بر آنها است.

۲- در کتاب مسند امام احمد حنبل و کتاب کشف الیقین آمده است:

«قَالَ النَّبِيُّ (ص): لِلْحُسَيْنِ هَذَا ابْنَتِي إِمَامٌ أَخُو إِمَامٍ أَبُو الْإِثْمَةِ تِسْعَةَ تِسْعِهِمْ قَائِمُهُمْ»

رسول خدا برای سیدالشهدا فرمودند: این فرزند من امام برادر امام و پدر نه امام می باشد که نهمین آنها قائم بر آنها می باشد.

## قسمت شانزدهم

### نام مهدی (عج) و کنیه مهدی (عج) در روایات

۱- در البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان باب ۳ نوشته علاءالدین متقی هندی آمده است:

«قَالَ: وَ أَخْرَجَ إِیضاً (یعنی نعیم بن حمار) عَنْ عَلِي بْنِ  
أَبِي طَالِبٍ قَالَ: اسْمُ الْمَهْدِيِّ مُحَمَّدٌ...»

نعیم بن حمار از امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل می کند که آنحضرت فرمودند اسم مهدی محمد است.

۲- در البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان باب ۳ آمده است:

«وَ أَخْرَجَ إِیضاً (یعنی نعیم بن حمار) عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخَدْرِيِّ عَنْ  
النَّبِيِّ (ص) قَالَ اسْمُ الْمَهْدِيِّ اسْمِي»

ابی سعید الخدری از رسول خدا (ص) نقل می کند که اسم مهدی اسم من است.

۳- سبط بن جوزی حنفی در تذکره الخواص الامه صفحه ۳۷۷ چنین می گوید:

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: يَخْرُجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ رَجُلٌ مِنْ وَلَدِي اسْمُهُ  
كَاسِمِي وَ كُنِيَّتُهُ كُنِيَّتِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأْتُ جَوْرًا  
فَذَلِكَ هُوَ الْمَهْدِيُّ»

رسول خدا (ص) فرمودند: قیام می کند در آخر الزمان مردی از فرزندان من اسم او مانند اسم من است و کنیه او مانند کنیه من است، زمین را پر از عدل و داد میکند همانطوریکه پر از ظلم و جور شده بود و او همان مهدی است.

۴- در کتاب مناقب نوشته موفق بن احمد خوارزمی حنفی و کتاب ینابیع الموده نوشته خواجه کلان قندوزی حنفی صفحه ۴۹۲ آمده است:

«عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي اسْمُهُ اسْمِي وَكُنْيَتُهُ كُنْيَتِي»

جابر بن عبدالله انصاری از رسول خدا (ص) نقل می‌کند که آنحضرت فرمودند: مهدی از فرزندان من است، اسم او اسم من است و کنیه او کنیه من می‌باشد. پس از آنچه که در روایات شیعه و سنی آمده است اسم مهدی موعود (عج) اسم رسول خدا ﷺ (م-ح-م-د) و کنیه او کنیه رسول خدا ﷺ ابوالقاسم است.



فرازی از دعای افتتاح که منسوب به امام عصر (عج) است:

اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ تُعَزِّبُهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ وَ  
تُدِلُّ بِهَا النُّفَاقَ وَ أَهْلَهُ وَ تَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ  
وَ الْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ وَ تَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ



## قسمت هفدهم

## مهدی (عج) مادرش بهترین کنیزان عالم است

۱- در ینابیع الموده صفحه ۵۱۲ نوشته خواجه کلان قندوزی حنفی آمده است:

«و روی المدائنی فی کتاب صفین قال خَطَبَ عَلِيٌّ بَعْدَ انْقِضَاءِ  
 امْرِ النَّهْرَوَانِ فَذَكَرَ طَرَفًا مِنَ الْمَلَاحِمِ وَ قَالَ ذَلِكَ امْرَاةٌ وَ هُوَ  
 كَائِنٌ وَقْتًا مَرِيحًا فَيَا ابْنَ خَيْرَةِ الْأَمَاءِ مَتَى تَنْتَظِرُ ابْشَرَ بِنَصْرِ  
 قَرِيبٍ مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ فَيَا بِي وَ أُمِّي مِنْ عَدُوِّ قَلِيلِهِ اسْمَاءُهُمْ فِي  
 الْأَرْضِ مَجْهُولَةٌ قَدْ دَانَ حَيْثُ ظَهَرَهُمْ يَا عَجَبًا كُلَّ الْعَجَبِ بَيْنَ  
 الْجَمَادِيِّ وَ رَجَبِ وَ جَمْعِ اشْتَاتِ وَ حَصْدِ نَبَاتِ وَ مِنْ اصْوَاتِ  
 بَعْدِ اصْوَاتِ ثُمَّ قَالَ سَبَقَ الْقَضَاءُ سَبَقَ قَالَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْبَصْرَةِ  
 إِلَى رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ فِي جَنْبِهِ اشْهَدُ إِنَّهُ كَاذِبٌ قَالَ الْكُوفِيُّ  
 وَاللَّهِ مَا نَزَلَ عَلَيَّ مِنَ الْمَنْبَرِ حَتَّى قَلَجَ الرَّجُلُ فَاتَّ مِنْ لَيْلَةٍ وَ  
 لُوَارَدْنَا اسْتِقْصَاءَ أَخْبَارِهِ عَنِ الْغُيُوبِ الصَّادِقَةِ الَّتِي شَاهَدَ وَ  
 اصْدَقَهَا وَ عَيَانًا لِبَلِّغِ كَرَارِيْسَ»

روایت کرده مدائنی در کتاب صفین گوید خطبه ایراد فرمود علی (ع) بعد از انقضای امر نهروان یاد فرمود قسمتی از بلا یارا فرمود: این امر از جانب خداوند شدنی است وقت نشاط و شادمانی است، شادمانی آن امریست از جانب خداوند سبحان پس ای پسر بهترین کنیزان چه زمان است انتظار کشیدن تو، مژده باد بیاری نزدیک از پروردگار رحیم، پس پدر و مادرم فدای آن عده قلیل و کمی که نام ایشان در روی زمین مجهول است و تحقیقاً ظهورشان در این هنگام نزدیک «یا عجباً کل العجب بین الجمادی و الرجب

مِنْ جَمْعِ اشْتَاتٍ وَ حَصَدِ نَبَاتٍ وَ هُوَ اصْوَاتٌ بَعْدَ» و سپس فرمودند گذشته از قضا و گذشته است، مردی از اهل بصره رو کرد به مردی از اهل کوفه که در پهلوی او بود گفت شهادت می‌دهم که او دروغ گو است، کوفی گفت به خدا قسم هنوز آنحضرت از منبر پائین نیامده بود مرد بصری فلج شد و در شب آن روز مُرد و اگر بخواهم طلب و جستجو کنم اخبار عینی آنحضرت را که همه راست و صادقند به عین مشاهده کردیم صدق آنها را به دفاتر بسیاری می‌رسد.

همانطوریکه از محتوی کلام حضرت متوجه می‌شویم، حضرت اخبار عینی می‌فرمایند، و در ضمن آن اشاره به ظهور امام زمان می‌کنند و می‌فرمایند او فرزند خیره الاماء است یعنی فرزند بهترین کنیزان عالم است.

همانطوریکه در کتب شیعه و سنی آمده است، مادر امام زمان علیه السلام «ملیکه» یا «ملیکا» دختر پسر قیصر روم بوده است و مادرش از فرزندان حواریون حضرت مسیح بوده است و از نظر نسبت به حضرت عیسی (ع) می‌رسیده، قیصر روم لشکری را به جنگ با مسلمانان می‌فرستد و او با برنامه قبلی خود را داخل اسراء می‌زند و بدین وسیله به امام حسن عسگری علیه السلام می‌رسد، لذا به ایشان «سیده الاماء» و یا «خیره الاماء» یا خانم کنیزها و یا بهترین کنیزها گفته می‌شود.

۲- در ینابیع الموده نوشته خواجه کلان قندوزی حنفی صفحه ۴۹۱ آمده

است:

«قال سیدی جعفر بن محمد الخلف الصالح من ولدی و هو المهدی اسمہ محمد و کنیتہ ابولقاسم یخرج فی آخر الزمان یقال لأمه نرجس و علی رأسه غمامه تظله عن الشمس تدور معه حیث مدار تنادی بصورت فصیح هذا المهدی فاتبعوه

سلام الله علیه «

امام صادق (ع) فرمودند: خلف صالح از فرزندان من و او آن مهدی است نامش محمد و کنیه اش ابولقاسم در آخر الزمان قیام می کند گفته می شود به مادرش نرجس و بر سر او ابری باشد سایه افکند از خورشید هر کجا که باشد آن ابر با او برود به صدای فصیح مذاکره شود که این مهدی است از او تبعیت کنید.



اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِن لَّمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ  
 نَبِيَّكَ اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِن لَّمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ  
 أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِن لَّمْ تُعَرِّفْنِي  
 حُجَّتَكَ ظَلَلْتُ عَنْ دِينِي اللَّهُمَّ لَا تُمِثْنِي مِثَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ وَلَا تُرِغْ  
 قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي



## قسمت هجدهم

## مهدی موعود (عج) دارای دو غیبت است «غیبت صغری و غیبت کبری»

رسول خدا ﷺ در ضمن صحبت درباره مهدی (عج) می فرمودند که مهدی دارای دو غیبت است:

الف) غیبت صغری ب) غیبت کبری و یا غیبت کوچک و غیبت بزرگ و مطابق آنچه که در کتب تاریخ آمده است، موعود کل ادیان حجة بن الحسن عسگری (عج) در سال ۲۵۵ (ه.ق) در شب جمعه پانزدهم شعبان چشم به جهان گشودند و غیبت صغری ایشان از سال ۲۶۰ (ه.ق) تا سال ۳۲۹ (ه.ق) طول می کشد و در این مدت ایشان چهار نایب خاص داشتند که رابطه بین امام و مردم بودند و آنها عبارت بودند از:

- ۱- عثمان بن سعید عمروی
- ۲- محمد بن عثمان بن سعید عمروی
- ۳- حسین بن روح نوبختی
- ۴- علی بن محمد السیمری

که نایب چهارم در سال ۳۲۹ (ه.ق) از دنیا می رود و توقیعی از طرف امام زمان (عج) به ایشان می رسد که دیگر برای خود جانشین تعیین نکن و غیبت صغری تمام شده است و غیبت کبری فرارسیده است لذا غیبت کبری یا غیبت بزرگ که رسول خدا ﷺ فرموده بودند از سال ۳۲۹ (ه.ق) شروع می شود و هنوز ادامه دارد، در این زمینه احادیثی از کتب اهل سنت می آوریم:

۱- البرهان فی علامات مهدی آخرالزمان نوشته علاءالدین علی بن الحسام الدین مشهور به متقی هندی در باب ۱۲ این کتاب آورده است:

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ (ع) قَالَ: لَصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ يَعْنِي الْمَهْدِيَّ غَيْبَتَانِ أَحَدِيهِمَا تَطُولُ حَتَّى يَقُولَ بَعْضُهُمْ مَاتَ وَ



بَعْضُهُمْ ذَهَبٌ وَ لَا يَطَّلِعُ عَلَى مَوْضِعَةٍ أَحَدٍ مِنْ وَلِيٍّ وَ لَا غَيْرِهِ إِلَّا  
الْمَوْلَى الَّذِي يَلِي أَمْرَهُ»

یعنی برای صاحب این امر (یا صاحب الامر یا صاحب الزمان) یعنی مهدی دو غیبت است یکی از آن غیبت‌ها از دیگری طولانی‌تر است (و آنقدر طول می‌کشد) که بعضی می‌گویند دیگر مهدی مرده است و بعضی می‌گویند آمده و رفته و فقط از مکان او دوستانش و کسانی که کارهای او را انجام می‌دهند (یعنی خدمتگزاران به آن حضرت) اطلاع دارند دیگر کسی نمیداند که او کجا است.

۲- کتاب فرائد السمطين نوشته حافظ شيخ الاسلام حموي شافعي صفحه ۴۴۸ و کتاب اليقين (حافظ محمد بن احمد النطنزي) و ينابيع الموده نوشته خواجه كلان قندوزي حنفي صفحه ۴۹۴ و کتاب مناقب نوشته موفق بن احمد خوارزمي چنین آمده است:

«عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِنَّ عَلِيًّا إِمَامٌ أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي وَ مِنْ وَلَدِهِ الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ الَّذِي إِذَا ظَهَرَ يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلَأَتْ جُورًا وَ ظُلْمًا وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا إِنَّ الثَّابِتِينَ عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ فِي زَمَانِ غَيْبَتِهِ لَا عَزَمَ مِنَ الْكِبْرِيَةِ الْأَحْمَرِ فَقَامَ إِلَيْهِ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيُّ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ لَوْلَا ذَلِكَ الْقَائِمُ غَيِّبَتْ أَيْ وَ رَبِّي لِيَمْحَسَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ يَمْحَقَ الْكَافِرِينَ يَا جَابِرُ إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ وَ سَرْمَنَ سِرِّ اللَّهِ مَطْوِيٍّ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ قَائِمًا وَ الشُّكَّ فِيهِ فَإِنَّ الشُّكَّ فِي أَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ كُفْرٌ»

ابن عباس از رسول خدا (ص) نقل می‌کند که رسول خدا فرمودند: بدانید علی امام امت من است بعد از من و از فرزندان اوست قائم منتظر همان کسی که آشکار شود پر کند زمین را از عدل و داد چنانکه پر شده باشد از جور و ستم،

قسم به آنکه مرا به حق بشیر و نذیر برانگیخت، کسانی که پابرجا باشند بر گفتار خود درباره امام زمانشان (و اعتقادشان به امام زمانشان محکم باشد) در زمان غیبت او (آنها ارزش زیادی دارند) و گرانبهار از کبریت احمر هستند. جابر بن عبدالله انصاری به پاخاست و گفت: ای رسول خدا (ص) آیا برای فرزند قائم شما غیبتی است؟

حضرت فرمودند: آری قسم به خداوند (که در این غیبت خداوند) خالص و پاک کند آنهایی را که ایمان آورده‌اند و نابود کند کفار را، ای جابر قطعاً این امر از او امر خداوند است و سری از اسرار الهی می‌باشد که از (بیشتر) بندگان خدا پنهان است، ای جابر مبادا در آن شک کنی چون شک (در وجود امام زمان) شک در امر خداوند است و شک کنند کافر است.

۳- در کتاب ینابیع الموده نوشته خواجه کلان قندوزی حنفی صفحه ۴۲۷

آمده است:

«فی قوله تعالی «و جعلها کلمة باقیة فی عقبه لعلهم يرجعون»<sup>(۱)</sup>... عن علی بن ابیطالب (ع) قال: فینا نزلت هذه الآية و جعل الله الامامة فی عقب الحسين الی يوم القیامة و ان للقاء مناغیبین أطول من الاخری فلا یثبت علی امامته الا من قوی یقینه و صحت معرفته»

یعنی علی بن ابیطالب (ع) فرمودند آیه «و جعلها کلمة باقیة فی عقبه لعلهم يرجعون» درباره ما نازل شده است خداوند سبحان امامت ما را تا روز قیامت در اولاد حسین (ع) قرار داده است و همانا برای قائم مادو غیبت است یکی از آنها طولانی‌تر از دیگری است (یعنی یک غیبت صغری و دیگری غیبت کبری

است) برای همین است که در غیبت طولانی باقی نمی ماند بر اعتقاد به امامت او مگر کسیکه به او یقین داشته باشد و به او آشنائی و معرفت کامل داشته باشد.



عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص):



انَّ عَلِيًّا اِمَامٌ اُمَّتِي مِنْ بَعْدِي وَمِنْ وَلَدِهِ الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ الَّذِي اِذَا ظَهَرَ يَمْلَأُ الْاَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كُنِيَ مَلْتًا جَوْرًا وَظُلْمًا وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا اِنَّ الثَّابِتِينَ عَلَيَّ الْقَوْلِ بِاِمَامَتِهِ فِي زَمَانِ غَيْبَتِهِ لَا عَزْمَ مِنَ الْكِبْرِيتِ الْاَحْمَرِ فَقَامَ اِلَيْهِ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْاَنْصَارِيُّ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ لَوْلَا اَنَّكَ الْقَائِمُ غَيْبَةً قَالَ اَيُّ وَرَبِّي لِيَمْحُصَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَيَمْحَقَ الْكٰفِرِيْنَ يَا جَابِرُ اِنَّ هٰذَا الْاَمْرَ مِنْ اَمْرَاللّٰهِ وَسِرِّمِنْ سِرِّاللّٰهِ مَطْوِيٌّ مِنْ عِبَادِاللّٰهِ فَاِيَّاكَ وَالشُّكَّ فِيْهِ فَاِنَّ الشُّكَّ فِيْ اَمْرِاللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ كُفْرٌ

ابن عباس از رسول خدا (ص) نقل می کند که رسول خدا فرمودند: بدانید علی امام امت من است بعد از من و از فرزندان اوست قائم منتظر همان کسیکه آشکار شود بر کند زمین را از عدل و داد پنهان که پر شده باشد از جور و ستم، قسم به آنکه مرا به حق بشیر و نذیر برانگیزد، کسیکه پابرجا باشند بر گفتار خود درباره امام زمانشان (و اعتقادشان به امام زمانشان ممکن باشد) در زمان غیبت او (آنها ارزش زیادی دارند) و گرانبهار از کبریت احمر هستند. جابر بن عبدالله انصاری به پافاست و گفت: ای رسول خدا (ص) آیا برای فرزند قائم شما غیبتی است؟ حضرت فرمودند: آری قسم به خداوند (که در این غیبت خداوند) فالص و پای کند آنهایی را که ایمان آورده اند و نابود کند کفار را، ای جابر قطعاً این امر از او امر خداوند است و سری از اسرار الهی می باشد که از (بیشتر) بندگان خدا پنهان است، ای جابر مبدا در آن شک کنی چون شک (در وجود امام) شک در امر خداوند است و شک

کنند کافر است.



## قسمت نوزدهم

کسانیکه در غیبت صغری  
امام زمان (عج) را دیده‌اند

یکی از دلائل عقلی و منطقی بر وجود صاحب الزمان (عج) این است که عده‌ای می‌گویند مامهدی را هنگام تولد و بعد از تولد مشاهده و ملاقات کرده‌ایم و حضرت عسگری علیه السلام نیز آن وجود اقدس را به عده‌ای خاص در آن محیط پر از فشار حکام جابر بنی العباس نشان داده‌اند و حجت را بر آنها تمام کرده‌اند و فرمودند امام و خلیفه بعد از من ایشان است مثلاً:

۱- دیدار حکیمه دختر امام محمد تقی علیه السلام

در ینابیع الموده صفحه ۴۴۹ به نقل از غیبت شیخ محمد بن علی بن الحسین می‌گوید:

حکیمه دختر امام محمد تقی علیه السلام می‌گوید: ابو محمد حسن العسگری فرستاد به سوی من و طلبید مرا و می‌فرمودند: ای عمه امشب افطار نزد ما باش آنشب هم پانزدهم شعبان بود خدای سبحان امشب حجت خود را ظاهر می‌سازد در زمین «فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يُظْهِرُ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ حُجَّةَ فِي أَرْضِهِ» و حکیمه می‌گوید: من شب را در آنجا مانده و خوابیدم وقت سحر بیدار شدم و دوسوره الم سجده و یس را خواندم، آنگاه برای نرجس حالت اضطرابی پیدا شد و ناگاه دیدم مولودی در سجده است، ابو محمد مرا صدا زد ای عمه بیاور طفل مرا نزد من، من او را نزد آنحضرت بردم... بعد فرمود سخن بگو پسرم نوزاد جواب داد: اشهدان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهدان محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و صلوات فرستاد بر امیرالمؤمنین و بر امامان دیگر تا رسید به پدرش.

## ۲- دیدار نسیم «خادم» و «ماریه» خادمه امام عسگری علیه السلام

در ینابیع الموده صفحه ۴۵۱ باب ۷۹ آمده است:

«وَعَنْ نَسِيمٍ وَ مَارِيَةَ الْخَادِمَانِ قَالَا سَقَطَ صَاحِبُ الزَّمَانِ مِنْ بَطْنِ أُمِّهِ جَائِئاً عَلَى رِجْلَيْهِ رَافِعاً سَبَابَتِيهِ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ عَطَسَ فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ قَالَتِ نَسِيمٌ عَطَسْتُ عِنْدَ صَاحِبِ الزَّمَانِ بَعْدَ مَوْلَاهُ بِلَيْلَةٍ فَقَالَ يَرْحَمُكَ اللَّهُ وَ قَالَ الْعَطَاسُ أَمَانَ مِنَ الْمَوْتِ إِلَى ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ»

نسیم خادم و ماریه خادمه می گویند: زمانی که امام زمان (عج) متولد شد عطسه کرده و فرمودند الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله. نسیم می گوید: پس از تولد آنحضرت یک شب من عطسه کردم نزد آن طفل ایشان فرمودند: یرحمک الله عطسه ایمنی از مرگ است تا سه روز.

## ۳- دیدار ابی غانم خادم

در کتاب ینابیع الموده باب ۸۲ صفحه ۴۶۰ آمده است:

در کتاب غیبت از ابی غانم خادم گوید: متولد شده پسری برای ابی محمد حسن، که نام آن پسر را «محمد» گذاردند، و بعد از روز سوم آنحضرت آن پسر را عرضه داشت بر اصحاب و یاران و نزدیکان خود و او را به آنها نشان داد و بعد فرمودند:

«هَذَا إِمَامُكُمْ مِنْ بَعْدِي وَ خَلِيفَتِي عَلَيْكُمْ وَ هُوَ الْقَائِمُ الَّذِي تَمْتَدُّ عَلَيْهِ الْأَعْنَاقُ بِالْإِنْتِظَارِ فَإِذَا أَمْتَلَأَتِ الْأَرْضُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا خَرَجَ فَلَاهَا قِسْطًا وَ عَدْلًا»

یعنی این امام و پیشوا و خلیفه بر شما بعد از من است و اوست همان قائمی که مردم انتظار او را می کشند، هنگامیکه زمین پر شده است از جور و ستم و ظلم و او ظاهر می شود و پر می نماید زمین را از عدل و داد.

#### ۴- دیدار جعفر بن مالک و معاویه بن حکیم و محمد بن ایوب و محمد بن عثمان

باز در ینابیع الموده باب ۸۲ صفحه ۴۶۰ آمده است:

که در کتاب غیبت آمده است که جعفر بن مالک و معاویه بن حکیم و محمد بن ایوب و محمد بن عثمان می‌گویند که ابامحمد حسن عسگری پسرش را به ما عرضه داشت و ما چهل نفر بودیم در منزل ایشان آنحضرت فرمودند:

«هذا امامکم من بعدی و خلیفتی علیکم اطیعوه و لا تفرقوا من بعدی فتهلکو فی ادیانکم»

این آقا امام شما و جانشین و خلیفه بعد از من بر شما است اطاعت امر او را کنید و متفرق نشوید بعد از من، که اگر متفرق شوید در دینها هلاک خواهید شد.

#### ۵- دیدار عمر اهوازی

در ینابیع الموده باب ۸۲ صفحه ۴۶۱ آمده است:

از عمر اهوازی گوید نشان داد به ما ابامحمد حسن عسگری پسرش را رضی الله عنهما و فرمودند: «قال هذا امامکم من بعدی» این است امام شما و رهبر شما و پیشوای شما بعد از من.

#### ۶- دیدار خادم فارسی

در ینابیع الموده باب ۸۲ صفحه ۴۶۱ آمده است:

خادم فارسی می‌گوید من به درخانه ایستاده بودم، کنیزی از آن خانه بیرون آمد، و او کودکی در بغل داشت که پیچیده بود، ابامحمد (حسن بن علی العسگری) به آن کنیز فرمودند: آنچه در بر داری ظاهر ساز، کنیز پوشش را برداشت ناگاه پسری بسیار زیبا و نیکو صورت نمایان شد و من دیدیم و حضرت عسگری فرمودند:

«هذا امامکم من بعدی»

این امام شماعبداز من است .

### ۷- دیدار محمد بن اسماعیل موسی کاظم

در ینابیع الموده باب ۸۲ صفحه ۴۶۱ آمده است :

محمد بن اسماعیل بن موسی کاظم رضی الله عنهم که از بزرگترین فرزندان کاظم است گوید: من دیدم پسر ابی محمد حسن عسگری را در حالیکه او کودکی بود .

### ۸- دیدار علی بن مطهر

در ینابیع الموده باب ۸۲ صفحه ۴۶۱ آمده است :

علی بن مطهر می گوید: من دیدم پسر ابی محمد (حسن العسگری) را برای او نزلت سبزیی بود .

### ۹- دیدار کامل بن ابراهیم مدنی

در ینابیع الموده باب ۸۲ صفحه ۴۶۱ آمده است :

کامل بن ابراهیم مدنی می گوید: وارد شدم بر ابی محمد حسن بر خانه اش پرده ای آویخته بود باد آمد و گوشه پرده را بالا زد، ناگاه پسری دیدم که چون ماه شب چهاردهم بود ابو محمد فرمودند: «هذا الحجة من بعدی» این حجت بعد از من است .

### ۱۰- دیدار ابراهیم بن ادريس

در ینابیع الموده باب ۸۲ صفحه ۴۶۱ آمده است :

ابراهیم بن ادريس می گوید: دیدم مهدی را بعد از فوت ابو محمد رضی الله عنهما پسری بود نزدیک به سن احتلام من سرو دست مبارک او را بوسیدم .

### ۱۱- دیدار یعقوب بن منفوس

در ینابیع الموده باب ۸۲ صفحه ۴۶۱ آمده است :

يعقوب بن منافوس می گوید: وارد خانه ابامحمد حسن عسگری شدم بر در اطاق پرده‌ای بود عرض کردم ای آقای من بعد از شما صاحب امر چه کسی می باشد حضرت فرمودند: پرده را کنار بزن، من پرده را کنار زدم دیدم پسری بیرون آمد و بر ران ابو محمد نشست حضرت به من فرمودند: «هذا امامکم من بعدی» این است امام شما بعد از من، آنگاه فرمودند: پسرم برو داخل اطاق، من نگاه می کردم او داخل اطاق شد بعد به من فرمود، ای یعقوب نگاه کن داخل اطاق وارد شدم کسی را دیگر ندیدم.

### ۱۲- دیدار محمد بن صالح بن علی بن محمد بن قنبر کبیر

در ینابیع الموده باب ۸۲ صفحه ۴۶۱ آمده است:

محمد بن صالح بن علی بن محمد بن قنبر کبیر می گوید: جعفر عموی (صاحب الزمان «ع») معترض مال ایشان شده بود، من دیدم که آنحضرت بیرون آمد (یعنی ظاهر شد) و فرمودند: «وقال یا عم مالک تتعرض فی حقوقی» ای عمو چرا متعرض حقوق من شده‌ای، جعفر (کذاب) متحیر و حیران شده بود، و آنگاه حضرت نمایان شد و باز زمانیکه مادر امام حسن عسگری جدۀ امام زمان (ع) از دنیا رفته بود وصیت کرده بود که او را در خانۀ خودش دفن کنند و باز جعفر کذاب متعرض شده و ممانعت می کرد و می گفت این خانه متعلق به من است، باز در این هنگام صاحب الزمان بیرون آمد (و ظاهر شد) و فرمودند: «فقال یا عم مادارک ثم غاب» یعنی ای عمو خانه مال تو نیست و آنگاه غایب شد.

### ۱۳- دیدار ابی الادیان

در ینابیع الموده نوشته شیخ سلیمان بن ابراهیم حنفی باب ۸۲ صفحه ۴۶۱ و ۴۶۲ آمده است:

ابی الادیان می گوید: من خادم ابامحمد حسن بن علی العسگری علیه السلام بودم و



نامه‌های ایشان را به شهرهای مختلف می‌بردم، آن حضرت نامه‌هایی نوشتند و فرمودند: اینهارا به مدائن ببر، و بدان تو پس از پانزده روز برمی‌گرددی به سامره و در منزل من صدای گریه و شیون اهل بیتم بلند است و تو مرا در محل شستن می‌یابی عرض کردم یا سیدی: «مَنْ هُوَ قَائِمٌ بَعْدَكَ» بعد از شما قائم چه کسی است؟ حضرت فرمودند: «مَنْ طَالِبُكَ بِجَوَابَاتِ اَكْتَبِي فَهَوِ الْقَائِمُ مِنْ بَعْدِي» آنکس که تو را به سوی خود بخواند و جواب نوشته‌ها را بدهد او بعد از من قائم است.

گفتم: ای آقای من توضیح بیشتری بفرمائید، حضرت فرمودند: «فَقَالَ مَنْ يُصَلِّي عَلَيَّ فَهَوِ الْقَائِمُ مِنْ بَعْدِي» یعنی هرکس نماز بر من بخواند او قائم بعد از من است، عرض کردم مولای من بیشتر توضیح بفرمائید، حضرت فرمودند: «مَنْ اخبر ما في الهميان فهو القائم من بعدى ثم منعتني هيبته عن السؤال» هرکس خبر دهد از آنچه در همیان است او قائم است بعد از من، آنگاه هیبت آقائی امام عسگری مانع شد از پرسش که دیگر من سؤال کنم باز هم بیشتر توضیح دهید، من به مدائن رفتم، و نامه‌ها را رسانیدم و جواب آنها را روز پانزدهم به سامره آوردم، و شنیدم صدای ناله و زاری از منزل مولایم، و آنحضرت را در محل شستشو و کفن کردن دیدم، (جنازه را آماده کردند برای نماز جعفر کذاب جلو ایستاد نماز بخواند امام زمان) ظاهر شد ردای جعفر را کشید و فرمود:

«يا عم تأخر و أنا احق بالصلوة على ابي فتقدم الصبي  
فصلى عليه ثم قال يا اباالاديان هات جوابات الكتب التي  
كانت معك فدفعتها إليه فقلت في نفسي هذه اثنتان بقى  
الهميان قال فبيننا نحن جلوس اذ قدم نفر من قم وقالوا ان معنا  
كتباً و مالا فسئلنا جعفر عن اصحاب الكتب و كم المال قال لا

أَعْلَمَ الْغَيْبِ فَخَرَجَ الْخَادِمُ وَ قَالَ إِنَّ صَاحِبَ الزَّمَانِ وَجَّهِي  
إِلَيْكُمْ إِنَّ أَرْبَابَ الْكُتُبِ فُلَانٌ وَ فُلَانٌ وَ مَا فِي الْهَمِيَانِ أَلْفَ دِينَارٍ  
وَ عَشْرَةَ دِينَارٍ يَطْلُبُهُ فَدَفَعُوا إِلَيْهِ الْكُتُبَ وَ الْمَالَ «

ای عمو کنار برو من سزاوارتر هستم که بر جنازه پدرم نماز بخوانم تا تو، سپس پیش رفت و بر جنازه امام عسگری نماز خواند آنگاه فرمودند ای ابوالادیان جواب نامه‌ها را بیاور، من جوابها را به ایشان دادم، پیش خود گفتم این دو نشان اما نشانهٔ سوم که همیان باشد باقی است، اما یکبارہ عده‌ای از مردم قم وارد شدند و گفتند نامه‌ها و اموالی با ما است، از جعفر سؤال کردیم نام صاحبان نامه‌ها چیست؟ این اموال چه تعداد است؟ جعفر گفت من علم غیب ندارم، خادم بیرون آمد و گفت حضرت صاحب الزمان مرا به سوی شما فرستاده است و فرمودند نامه‌ها متعلق به فلان و فلان و فلان هستند و آنچه در همیان است یکهزار دینار است، به من بدهید ما هم به او دادیم (همه مالها و نامه‌ها را).



يَا بْنَ الْحَسَنِ رُوحِي فِدَاكَ مَتَى تَرَانَا وَ نَرَاكَ

امام زمان، جانم فدای شما، چه زمانی است شما ما را،  
و ما شما را ببینیم



## قسمت بیستم

کسانیکه در غیبت کبری امام زمان (عج)  
را دیده‌اند

یکی از دلائل واضح و آشکار و عقلی و منطقی بر وجود داشتن یک فرد این است که مردم او را ببینند و از دیدن او خبر دهند، ما قبلاً گفتیم بسیار از کتب اهل سنت به تولد امام زمان (عج) خبر داده‌اند، و باز در کتابهای زیادی از اهل سنت موجود است که در آن ذکر کرده‌اند که عده زیادی اما زمان (عج) را دیده‌اند که ما در اینجا به چند مورد از شرفیابیهای خدمت امام زمان (عج) در اهل سنت اشاره می‌کنم:

در ینابیع الموده نوشته خواجه کلان قندوزی حنفی صفحه ۴۶۳ باب ۸۲ می‌گوید:

«فی بیان من رأی صاحب الزمان المهدی علیه السلام بعد

غیبت الکبری»

یعنی ذکر کسانیکه صاحب الزمان علیه السلام مهدی را بعد از غیبت کبری دیده‌اند البته کلمه «بعد غیبت الکبری» غلط است و صحیح آن «در غیبت الکبری» است و ما در اینجا به آنها اشاره می‌کنیم:

## ۱- دیدار ابی عبدالله بن صالح

در کتاب ینابیع الموده باب ۸۲ صفحه ۴۶۳ آمده است:

در کتاب غیبت از ابی عبدالله بن صالح می‌گوید: من دیدم مهدی را روبروی حجرالاسود «رأیت المهدی علیه السلام عند الحجر الاسود» و جمعیت زیادی برای انجام حج آمده بودند و آنحضرت به آنها می‌فرمودند: اینگونه نگفته‌اند طواف کنید (و حضرت مردم را راهنمایی می‌کردند که چگونه طواف کنند).

## ۲ - شرفیابی غانم هندی

در ینابیع الموده باب ۸۲ صفحه ۴۶۳ آمده است :

غانم هندی می گوید: من به بغداد آمدم و در جستجوی مهدی (عج) بودم (یعنی همه جا به دنبال مهدی موعود می گشتم) و سرانجام به سر پل بغداد راه می رفتم و در این اندیشه بودم که گمشده خود را کجاییم، و مقصود من کجاست «این اجده» کجا اورا پیدا کنم و متفکر بودم که مردی آمد و گفت: «اجب مولاک» دعوت مولا و آقای خود را اجابت کن، سپس او مرا از راههایی عبور داد تا به باغی رسیدیم که خانه‌ای در آن وجود داشت، «فإذاً مولای قاعد الی قال یا غانم اهلاً و سهلاً فکلّمنی بالهنديه و سلم علی» من با او به درون خانه رفتیم دیدم آقایم نشسته است، چون نظر مبارکش به من افتاد، به من سلام کردند، و به زبان هندی با من سخن می گفتند، ایشان مرا به اسم صدا زدند و فرمودند: غانم قصد داری امسال با عده‌ای از مردم قم به حج بروی، اما امسال تو مرو و به خراسان برگرد، آنگاه سال آینده به حج برو، و بعد کیسه‌ای پول به من عنایت فرمودند، بعد فرمودند: این را صرف مخارج خویش کن و آنچه دیدی به کسی مگوی .

در این داستان چند نکته نهفته است :

اولاً: مامعتقدیم هرکس می خواهد امام زمان (عج) را ببیند باید در جستجوی این بزرگوار باشد و هرکس او را جستجو کند او را خواهد دید همانطوری که غانم هندی آنحضرت را پس از جستجو دیدند .

ثانیاً: غانم می گوید ایشان را در خانه‌ای دیدم که در درون باغی بود، این قضیه و قضایای دیگر همه ثابت می کند که امام زمان (عج) مانند بقیه امامان دارای خانه و زندگیست .

ثالثاً: حضرت تا غانم هندی را می بیند به هندی صحبت می فرمایند:

مامعتقدیم که امام می‌تواند به همه زبانها سخن بگوید.

رابعاً: به غانم هندی می‌فرمایند امسال به حج مرو، در اینجا این قضیه کامل بیان نشده است، شاید برای غانم هندی خطری در پیش بوده است و آن حضرت آن خطر را هم بازگو کرده باشد.

خامساً: حضرت کیسه‌ای پول که خرج یکساله او است به غانم هندی می‌دهند، که خود دلیل است که امام علیه السلام در فکر مسائل مادی شیعیان خویش می‌باشند.

### ۳ - شرفیابی محمد بن شاذان کابلی

در کتاب ینابیع الموده باب ۸۲ صفحه ۴۶۳ آمده است:

محمد بن شاذان کابلی می‌گوید: در جستجوی حضرت مهدی (عج) بودم مدتی در مدینه اقامت نمودم من به هر کس می‌گفتم که من در جستجوی مهدی موعود (عج) هستم و می‌خواهم ایشان را ببینم مرا مسخره می‌کردند، و به من می‌گفتند به دنبال زندگی برو، تا به پیرمردی از بنی هاشم به نام «یحیی بن محمد عریضی» برخوردم که ایشان از «صریا» بودند و صریا نام محلی است، ایشان به من گفت: اگر می‌خواهی مهدی موعود (عج) را ببینی به صریا برو من به صریا رفتم به دهلیزی رسیدم که آنجا را آب و جاروب کرده بودند، سپس به مغازه و دکانی برخورد کردم، غلام سیاهی از آن دکان بیرون آمد و به من گفت: برخیز و از اینجا برو، گفتم می‌خواهم اینجا بمانم، غلام به درون خانه رفت و برگشت و به من گفت: بیا داخل خانه، من به داخل خانه شدم دیدم «فَدَخَلْتُ قَاعاً مَوْلَايَ قَاعِدَ بَوَسَطِ الدَّارِ» دیدم مولایم در وسط خانه نشسته‌اند، و چون آنحضرت مرا دیدند «و سَمَانِي بِاسْمِ لَمْ يَعْرِفَهُ أَحَدٌ إِلَّا أَهْلًا» حضرت مرا به اسمی خواندند و صدا زدند که این اسم مرا هیچکس به جز اهل خانه من در کابل نمی‌دانستند، آنگاه خدمت حضرت رفتم «و أَخْبَرَنِي بِأَشْيَاءَ ثُمَّ

انصرفت عنه» آنحضرت چیزهایی به من فرمودند، آنگاه برگشتم و سال بعد که به آن نقطه رفتم دیگر نتوانستم ایشان را بیابم.

اولاً: خواجه کلان خود قندوزی است و قندوز هم اکنون در خاک افغانستان است این دو داستانهایی که بیان می‌کند یکی متعلق به هند است و دیگر متعلق به کابل.

ثانیاً: محمد بن شاذان کابلی نیز مانند غانم هندی در جستجوی حضرت حجت بوده است.

ثالثاً: محمد بن شاذان کابلی می‌گوید: «اخبرلی باشیاء» به من خبرهایی دادند و شاید این خبرها از اسرار بوده است و محمد بن شاذان نخواست است اسرار را فاش کند.

#### ۴ - شرفیابی محمد بن عثمان عمری

باز خواجه کلان قندوزی حنفی در ینابیع الموده صفحه ۴۶۳ باب ۸۲ می‌گوید:

عبدالله بن جعفر حمیری می‌گوید: از محمد بن عثمان عمری سؤال کردم «رأيتُه صاحب الزمان» آیا تو صاحب الزمان را دیده‌ای ایشان فرمودند: آری یک سفر که به خانه خدا رفته بودم ایشان را در نزدیک کعبه دیدم «رأيتُه عند بيت الحرام» و آنحضرت می‌فرمایند: «اللهم انجزلی ما وَعَدتني» خداوند! به اجابت برسان آنچه به من وعده فرمودی و دیدم ایشان را در حالیکه پرده خانه خدا را گرفته است و با خدای خویش دعا و مناجات می‌فرمودند.

#### ۵ - شرفیابی ابی نصر

باز خواجه کلان قندوزی حنفی در ینابیع الموده صفحه ۴۶۳ آورده است:

شخصی به نام ظریف از ابی نصر نقل می‌کند، که می‌گوید ابونصر گفت:

«دَخَلت علی صاحب الزمان علیه السلام قال لی مَنْ أَنَا،

قُلْتَ أَنْتَ سَيِّدِي وَابْنُ سَيِّدِي وَ قَالَ أَنَا خَاتَمُ الْأَوْصِيَاءِ»

من خدمت مولا و آقایم صاحب الزمان علیه السلام رسیدم حضرت فرمودند: مرا می‌شناسی عرض کردم آری، حضرت فرمودند من کیستم؟ عرض کردم شما آقا و مولای من و فرزند آقا و مولای من هستی، حضرت فرمودند: آری من خاتم الاوصیاء هستم و آنگاه حضرت فرمودند:

«بِي يَدْفَعُ اللَّهُ الْبَلَاءَ عَنِ أَهْلِ الْأَرْضِ»

یعنی خداوند به وسیله من بلاها را از اهل زمین دور می‌گرداند.

البته این نکته قابل اهمیت است که اگر حجت نباشد یک قطره باران از آسمان نمی‌بارد و اگر حجت نباشد یک دانه از زمین سبز نمی‌شود، و اگر حجت نباشد حرکت کل عالم متوقف می‌شود... و اگر حجت نباشد زمین اهلیش را فرو خواهد برد.

## ۶ - شرفیابی عبدالله مسوری

در ینابیع الموده باب ۸۲ صفحه ۴۶۲ آمده است:

عبدالله مسوری می‌گوید: به باغ بنی هاشم رفتم کودکانی را دیدم که در گود آبی شنا می‌کردند و نوجوانی در روی سجاده نشسته است (شکوه و عظمت این نوجوان عبدالله مسوری را به خود جلب می‌کند) عبدالله مسوری می‌گوید: از آنها پرسیدم این نوجوان کیست آنها گفتند: «فَقُلْتُ لَهُمْ مِنْ هَذَا فَقَالُوا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ» آنها به من گفتند: این جوان محمد بن الحسن العسگری است (من به چهره او نگریستم دیدم) «وَكَانَ فِي صُورَةِ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ» دیدم او شبیه‌ترین مردم به پدرش می‌باشد (یعنی بسیار شبیه پدرش بود).

## ۷ - شرفیابی محمد بن ابی عبدالله الکوفی

محمد بن ابی عبدالله الکوفی الاسدی دربارهٔ کسانی که حضرت صاحب

الزمان را دیده‌اند و کرامات ایشان را نیز مشاهده کرده‌اند چنین می‌فرمایند:  
 که کسانی که صاحب الزمان را دیده و کرامات ایشان را مشاهده نموده‌اند، از  
 وکلای ایشان در بغداد:

الف - محمد بن عثمان العمری

ب - و فرزندان او حاجز و بلال و عطار

ج - از اهل کوفه العاصمی است .

د - و از اهواز محمد بن ابراهیم بن مهزیار

ه - و از قم احمد بن اسحاق قمی

و - و از همدان محمد بن صالح

ز - و از ری بسامی و اسدی

ح - و از آذربایجان قاسم بن العلاء

ط - و از نیشابور محمد بن شاذان النعمی

که این دوازده نفر بالا همه وکلای آنحضرت بوده‌اند و اما از غیر وکلای  
 ایشان ۵۳ مرد می‌باشند که به تفصیل نامهای آنها در کتاب غیبت ذکر شده است.

## ۸ - شرفیابی حسن بن و خبالنصیبی

حسن بن و جنالنصیبی می‌گوید ۵۴ سفر به حج رفتم، و در سفر چهارم در  
 شهر مکه در مسجد الحرام و در زیر ناودان طلا، به حال سجده بودم و با  
 تضرع و زاری از خداوند می‌خواستم امام زمان (عج) را ببینم «و أنا أطلب  
 صاحب الزمان بالتضرع و الدعاء» و دعا می‌نمودم، که ناگاه کنیزی مرا  
 حرکت داد و گفت: ای حسن برخیز، من برخاستم او به من گفت با من بیا، به  
 دنبال او حرکت کردم، تا به خانه خدیجه رضی الله عنها رسیدم، من نزدیک  
 درب خانه ایستادم امام زمان علیه السلام به من فرمودند: «یا حسن والله  
 ما من حجک الا و أنا معک فی حجک» ای حسن به خدا سوگند در تمام



حجّهائیکه تو عمل کردی من با تو بودم، اکنون برو و در خانه جعفر بن محمد باقر بمان و غصه غذا و لباس نداشته باش (من برای تو غذا و لباس می فرستم) ایشان دعائی به من آموخت و فرمودند: این دعا را بخوان و بر من صلوات فرست و به کسی مده مگر به دوستانی که سزاوار هستند.

من آمدم در آن خانه ماندم و همیشه وقت افطار آب و نانی به من می رسید و در زمستان لباس زمستانی و در تابستان لباس تابستانی برایم می رسید.

این شرفیابی را علامه بزرگوار ملا محمد باقر مجلسی در مجلد ۵۲ صفحه ۳۲ از کتاب بحار الانوار و کتاب ترجمه الزام الناصب صفحه ۲۳۸ آورده است و فرقی با ینابیع الموده این است که ابی محمد حسن بن و جنای نصیبی می گوید در سفر پنجاه و چهارمین خود به خدمت حضرت مهدی (عج) رسیدم، و می گوید در مسجد الحرام زیر ناودان طلائع نماز مغرب و عشاء می خواندم، و پس از نماز عشاء در حالت دعا و تضرع در آمدم... او می گوید من به داخل خانه خدیجه رفتم و از پله هائی بالا رفتم و از داخل اطاق صدائی شنیدم که فرمود: حسن بالا بیا، بالا رفتم، و هنوز داخل اطاق نشده بودم، حضرت صاحب الامر (عج) را دیدم، حضرت فرمودند: ای حسن گمان کردی که امر تو بر من مخفی بود، به خدا قسم هر حجی که انجام دادی من با تو بودم و تمام جریان را بیان فرمودند، من به خاک افتادم و دست و پای حضرت صاحب الزمان (عج) را بوسیدم، حضرت فرمودند: ای حسن برخیز و به مدینه برو و در خانه منسوب به امام صادق علیه السلام بمان و برای امرار معاش خود هم نگرانی نداشته باش، سپس دفتری به من عطا فرمودند که دعای فرج و صلوات آن حضرت در آن بود فرمودند: این دعا را بخوان و صلوات بر من بدین گونه بفرست و جز به افراد قابل از دوستان مابه کسی مده، خداوند عزوجل تورا توفیق عطا فرماید.

عرض کردم مولای من، آیا بعد از این شما را زیارت خواهم کرد؟ فرمودند: ای حسن، اگر خدای تعالی بخواهد، و مرا مرخص فرمود. پس از اعمال حج به سوی مدینه رفتم، در مدینه طبق امر آنحضرت در خانه جعفر بن محمد رضی الله عنه مجاور شدم و در آنجا مسکن گزیدم، و بیرون نمی رفتم از آن خانه و بر نمی گشتم مگر به سه علت: از برای تجدید وضو، از برای خوابیدن، یا از برای افطار کردن و هر زمان که به آن خانه داخل می شدم کوزه خود را پر از آب می دیدم، و بر بالای آن مقداری نان و بالای آن هر چیزی که به آن میل داشتم دیده می شد، پس آنرا می خوردم و همین مقدار برای من کافی بود، و لباس زمستانی در وقت زمستان و لباس تابستانی در وقت تابستان، و من در روز آب به خانه می بردم و در خانه می پاشیدم و کوزه را خالی می گذاشتم گاهی همسایگان برای من غذا می آوردند و چون مرا به آن حاجتی نبود برای اینکه بدگمان و متوجه عدم احتیاج من نشوند می گرفتم و آنرا پنهانی به فقراء صدقه می دادم.

به هر حال آن صلوات مخصوص هم اکنون موجود است (و آن صلوات مشهور است به صلوات ابوالحسن ضراب).

### ۹ - شرفیابی علی بن احمد کوفی

در ینابیع الموده صفحه ۴۶۴ آمده است:

علی بن احمد کوفی می گوید: من همزمان با مهدی (عج) مشغول طواف بودم (اما خودم مهدی را نمی شناختم) جوان خوش سیما و خوش بو با من مشغول سخن گفتن شد، من عرض کردم: ای آقای من شما چه کسی هستید؟ ایشان فرمودند:

«أنا المهدی و أنا صاحب الزمان و أنا قائم الذی املأ الارض عدلاً کفی ملئت جوراً»

یعنی، من مهدی هستم، من صاحب الزمان می باشم، من همان قائمی هستم که پرمی کند زمین را از عدل و داد همانطوریکه پراز ظلم و جور شده است.

«انَّ الارض لا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ وَ لا يَبْقَى النَّاسُ فِي فِتْرَةٍ فَسْهَذَه

امامة لا تحدث بِها الا اخوانِك مِنْ اهل الحق»

همانا زمین هرگز از حجت خالی نخواهد ماند، و هرگز مردم در فترت امام باقی نخواهند ماند، و این است امامت، و حدیث مکن به آن (به این نام و نشان) مگر برای برادران حقیقی خودت، آنگاه آنحضرت سنگ ریزه‌ای به سوی من انداخت که بصورت شمش طلا شد، بعضی گویند آنحضرت ظاهر می شود در هر سالی یکروز برای خاصان خود و برای آنها صحبت می کند.

#### ۱۰ - شرفیابی راشد همدانی

راشد همدانی می گوید: به حج رفتم، پس از اعمال حج و در بازگشت راه را کم کردم (ایشان آنگاه به امام زمان (عج) متوسل می شود) و می گوید: ناگاه خود را در زمینی سبز و خرم دیدم، خاک آن سرزمین پاکترین خاکها بود، در وسط آن قصری مشاهده نمودم، خودم را به آن نزدیک کردم، دیدم دو پیشخدمت ایستاده اند، آن ها به من گفتند: اینجا بنشین که خداوند به تو خیری روزی نموده است، و من نشستم یکی از آن دو خادم رفت و برگشت و به من گفت: بیا بامن به درون قصر برویم، من با او رفتم، دیدم جوانی نشسته و شمشیر دراز بالای سرش آویخته شده است، سلام کردم (آن سید بزرگوار) پاسخ دادند، (آنحضرت) فرمودند، میدانسی من کیستم؟ گفتم: نمی دانم، آنحضرت فرمودند:

«فَقَالَ انا القائم الذی اخرج فی آخر الزمان بِهذا السیف

فاملاً الارض قسطاً و عدلاً کفی مُلئت جوراً و ظلماً»

یعنی من همان قائمی هستم که در آخر الزمان قیام خواهم کرد و با این

شمشیر زمین را پراز قسط و عدل می‌کنم همانطوریکه پراز جور و ظلم شده بود. راشد همدانی می‌گوید: من در مقابل او برو به خاک افتادم حضرت فرمودند برخیز «فقال لا تسجد غیر الله ارفع رأسک و انت راشد من بلد همدان» یعنی فرمودند به جز در مقابل خداوند در مقابل هیچکس سجده نکن و سرت را بالا نگاه دار و تو راشد همدانی هستی از شهر همدان، و مایل هستی به سوی کسانت برگردی گفتم: آری، آنگاه آنحضرت کیسه زری به من مرحمت فرمودند، و به آن خادم اشاره کرد که او را راهنمایی کن، خادم دست مرا گرفت بیرون آمدیم، چند قدمی بیشتر راه نیامده بودیم، خادم به من گفت: این اسد آباد است، من مشاهده کردم که او راست می‌گوید، به من گفت: برو ای راشد، وقتی به اطراف نگرستم دیگر او را ندیدم، و وارد اسدآباد شدم و در میان آن کیسه که حضرت عنایت فرموده بودند ۵۰ دینار بود، و تازمانیکه آن دینارها را داشتم خیر و برکت به من روی آورده بود، و داستان را برای کسان خویش نقل کردم.

## ۱۱ - شرفیابی ابراهیم بن مهزیار اهوازی

در کتاب ینابیع الموده باب ۸۲ صفحه ۴۶۶ آمده است:

ابراهیم بن مهزیار اهوازی می‌گوید: در طلب و شرفیابی صاحب‌الزمان (عج) به مدینه و مکه رفتم، (و همه جا به دنبال او می‌گشتم تا سرانجام) در اثناء طواف مردی گندمگون به من گفت: تو از کدام شهر هستی؟ گفتم: از اهواز، او گفت: آیا ابراهیم بن مهزیار را می‌شناسی؟ گفتم: من خودم هستم او با من معانقه نمود، به او گفتم آیا تو از صاحب‌الزمان خبر داری؟ او به من گفت: در پنهانی از رفقای با من بیا بسوی طائف برویم، حرکت کردیم از ریگزاری تا ریگزاری رفتیم تا رسیدیم به دشتی که مادر آنجا خیمه‌ای مشاهده کردیم، که روشنی آن ریگها را روشن کرده بود و صفحه بیابان

رانورانی نموده بود، من به سرعت خود را به خیمه رسانیدم، و اذن گرفتم، داخل خیمه شدم و حضرت صاحب الزمان را دیدم، آنحضرت به من فرمودند:

«مَرَحِبَايْكَ يَا اِبَاسْحَقَ فَقُلْتَ يَا بِي اَنْتَ وَاُمِّي مَا زِلْتَ

اَتَّقُصَّ عَن اَمْرِكَ بِلْدَاً قَبْلِدَاً حَتَّى مِّنَ اللّٰهِ عَلٰى يَمَنِ ارشَدَنِى

إِلَيْكَ»

حضرت فرمودند: ای اباسحق خوش آمدی، گفتم: ای آقای من پدر و مادرم فدای شما شود، من همواره شهر به شهر در طلب شما هستم تا آنکه سرانجام به من منت گذارد، و شخصی مرا به خدمت شما آورد، آنگاه حضرت فرمودند: ای اباسحق این مجلس نزد تو مکتوم باشد.

ابراهیم بن مهزیار می گوید: «فَكَثَّتْ عِنْدَهُ حِينًا اَقْتَبِسَ مِنْهُ مَوْضِحَاتِ الْاَعْلَامِ وَ نِيَرَاتِ الْاَحْكَامِ فَاذنَ فِى الرَّجُوعِ اِلَى الْاَهْوَاِ» چند روزی خدمت آنحضرت بودم، ایشان برای من حقایق را روشن می کردند و احکام نورانی به من می آموختند و لطافت معارف الهی را به من یاد می دادند تا آنکه اجازه فرمودند من به اهواز برگشتم و دعای خیری برای من و فرزندانم و بستگانم نمودند، من در هنگام رفتن پولی با خود داشتم که بیشتر از پنجاه هزار درهم بود، به آنحضرت تقدیم کردم و از ایشان خواهش کردم بپذیرند، و با پذیرفتن آن بر من منت گذارند، حضرت تبسمی نموده و فرمودند: این وجه را زمان مراجعت به وطن خودت مصرف کن، و از اینکه من این پول را قبول نکردم دلتنگ مباش، خداوند آنچه را که ارزانی داشته مبارک گرداند، و بهترین ثواب احسان کنندگان را برای تو بنویسد، خودت را امانت گذار نزد او که به لطف خداوند ضایع نشود (یعنی خودت را بیمه او کن).

## قسمت بیست و یکم

### طریقه استفاده از فیض خداوند در غیبت امام زمان (عج)

#### ووجوب امام در هر عصر

حکما و فلاسفه و دانشمندان اسلامی مبحثی را مطرح می‌کنند تحت عنوان «وجوب وجود اشرف اقدم» و یا «قاعده امکان اشرف» که مبحثی استدلالی و عقلانی و... می‌باشد و اصول آن بر اساس ادله بسیار محکم بنا شده است. و این بحث را اولین بار شیخ شهاب الدین سهروردی مشهور به «شیخ اشراق» مطرح کرده است و آنگاه صدرالمتألهین شیرازی معروف به ملاصدرا در شرح اصول کافی درباره آن به بحث پرداخته است، بر اساس این استدلال می‌گوید:

اولاً: از جمله مسلمات علم و عقل و فلسفه متعالیه این است که خداوند در جانب تا فاعلیت و از وجه فیاضیت در طرف لایتناهی است، یعنی فیض حق متعالی حد و عد و نهایت ندارد.

ثانیاً: باز از مسلمات است که استعداد و قابلیت و لیاقت انسان هم که از جمله ممکنات است لایتناهی است، یعنی انسانها هم در فیض گرفتن محدود نمی‌شوند.

ثالثاً: فیض خداوند یکجا و به همگی به مخلوقات نمی‌رسد زیرا اگر بگوییم فیض خداوند یکجا به مخلوقات برسد فیض خداوند را محدود کرده‌ایم، سپس برای اینکه محدودیتی در فیاضت او بوجود نیاید، باید فیض او تدریجی باشد، و چون تدریجی است به رقم در می‌آید و اول و دوم و سوم و چهارم... دارد.

رابعاً: حال که فیض خداوند تدریجی به بندگان می‌رسد و از نظر رتبه اول و دوم و سوم... دارد پس فیض اول اشرف است و اعظم، چون اول است شریفتر

است و دوم پست‌تر است و سوم پست‌تر از دوم است و چهارم پست‌تر از سوم است.

همانطوریکه هر چه هر موجودی به خورشید نزدیکتر باشد نور بیشتری می‌گیرد، هر کس به خداوند نزدیکتر باشد نیز فیض بیشتری به او می‌رسد و آنگاه از او فیض به پائینتر می‌رسد و اگر بخواهد فیض به «دنی» برسد چاره‌ای ندارد مگر اینکه اول به شریف برسد و بعد به دنی حتی در بسیاری از موارد، فیض مستقیماً نمی‌تواند به دنی برسد و دنی قدرت گرفتنش را ندارد، مثل اینکه کارخانه برق و یک لامپ که اگر مابین کارخانه برق و لامپ ترانس نباشد، لامپ نابود می‌شود، و هیچ لامپی قدرت گرفتن مستقیم الکتریسیته را ندارد.

در این مثال باید گفت انسان اشرف است او از همه موجودات بیشتر فیض می‌گیرد، آنگاه از انسان فیض به حیوان می‌رسد و از حیوان به نبات و از نبات به جماد ...

و بین انسانها نیز هر انسانی که به کمال نزدیکتر باشد اشرف است، و بالاتر می‌باشد، و وجود اقدس و مطهر و منور حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله از همه برتر و بهتر و اشرفتر است و پس از ایشان امیرالمؤمنین علیه السلام و پس از ایشان یازده نور مقدس دیگر هر کدام واسطه فیض بین خداوند و بشرند، و همیشه برای اینکه بشر بتواند فیض بگیرد باید حجتی روی کره زمین باشد، که او اشرف و اقدم باشد و هم اکنون نیز حضرت بقیه الله الاعظم (عج) اشرف و اقدم است و او حیات دارد، او انسان کامل است، او عباد الرحمن است، اگر او نباشد فیض به بشریت نمی‌رسد، فیض حیات، فیض رزق، فیض علم، فیض قدرت، فیض رحمت، فیض رأفت ... فیض سخاوت، فیض جود و کرم ... بطور کلی تمام فیوضات که جزء اسماء جمال و جلال خداوند است، از نظر رحمت و

رحمانیت و رحیمیت و انس و شفقت و محبت و رفاقت و ایمان و سلامت که اینها همه صفات کمال است که به خلق افاضه می‌گردد، باید اول به وی برسد و از مجرای او به دیگران سرازیر گردد، لذا در زیارت جامعه داریم:

«بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَخْتِمُ»

به وجود شما اهل بیت خداوند بابهای خیر و رحمتش را باز می‌کند و بوجود شما بابهای خیر و رحمتش مسدود می‌گردد، خیر از شما شروع می‌شود و به شما ختم می‌گردد، باز می‌فرمایند:

«إِنَّ ذِكْرَ الْخَيْرِ كُنْتُمْ أَوَّلَهُ وَ آخِرَهُ وَ أَصْلَهُ وَ فِرْعَهُ، وَ مَعْدَنَهُ وَ مَاوَاهُ وَ مَنْتَهَاءُ»  
یعنی خداوند اگر یادی از خیر کند و اگر ذکری از خیر بنماید ای آل محمد اولش شماستید و آخرش شماستید اصلش شماستید و فرعش شماستید، منبع و مجرایش شما هستید، خیر از شما شروع میشود به هر حال این رتبه زمانی نیست بلکه ذاتی است و فیض اول باید به انسان کامل برسد، آنگاه به دنی و باز باید انسان کامل باشد تا انسانهای دیگر باشند و انسانها دیگر باید باشند تا حیوان بتواند باشد، و حیوان باید باشد تا نبات باشد، و نبات باید باشد تا حیوان بتواند باشد، و حیوان باید باشد تا نبات باشد، و نبات باید باشد تا جماد وجود داشته باشد، لذا در اصول کافی بابی مفصل داریم تحت عنوان «الحجة قبل الخلق، والحجة مع الخلق، و الحجة بعد الخلق» که در این باره شیخ بزرگوار کلینی ۶۰ روایت آورده است، و این روایات در کتب اهل سنت نیز موجود است مثلاً:

۱- در کتاب فرائد السمطين نوشته حافظ الحموی الشافعی و کتاب ینابیع الموده نوشته حافظ سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی صفحه ۴۷۷ آمده است:

«عَنْ سَلِيمَانَ الْأَعْمَشِ بْنِ مَهْرَانَ عَنْ جَعْفَرِ الصَّادِقِ عَنْ أَبِيهِ

عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ قَالَ، نَحْنُ أئِمَّةُ



المُسْلِمِينَ وَ حَجَّجَ اللهُ عَلَى الْعَالَمِينَ وَ سَادَاتِ الْمُؤْمِنِينَ وَ قَادَةَ  
 الْعِزِّ الْمُحْجَلِينَ وَ مَوْلَى الْمُسْلِمِينَ وَ نَحْنُ أَمَانَ لِأَهْلِ الْأَرْضِ  
 كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانَ لِأَهْلِ السَّمَاءِ وَ بِنَا يَمْسُكُ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ  
 عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ بِنَا يَنْزِلُ الْغَيْثُ وَ يَنْشُرُ الرَّحْمَةَ وَ تَخْرُجُ  
 بَرَكَاتُ الْأَرْضِ، وَ لَوْ لَا مَا عَلَى الْأَرْضِ مِنَّا لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا وَ لَمْ  
 تَخْلُ مِنْذُ خَلْقِ إِلَيْهِ آدَمَ مِنْ حِجَّةِ اللَّهِ فِيهَا أَمَّا ظَاهِرٌ مَشْهُورٌ وَ  
 غَائِبٌ مَسْتُورٌ وَ لَا تَخْلُوا الْأَرْضَ إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ مِنْ حِجَّةٍ وَ  
 لَوْ لَا ذَلِكَ لَمْ يَعْبُدِ اللَّهَ

قَالَ سَلِيمَانُ فَقُلْتُ لِجَعْفَرِ الصَّادِقِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ كَيْفَ يَنْفَعُ  
 النَّاسَ بِالْحِجَّةِ الْغَائِبِ الْمَسْتُورِ؟ قَالَ: كَمَا يَنْفَعُونَ بِالشَّمْسِ إِذَا  
 سَتَرَهَا سَحَابٌ»

سليمان بن اعمش ابن مهران از جعفر صادق و او از پدر خود و او ...  
 سرانجام از جدش امام زين العابدين چنين نقل مي کنند، ما امامان مسلمانان و  
 حجتهاي خداوند بر جهانيان هستيم، آقاي مؤمنين و قائد آنها و سرپرست  
 آنها مائيم، ما ئيم امان براي اهل زمين، همانطوريكه ستارگان براي اهل  
 آسمانها امان مي باشند، و ما كساني هستيم كه آسمانها به واسطه ما فرو  
 نمي ريزد (باذن الله) خداوند بوسيله ما باران رحمتش را فرو مي ريزد، و به  
 وسيله ما زمين خيرات و بركاتش را بيرون مي ريزد، اگر ما در روي زمين  
 نبوديم و امر ما در روي زمين نبود، زمين اهل و ساكنانش را فرو مي برد، و  
 بدانيد هرگز زمين از حجت الله خالي نمي ماند، (اگر حجت الله نباشد فيض  
 خداوند قطع مي شود باران نمي بارد، زمين بركاتش را بيرون نمي دهد و  
 ستارگان از حركت مي ايستند) اگر ما نباشيم ديگر زمين امنيت ندارد، لذا  
 هميشه از زمان آدم بر روي زمين حجت بوده است (و تا قيامت هم خواهد

بود) فقط گاهی این حجت ظاهر بوده است و پیدا و گاهی غایب و مستور و ناپیدا (و تا قیامت هم چنین خواهد بود) اگر حجت نبود خداوند پرستش نمی‌شد.

سلیمان می‌گوید عرض کردم به امام جعفر صادق رضی الله عنه چگونه نفع می‌برند مردم از حجت زمانی که او غایب است؟ حضرت فرمودند: همانگونه که مردم بهره می‌برند از خورشید هنگامی که پوشیده شده و زیر ابر نهان گشته است.

۲- در کتاب مناقب خوارزمی و کتاب ینابیع الموده نوشته خواجه کلان قندوزی حنفی صفحه ۴۷۷ آمده است:

«عَنْ ثَابِتِ الثَّمَالِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ  
لَيْسَ بَيْنَ اللَّهِ وَبَيْنَ حِجَّةِ حِجَابٍ وَ لِلَّهِ دُونَ حِجَّةِ سِرِّ نَحْنُ  
أَبْوَابُ اللَّهِ وَ نَحْنُ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ، وَ نَحْنُ غَيْبَةُ عِلْمِ اللَّهِ وَ  
تَرَاجِمَةُ وَحْيِهِ وَ نَحْنُ أَبْوَابُ تَوْحِيدٍ وَ مَوْضِعُ سِرِّهِ»

علی بن حسین رضی الله عنهما فرمودند: نیست میان خداوند و میان حجتش پرده‌ای و حجابی و نیست برای خداوند غیر از حجتش سری، مائیم درهای (رحمت) خداوند و مائیم صراط مستقیم، و مائیم جاو مکان علم خداوند، و مائیم معنا کننده وحی او، و مائیم ارکان توحید او، و موضع سیر خداوند.

۲- ینابیع الموده نوشته خواجه کلان قندوزی حنفی صفحه ۴۷۷ و کتاب فرائد السمطين نوشته حافظ الشيخ محمدابراهيم الشافعي الحموي، او نقل می‌کند به سند خودش از ابابصير و او از خيثة الجعفي و او می‌گوید:

«قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ الْبَاقِرِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ نَحْنُ  
جَنْبُ اللَّهِ وَ نَحْنُ أَمْنَاءُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ نَحْنُ حِجَّةٌ وَ عَنَّا أَرْكَانُ

الایمان و نحن دعائم الاسلام و نحن رحمة الله على خلقه و بنا يفتح الله و بنا يختم و نحن الأئمة الهداة و الدعاة الى الله و نحن مصابيح الدجى و منار الهدى و نحن العلم المرفوع للحق من تمسك بنا لحق و من تأخر غسها غرق و نحن قادة الغر المحجلين و نحن الطريق الواضح و الصراط المستقيم الى الله و نحن من نعمة الله عزوجل على خلقه و نحن معدن النبوة و موضع الرسالة و مختلف الملائكة و نحن المنهاج، و نحن السراج لمن استضاء بنا و نحن السبيل لمن اقتداء بنا و نحن الأئمة الهداة الى الجنة و نحن عرى الاسلام و نحن الجسور، و القناطير من مضى عليها لحق و من تخلف عنها محق و نحن السنام الاعظم و بنا ينزل الله عزوجل الرحمة على خلقه و بنا يسقون الغيث و بنا يصرف عنكم العذاب، فمن عرفنا و نصرنا و عرف و ياخذ بأمرنا فهو منلواينا»

حضرت امام محمد باقر رضی الله عنه می فرمودند: مائیم نزدیکیان خداوند و مائیم برگزیدگان خداوند و مائیم نیکوترین خلق خداوند، و مائیم جایگاه امانات و موارد انبیاء و مائیم امانا و امینهای خداوند عزوجل و مائیم حجت و برهان و ارکان ایمان خداوند و مائیم پایه های خیمه اسلام و مائیم واسطه رحمت خداوند بر خلقش، به ما گشود و افتتاح شود امور و به ما ختم گردد، همه رحمتهای خداوند و مائیم امامان و ائمه و راهنمایان و دعوت کننده بسوی او و مائیم چراغی نورانی و محل روشنائی هدایت و مائیم پرچمها و نشانه های بلند که بوسیله ما مردم خوانده می شوند به سوی حق، آنکس که به راه آمد و به ما ملحق شد (هدایت شد) و هرکس که به راه ما نیامد و به ما ملحق نشد منحرف شد از آن نشانه ها و غرق خواهد شد، پیش آهنگ سفید

پیشانیان مائیم، و مائیم طریق واضح راه راست به سوی خداوند و مائیم یکی از نعمتهای خداوند بر مخلوقاتش، مامعدن نبوت و موضع و محل رفت و آمد فرشتگانیم، ما راه آشکار و روشن خداوندیم، ما چراغهای روشن هستیم برای کسیکه طلب روشنائی کند، ما صراط مستقیم هستیم برای کسیکه به ما اقتدا کند.

ما پیشوایان راهنما بسوی بهشت هستیم، ما تجسم واقعی و عینی اسلام هستیم، ما پلها و جسرهائی هستیم که هر کس از آن گذشت به ما ملحق شد، و آنکس که از آن تخلف کرد نابود شد، مائیم محل نورگیر بزرگ و رکن اعظم، بوسیله ما رحمت خداوند نازل می شود برای خلق و بواسطه ما سیراب می شوند از باران، عذاب بوسیله ما برمی گردد از شما، پس کسیکه ما را شناخت و یاری کرد ما را و حق ما را شناخت و از ما گرفت معارف اسلام و احکام دین را و عمل کرد به امر ما از ما است و به سوی ما است.

۴- در کتاب ینابیع الموده نوشته خواجه کلان قندوزی حنفی صفحه ۴۷۸ به نقل از مناقب آمده است:

«و فی المناقب آن جعفرالصادق رضی الله عنه، کیف قال فی خطبته ان الله اوضح بائمة الهدی من اهل بیت نبینا محمد(ص) دینه، و ابلج بهم عن باطن ینابیع علمه فمن عرف من الأمة واجب حق امامه و جد حلاوة ایمانه و علم فضل طلاوة اسلامه لأن الله و رسوله نصب الامام علماً لخلقه و حجة علی اهل عالمه و البسه تاج الوقار و غشاه نور الجبار یمده یسب من السماء لا ینقطع مواده و لا ینال ما عند الله الا بجهة اسبابه و لا یقبل الله معرفة العباد اياه الا بمعرفة الامام فهو عالم بما یرد علیه من ملتبسات الوحي و معنیات السنن و مشبهات

الْفِتْنِ فَلَمْ يَزَالِ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَخْتَارُهُمْ لِيَخْلُقَهُ مِنْ وُلْدِ  
 الْحُسَيْنِ مِنْ عَقَبِ كُلِّ أَمَامٍ وَ يَصْطَفِيَهُمْ لِذَلِكَ وَ يَجْتَبِيَهُمْ وَ  
 يَرْضَى بِهِمْ عَنْ خَلْقِهِ وَ يَرْضِيهِمْ وَ كُلُّ مَا مَضَى مِنْهُمْ أَمَامٍ  
 نَصَبَ اللَّهُ لَخَلْقِهِ مِنْ عَقَبِ الْأَمَامِ، أَمَاماً وَ عُلَمَاءَ بَيْنَا وَ مَنَاداً نِيرَا  
 أُمَّةً مِنَ اللَّهِ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَعْدِلُونَ وَ هُمْ خَيْرَةٌ مِنْ ذُرِّيَةِ آدَمَ  
 وَ نُوحٍ وَ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ صَفْوَةٌ مِنْ عَتَرَةِ مُحَمَّدٍ (ص)  
 اصْطَفِيَهُمْ اللَّهُ فِي عَالَمِ الذَّرِّ قَبْلَ خَلْقِ جِسْمِهِ عَنْ يَمِينِ عَرْشِهِ  
 مَحْبُوباً بِالْحِكْمَةِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَهُ وَ جَعَلَهُمْ اللَّهُ حَيَاتاً لِلْإِنَامِ وَ  
 دَعَائِمَ الْإِسْلَامِ»

در کتاب مناقب آمده است که جعفر صادق رضی الله عنه در خطبه خود  
 فرمودند: خدای تعالی واضح و روشن ساخت دین خود را بوسیله امامان و  
 هادیان از اهل بیت رسول خدا (ص) و روشن و نورانی ساخت بوسیله این  
 امامان باطن علم خودش را (قرآن ظاهری دارد و باطنی که باطن قرآن بوسیله  
 امامان روشن می شود) هر کس واقعیت و شخصیت واجب امام را بشناسد  
 آنگاه شیرینی ایمان را درک می کند و او فضل و برتری و بهجت و سرور  
 اسلام را می فهمد خداوند تعالی امام را شاخص و علم و راهنمای کلیه  
 مخلوقات قرار داده است و امام دلیل و حجت بر اهل زمین است، و بر همین  
 اساس تاج و قار بر امام پوشانید و بانور خود او را پوشانیده است، خداوند به  
 امام مدد می رساند بوسیله ای از آسمان که آن وسیله پاره و گسیخته  
 نمی شود، خداوند (کلیه فیوضاتش را و آنچه در نزد خود اوست به کسی  
 نمی رساند) جز به اسباب و وسیله آن (و امام وسیله و اسباب فیض خداوند بر  
 بندگان است) و خداوند شناخت و معرفت خود را قبول نمی کند مگر به  
 شناخت و معرفت امام

«و لا ینال ما عند الله الا بجهة اسبابه و لا یقبل الله معرفة العباد  
ایاه الا بمعرفة الامام»

امام عالم و دانا می باشد بر آنچه از مشتبهات وحی بر او وارد می شود، و معماهای اخبار و اشتباهات فتنه ها را می شناسد، پس خداوند متعال ائمه را برگزید بجهت خلق خود از فرزندان حسین و قرار داد در پشت سر هر امامی که اختیار می کرد، برای این امر الهی (یعنی همیشه از نسل امام حسین امامی باید باشد) و هرگاهی یکی از این امامان فوت کند خداوند امامی دیگر را بجای او نصب می کند که نشانه و دلیل آشکارا امامان و پیشوایان از طرف خدا راهنمای حقند و عدالت کننده بحق و بهترین مردم از فرزندان آدم و نوح و ابراهیم می باشند، که اینها همه از خاندان و عترت محمد (ص) می باشند و خداوند کریم اینها را در عالم «ذر اولی» پدید آورده و ایشان قبل از خلقت جسمشان در عالم ذر اولی خلق شده اند و خداوند نور آنها را در طرف راست عرض خود قرار داده است.

«محبوا بالحكمة فی علم الغیب عنده و جعلهم الله حیاتاً للانام  
و دعائم الإسلام»

خداوند اینها را در علم غیب خود فرو برد، یعنی اینها در علم غیب خداوند غرق شده اند و خداوند قرارداد اینها را «حی» و زنده برای مردم (مامیدانیم هرکس اگر روحش از تنش خارج شود می میرد امامان «حیاتاً للانام» هستند یعنی جسم امام به منزله روح خلق است یعنی اگر امام نباشد مردم نمی توانند باشند) و آنها را پایه های اسلام قرار داد.

۵- در کتاب ینابیع الموده نوشته خواجه کلان قندوزی حنفی صفحه ۴۷۹  
به نقل از مناقب خوارزمی چنین آمده است:

«و فی مناقب عن عبدالاعلی بن اعین قال: سمعتُ

جعفرالصادق رضی الله عنه يقول: قد وُلدنی رسول الله (ص) و  
 أنا أعلم کتاب الله و فيه خبر بدء الخلق و ما هو کائن الی یوم  
 القيامة و فيه خبر السماء و خبر الأرض و خبر الجنة و خبر النار  
 و خبر ما کان و ما یكون و أنا أعلم ذلك کلمة کائماً أنظر الی کفی  
 ان الله یقول :  
 (فیه تبیان کل شیء)  
 و یقول تعالی:

(ثمَّ اورثنا الکتاب الذین اصطفینا من عبادنا)

فَنحن الذین اصطفاهم الله عزوجل و نحن اورثنا هذا الکتاب  
 فیه تبیان کل شیء»

در کتاب مناقب به سند خود از عبدالاعلیٰ فرزند اعین روایت گردیده است  
 که جعفرالصادق رضی الله عنه می فرمودند:  
 من فرزند رسول خدا(ص) هستم (و از همه) به کتاب خداوند داناتر هستم،  
 و در کتاب خداوند شرح ابتدای خلقت و آنچه تا قیامت واقع خواهد شد آمده  
 است، خبر آسمان و زمین و ذکر بهشت و جهنم و آنچه که در آن است در این  
 کتاب خدا آمده است (این کتاب هم از گذشته هر چیز خبر می دهد و هم از آینده  
 آن) و من به تمام آنها عالم و دانا هستم، (و همه این علوم) مثل آن است که در  
 کف دست من است، و هر گاه من به کف دست نگاه می کنم همه را می بینم، و  
 خداوند می فرماید: (فیه تبیان کل شیء) مادر کتاب خودمان قرآن بیان هر  
 چیزی را نموده ایم (یعنی همه چیز در قرآن آمده است) و باز خداوند  
 می فرماید: (ثمَّ اورثنا الکتاب الذین اصطفینا من عبادنا) ما کتاب را به ارث  
 دادیم به کسانی که برگزیده ایم از بندگان خودمان، و آنهاست که خداوند برگزیده  
 است ما هستیم و ما ارث بردیم آن کتاب را که در آن بیان همه چیز است.

پس باید همیشه حجت باشد و امروز حجت خداوند اعلیحضرت قدر قدرت قوی شوکت بقیةالله الاعظم حجة بن الحسن العسگری (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است که زنده و حی است.

قال سمعت ابا جعفر محمد الباقر رضی الله عنه قال نحن جنب الله و نحن امناء الله عزوجل و نحن حجة و عن اركان الايمان و نحن دعائم الاسلام و نحن رحمة الله على خلقه و بنا يفتح الله و بنا يختم و نحن الائمة الهداة و الدعوة الى الله و نحن مصابيح الدجى و منار الهدى و نحن العلم المرفوع للحق من تمسك بنا لحق و من تاخر غسها غرق و نحن قادة الغر المحجلين و نحن الطريق الواضح و الصراط المستقيم الى الله و نحن من نعمة الله عزوجل على خلقه و نحن معدن النبوة و موضع الرسالة و مختلف الملائكة و نحن المنهاج، و نحن السراج لمن استضاء بنا و نحن السبيل لمن اقتداء بنا و نحن الائمة الهداة الى الجنة و نحن عرى الاسلام و نحن الجسور، و القناطير من مضى عليها لحق و من تخلف عنها محق و نحن السنام الاعظم و بنا ينزل الله عزوجل الرحمة على خلقه و بنا يسقون الغيث و بنا يصرف عنكم العذاب، فمن عرفنا و نصرنا و عرف و ياخذ بامرنا فهو منلوا لينا

مضرت امام محمد باقر رضی الله عنه می فرمودند: مائیم نزدیکیان خداوند و مائیم برگزیدگان خداوند و مائیم نیکوترین فلق خداوند، و مائیم جایگاه امانات و مهاریت انبیاء و مائیم امنا و امینهای خداوند عزوجل و مائیم محبت و برهان و ارکان ایمان خداوند و مائیم پایه های فیمه اسلام و مائیم واسطه رامت خداوند بر فلقش، به ما گشود و افتتاح شود امور و به ما فتم گردد، همه رامت های خداوند و مائیم امامان و ائمه و راهنمایان و دعوت کننده بسوی او و مائیم چراغی نورانی و ممل روشنائی هدایت و مائیم پرچمها و نشانه های بلند که بوسیله مامردم خوانده می شوند به سوی حق، آنکس که به راه آمد و به ما ملحق شد (هدایت شد) و هرکس که به راه ما نیامد و به ما ملحق نشد منصرف شد از آن نشانه ها و غرق خواهد شد، پیش آهنگ سفید





## قسمت بیست و دوم

## علائم قبل از ظهور و امتحان مردم در شدائد

در قرآن کریم و در احادیث نبوی و روایات اسلامی آمده است که این روایات پیشگوئی‌هایی است که قسمتی از آن قبلاً اتفاق افتاده است، و قسمتهایی در آینده اتفاق خواهد افتاد، و در ضمن مسلمین در دوران غیبت به شدائدی گرفتاریها می‌شوند که در این شدائد و گرفتاری امتحان خواهند شد. و مسئله دیگر اینکه غیبت ولی الله الاعظم (عج) بر اساس حکمت و فلسفه‌ای مخصوص بوده است، و ولی حق بدون دلیل غایب نشده است، که از جمله این دلایل امتحان مردم در عصر غیبت می‌باشد و بعضی از انبیاء الهی که قبلاً دارای غیبت بوده‌اند حکمتشان امتحان آنها بوده است.

۱- در ینابیع الموده باب ۷۱ صفحه ۴۲۴ چنین آمده است:

«عَنْ امير المؤمنين علي رضي الله عنه قال: ما يجيء نصر الله حتى تكونوا العون على الناس من الميتة و هو قول ربي عزو جل في كتابه في سورة يوسف (حتى اذا استئيس الرُّسل و ظنوا انَّهُم كذَّبوا جائهم نصرنا)<sup>(۱)</sup> و ذلك عند قيام قائمنا المهدي»

حضرت امیرالمؤمنین علی رضی الله عنه فرمودند: نمی‌آید نصرت و یاری خداوند (برای شما) تا شما پست‌تر شوید بر مردم از مرده چنانکه در سوره یوسف آیه ۱۰۹ آمده است: (تا آنکه نومید شدند به پیغمبران و گمان کردند ایشان دروغ گویند) و این گمان نزد قیام قائم (عج) است.

۲- در کتاب عقدا لدرر فی اخبار الامام المنتظر نوشته شیخ جمال الدین

یوسف دمشقی چنین آمده است :

«عن محمد بن علی الباقر: لا یظهر المهدی الا علی خوف شدید، و زلزال و فتنه نصیب الناس، و طاعون قبل ذلك، و سیف قاطع بین العرب و اختلاف شدید بین الناس، و تشتت فی دینهم، و تغیر فی حالهم حتی یتمنی الموت صباحاً و مساءً من عظم ما تری من کلب الناس و اکل بعضهم بعضاً فخر وجه عم اذا خرج یكون عند الناس و القنوط من ان یری فرجاً فیا طولی لمن ادركته و کامن الصاره و الویل کل الویل لمن خالفه و خالف امره»

یعنی، مهدی ظاهر نمی شود مگر اینکه مردم در ترس و خوف شدید به سر می برند، و زلزله و فتنه نصیب بشر می شود، و مردم به بیماریهایی نظیر طاعون مبتلا می شوند، و شمشیر مابین اعراب گذاشته می شود، و بین مردم اختلاف شدید ایجاد می شود، و تشتت زیاد در دینشان پیدا می کند، آنقدر مشکلاتشان زیاد می شود که مردم هر صبح و شب طلب مرگ می کنند، بعضی از مردم مثل سگ می شوند که می خواهند مردم را بخورند، تا سرانجام امام زمان (عج) قیام می کند، خوشابه حال کسانی که آن زمان را ببینند و امام زمان را ملاقات کنند و از انصار و یاران آنحضرت باشند و وای بر کسی که بر آنحضرت مخالفت کند و مخالف فرمانها و کارهای ایشان باشد.

۲- در کتاب نور الابصار فی مناقب آل بیت النبی المختار نوشته سید

مؤمن الشبلنجی مصری شافعی باب ۲ صفحه ۱۵۵ آمده است :

«عن ابی جعفر رضی الله عنه قال: اذا تشبه الرجال بالنساء و النساء بالرجال، و رکبت ذوات الفروج السروج، و امات الناس الصلوات، و اتبعوا الشهوات، و استخفوا بالدماء، و

تعاملوا بالربا، و تظاهروا بالزنا، و شیّدوا النباء و استحلوا  
 الکذب و اخذ الرشاء، و اتّبَعوا الهوی، و باعُوا الدّین بالدُّنیا و  
 قطعوا الأرحام، و ضنوا بالطعام، و کانَ الحلم ضعفاً و الظُّلم  
 فخرًا، و الأمراء فجرة، و الوزراء كذبة، و الأمناء خونة، و  
 الأعوان ظلمه، و القراء فسقه، و ظهر الجور و كثرة الطلاق،  
 و بدأ الفجور، و قبلت شهادة الزور، و شرب الخُمور و رکت  
 الذُّکور الذکور و استغنت النساء بالنساء و اتّخذ الفیء مغنما، و  
 الصدقة مغرمًا و اتّقى الأشرار مخافة سنتهم، و خروج  
 السُّفیانی من الشام و الیمانی من الیمن و خسف بالبيداء بين  
 مَکة و المَدینة و قُتل غلامٌ من آل محمد (ص) بين الرُّکن و  
 المقام و صاح صائح من السماء بأن الحق معه و مع اتباعه»

زمانیکه شبیه شوند مردها به زنها و زنها به مردها و زنها سوار بر زین  
 شوند و مردم بدون نماز از دنیا بروند، و از شهوات تبعیت نمایند، و خونریزی  
 را برای خود کوچک بدانند و معاملات ربوی بنمایند و بطور آشکار زنا کنند،  
 بناهای زیبا بسازند و دروغ را حلال بشمرند و رشوه بگیرند و از هواهای  
 نفسانی خود تبعیت کنند و دین را به دنیا بفروشند، و قطع رحم کنند، در آن  
 زمان حلم و بردباری را ضعف بدانند و ظلم را فخر بشمرند و امراء فاسد  
 گردند، و وزراء دروغگو شوند و امنا خائن گردند، دوستان ظلم کنند، قراء  
 فاسق گردند ظلم و جور ظاهر شود و طلاق زیاد گردد، شهادت باطل را قبول  
 کنند، و شارب الخمر گردند، مردها به مردها اکتفی کنند، و زنها به زنها  
 راضی گردند و از اشرار بخاطر شر زبانیشان بترسند و سفیانی از شام قیام  
 نماید و یمانی از یمین قیام کند و در بیداء بین مکه و مدینه در زمین فرو رود و  
 بکشند غلامی از آل محمد را بین رکن و مقام و صدائی از آسمان بلند شود که

حق با اوست (یعنی با قائم آل محمد) و با تابعان او.

۴- در منتخب کنز العمال نوشته متقی هندی جلد ۵ صفحه ۴۰۷ آمده است:

«قال رسول الله (ص): يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ هَمَّتُهُمْ بُطُونُهُمْ، وَ شَرَفَهُمْ تَبَاعَهُمْ، قَبْلَتَهُمْ نِسَائُهُمْ، وَ دِينَهُمْ دِرَاهِمُهُمْ وَ دِنَايَرُهُمْ  
أَوْلَيْكَ شَرُّ الْخَلْقِ لِاخْتِلاقِ لَهُمْ عِنْدَ اللَّهِ»

زمانی بر مردم خواهد آمد که تمام همت آنها شکم آنها می شود، و شرفشان ثروتشان می گردد، قبله آنها زنهایشان می شود و دین آنها پولشان می گردد، اینها بدترین خلق خداوند هستند.

۵- البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان نوشته متقی هندی باب ۴ آمده است:

«أَخْرَجَ ابْنُ نَعِيمٍ عَنْ عَلِيٍّ قَالَ: لَا يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ حَتَّى يَقْتُلَ ثَلَاثًا  
وَ يَمُوتَ ثَلَاثًا وَ يَبْقَى ثَلَاثًا»

ابونعیم نقل می کند از امیرالمؤمنین علی (ع): که مهدی قیام نمی کند مگر اینکه ثلاث مردم کره زمین کشته می شوند و ثلاث دیگر می میرند، و ثلاث سوم می مانند.

۶- در ینابیع الموده نوشته خواجه کلان قندوزی حنفی صفحه ۴۲۷ باب

۷۱ آمده است:

«سورة سباء آیه ۵۱ (و لَو تَرَى اِذْ فَزَعُوا فَلَافُوتَ وَاخَذَ وَاْمِنَ  
مَكَانَ قَرِيبٍ وَّقَالُوا اٰمَنَّا بِهٖ وَاِنِیْ لَهٗمُ التَّنٰوِسُ مِنْ مَّكَانٍ بَعِیدٍ)  
عَنِ الْحَارِثِ عَنْ عَلِيٍّ كَرَّمَ اللهُ وَجْهَهُ فِي هَذِهِ الْآيَةِ قَالَ قَبْلَ قِيَامِ  
قَائِمِنَا الْمَهْدِيِّ يَخْرُجُ السُّفْيَانِيُّ قَيْمَلِكَ قَدْرَ حَمَلِ الْمَرْدَةِ تِسْعَةَ  
اَشْهُرٍ وَيَأْتِي الْمَدِيْنَةَ جَيْشَهُ فِي اِذَا انْتَهَى اِلَى الْبَيْدَاءِ حَسَفَ اللهُ بِهٖ»

از حارث روایت از علی کرم الله وجهه در این آیه فرمودند کمی پیش از ظهور قائم مامهدی، (شخصی به نام) سفیانی قیام می کند و به سلطنت

می‌رسد و لشکر او به سمت مدینه حرکت می‌کند تا می‌رسد به بیداء (یک میل مانده بذالحیفه بیداء نام دارد که مابین مکه و مدینه است) زمانیکه به بیداء رسیدند بامر خداوند زمین او را فرو می‌برد.

۷- در ینابیع الموده صفحه ۴۲۱ باب ۷۱ آمده است:

«و فی سورة الشعراء آیه ۲ (أَنْ نَشَأُ نَنْزَلَ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقِهِمْ لَهَا خَاضِعِينَ) عَنْ عُمَرَ بْنِ حَنْظَلَةَ قَالَ سَأَلْتُ جَعْفَرَ بْنَ الصَّادِقِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ عِلْمَاتِ قِيَامِ الْقَائِمِ قَالَ: خَمْسَ عِلْمَاتٍ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الصَّيْحَةُ، وَ خُرُوجَ السُّفْيَانِيِّ وَ الْخَسْفَ، وَ قَتْلَ نَفْسِ الزُّكِيِّ وَ الْيَمَانِيَّ قَالَ فَتَلَوْتُ هَذِهِ الْآيَةَ فَقُلْتُ لَهُ أَهِيَ الصَّيْحَةُ قَالَ نَعَمْ»

عمر بن حنظله گوید پرسیدم از امام صادق رضی الله عنه از علامات قیام قائم فرمودند: پیش از قیام قائم ما ۵ علامت خواهد بود؛  
اول) صیحه آسمانی (که صدایی بین زمین و آسمان بلند می‌شود و همه اهل زمین این صدا را می‌شنوند).

دوم) خروج و قیام سفیانی (از نسل ابوسفیان است).

سوم) فرو رفتن او و همه لشکریانش در زمین.

چهارم) کشته شدن نفس زکیه.

پنجم) قتل یمانی گوید خواندم آن آیه را عرض کردم این آیه همان صیحه است فرمودند: آری هرگاه ظاهر شود این صیحه گردنهای دشمنان خداوند متعال خاضع و خاشع و تسلیم شود.

و باز در ذیل این آیه ابی بصیر و ابی الورد هر دو روایت کرده‌اند از حضرت باقر (ع) فرمودند: این آیه نازل شد در قائم و منادی ندا می‌کند به اسم او و اسم پدر او از آسمان.

۳- در کتاب البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان باب چهارم علاءالدین متقی هندی چنین آمده است:

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ: لِلْمَهْدِيِّ خُمُسٌ  
عَلَامَاتُ السَّفِيَانِيِّ وَالْيَمَانِيِّ وَالصَّيْحَةِ مِنَ السَّمَاءِ وَالْخُسْفِ  
بِالْبِيدَاءِ وَقَتْلِ نَفْسِ الزَّكِيَّةِ»

یعنی برای قیام مهدی و قبل از قیام او پنج علامت است:

اول - خروج سفیانی

دوم - قتل یمانی

سوم - صیحه آسمانی

چهارم - فرورفتن سفیانی با لشکریانش در بیداء

پنجم - قتل نفس زکیه .

البته در کتب اهل سنت و جماعت علامات زیاد نقل شده است و فقط ما به این بسنده کردیم که آنها نیز معتقد به علامات هستند .



عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ:

لِلْمَهْدِيِّ خُمُسٌ عَلَامَاتُ السَّفِيَانِيِّ وَالْيَمَانِيِّ وَالصَّيْحَةِ مِنَ السَّمَاءِ وَالْخُسْفِ بِالْبِيدَاءِ وَقَتْلِ نَفْسِ الزَّكِيَّةِ

یعنی برای قیام مهدی (و قبل از فروچاه) پنج علامت است: اول:

فروج سفیانی، دوم: قتل یمانی، سوم: صیحه آسمانی،

چهارم: فرورفتن سفیانی با لشکریانش در بیداء پنجم: قتل

نفس زکیه .



البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان باب چهارم علاءالدین متقی هندی



## قسمت بیست و سوم

## علائم روز ظهور

همه انبیاء الهی به آمدن موعودی در آخر الزمان بشارت داده‌اند، و همه گفته‌اند که روزی فرا خواهد رسید که در آن روز مردی الهی قیام خواهد کرد، و او ظلم را ریشه کن خواهد کرد، او عدل را به جای ظلم می‌نشانند، او فساد را ریشه کن می‌کند، او شرک و بت پرستی را نابود خواهد کرد، و توحید جهانگیر خواهد شد... و همه انبیاء و اولیاء و انسانها منتظر فرا رسیدن چنین روزی بوده‌اند، لذا روز ظهور امام زمان (عج) بسیار با شکوه است که در اخبار اسلامی به آن قیامت صغری گفته شده است که ما در این نوشته بر اساس اختصار از کتب اهل سنت به چند حدیث درباره آن روز اکتفا می‌کنیم.

۱- در البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان باب ۱ و ینابیع الموده صفحه ۴۴۷ و صفحه ۴۷۱ و فرائد السمطين و اسعاف الراغبین نوشته ابوالعرفان شیخ محمد بن صبان مصری شافعی باب ۲ صفحه ۱۳۹ چنین آمده است:

«قال: و جاء فی روایات ان عند ظهوره ینادی فوق رأسه ملک هذا المهدی خلیفة الله فاتبعوه (الی ان قال) وان المهدی سَیَخْرُجُ تَابُوتَ السَّكِينَةِ مِنْ غَارِ انطاکیه - اسفار التوراة مِنْ جَبَلِ بالشام یُحَاجُّ بِهَا الْیَهُودَ فِیْسَلِمُ کَثِیرٌ مِنْهُمْ»

و آمده است که هنگام ظهور (مهدی) ملکی بالای سر او صدا میزد این مهدی خلیفه الله است از او تبعیت کنید (و به او پیوندید) و مهدی خارج می‌کند تابوت سکینه را از غار انطاکیه، اسفار تورات را از کوه شام و یهود محتاج او می‌شوند و تسلیم امر او می‌گردند، بسیاری از آنها

۲- ینابیع الموده صفحه ۴۲۶ چنین آمده است:

«... فی قوله تعالی و ان نشأ نُزِّلَ علیهم مِنَ السَّمَاءِ فَضَلَّتْ  
اغناقِهم لَهَا خاضعین آیه (شعراء ۲) عَنْ ابی بصیر و ابی الورد  
عَنْ الباقِر قال: هذه الآیه نزلت فی القائم یُنَادِی مُنَادٍ بِاسْمِهِ و  
اسمَ ابيه مِنَ السَّمَاءِ»

از ابابصیر و از ابی الورد هر دو چنین روایت کرده‌اند از حضرت باقر که  
فرمودند: این آیه نازل شده در وصف قائم و منادی ندا می‌کند به اسم او و اسم  
پدر او از آسمان.

۳- در بنابیع الموده صفحه ۴۲۷ چنین آمده است:

«سورة الذاریات آیه ۲۲ (واستمع یوم یُنَادِی المُنَادِی مِنْ  
مکانِ قریب یوم یَسْمَعُونَ الصیحه بِالْحَقِّ ذَلِکَ یَوْمَ الْخُرُوجِ)  
عَنْ الصادِقِ رَضِیَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: یُنَادِی مُنَادٍ بِاسْمِ الْقَائِمِ وَ اسْمِ  
ابیه علیها السلام وَ الصیحه فی هذه الآیه مِنَ السَّمَاءِ ذَلِکَ  
یَوْمَ الْخُرُوجِ الْقَائِمِ»

حضرت صادق رضی الله عنه فرمودند: (در هنگام ظهور امام زمان) منادی  
ندا می‌کند به اسم قائم و اسم پدر او و صیحه آسمانی در این آیه از آسمان بلند  
می‌شود هنگام خروج و انقلاب مهدی.



قال رسول الله (ص):

المهدی رجلٌ منْ وُلْدِی وَجْهُهُ کَالْکَوْکَبِ الدَّرِّیِّ  
اللون لون عربی و الجسم جسم اسرائیلی  
رسول فدا فرمود: مهدی مردیست از فرزندان من صورت او  
مانند ستاره درفشنده می‌درفشند، رنگ پهره او رنگ  
عربیست و جسم او بلند قامت است



صواعق المحرقة - ابن هجر شافعی





## قسمت بیست و چهارم

## ۳۱۳ نفر شورای انقلاب امام زمان (عج)

بر پائی یک حکومت جهانی و ریشه کن کردن فساد از کره زمین، و نابودی شرک و بت پرستی ساده نیست لذا مهدی فاطمه (عج) برای انجام چنین انقلابی از ۳۱۳ رجل الهی برخوردار است که او را در این ظهور یاری خواهند کرد.

۱- در کتاب نورالابصار مناقب آل بیت النبی المختار نوشته سید مؤمن شبلنجی شافعی مصری باب ۲ صفحه ۱۵۵ چنین آمده است:

«عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ ... فَإِذَا خَرَجَ اسْتَدَّ ظَهْرَهُ إِلَى الْكَعْبَةِ وَاجْتَمَعَ إِلَيْهِ ثَلَاثُمِائَةً وَثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا مِنْ اتِّبَاعِهِ، فَأَوْلَ مَا يَنْطِقُ بِهِ هَذِهِ الْآيَةُ (بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ) ثُمَّ يَقُولُ أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ، وَخَلِيفَةُ وَحُجَّةٌ عَلَيْكُمْ فَلَا يَسْلِمُ عَلَيْهِ أَحَدٌ إِلَّا قَالَ السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ فَإِذَا اجْتَمَعَ عِنْدَهُ الْعَقْدَ عَشْرَ أَلْفِ رَجُلٍ فَلَا يَبْقَى يَهُودِيٌّ وَلَا نَصْرَانِيٌّ وَلَا أَحَدٌ فَمَنْ يَعْبُدُ غَيْرَ اللَّهِ تَعَالَى إِلَّا آمَنَ بِهِ وَصَدَّقَهُ وَتَكُونُ الْمَلَّةُ وَاحِدَةً مَلَّةً الْإِسْلَامَ وَكُلَّ مَكَانٍ فِي الْأَرْضِ مِنْ مَعْبُودٍ سِوَى اللَّهِ تَنْزِلُ عَلَيْهِ نَارٌ مِنَ السَّمَاءِ فَتَحْرَقُهُ»

حضرت صادق فرمودند: زمانیکه مهدی قیام کند پشت خود را به دیوار کعبه می‌کند دورادور او جمع می‌شوند ۳۱۳ نفر مرد از تابعانش آنگاه حضرت آیه (بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ) را قرائت می‌فرمایند، آنگاه می‌فرمایند منم بقية الله، منم خليفه خداوند، و منم حجت خداوند بر شما، و تسلیم او نمی‌کردند هیچکس مگر اینکه می‌گویند السلام عليك يا بقية الله في

الأرض، پس هنگامیکه جمع شوند نزد او و ده هزار نفر (سربازان امام زمان) پس هیچ یهودی و نصرانی باقی نمی ماند، و نمی ماند یک نفر مگر اینکه همه خدا را عبادت می کنند و همه به او ایمان می آورند و همه او را تصدیق می نمایند و ملت اسلام یک ملت واحد می شود فقط معبودی که پرستش می شود الله است، و هر کس غیر از خداوند کس دیگری را عبادت کند آتشی از آسمان می آید و او را می سوزاند.

۲- درینابیع الموده نوشته خواجه کلان قندوزی حنفی صفحه ۴۲۱ آمده است:

«عَنْ الامام جعفر الصادق رضی الله عنه فی قوله عزوجل  
 (فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ اَيْنَمَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللهُ جَمِيعاً) قال: یعنی  
 اصحاب القائم الثلثاء و يضع عشروهم والله الأمة المعدودة  
 يَجْتَمِعُونَ فِي سَاعَةٍ وَاحِدَةٍ كَفَزَعِ الْخَرِيفِ»

حضرت صادق در ذیل آیه (فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ اَيْنَمَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللهُ جَمِيعاً) فرمودند: یعنی اصحاب قائم زیادتر از ۳۱۰ نفر هستند (یعنی ۳۱۲ نفر) به خدا قسم معدودی هستند که جمع می شوند در یک ساعت همچون جمع شدن پاره های ابرها در فصل پائیز.

۲- در ینابیع الموده نوشته خواجه کلان قندوزی حنفی صفحه ۴۲۴ چنین

آمده است:

«عَنْ باقر و عَنْ الصادق رضی الله عنهما فی قوله تعالى (و لئن  
 اخرنا عنهم العذاب الى امة معدودة) قال: ان الأمة المعدودة  
 هم اصحاب المهدي فی آخر الزمان ثلثاء و ثلثة عشر رجلاً  
 كعدة اهل بدر يَجْتَمِعُونَ فِي سَاعَةٍ وَاحِدَةٍ كَمَا يَجْتَمِعُ  
 فَزَعِ الْخَرِيفِ»

حضرت باقر و حضرت صادق در ذیل آیه (و لئن اخرنا عنهم العذاب الى

أُمَّةٌ مَعْدُودَةٌ) فرمودند:

امت معدود اصحاب مهدی در آخرالزمان هستند تعدادشان ۳۱۳ مرد است مانند تعداد اهل بدر در یک ساعت واحد به گرد ایشان جمع می‌شوند، همانطوریکه ابرهای پائیزی در یک ساعت واحد گرد می‌آیند.

۴- در ینابیع الموده نوشته خواجه کلان قندوزی حنفی صفحه ۴۲۴ چنین آمده است:

«عَنْ الصَّادِقِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فِي هَذِهِ الْآيَةِ (لِوَأَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً  
 أَوْ أَوْىٰى أَيْ رَكْنَ شَدِيدٍ) قَالَ: قُوَّةُ الْقَائِمِ وَالرَّكْنَ الشَّدِيدِ  
 أَصْحَابُهُ ثَلَاثُمِائَةٍ وَثَلَاثَةٌ عَشَرَ رَجُلًا»

حضرت صادق درباره آیه (لِوَأَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ أَوْىٰى أَيْ رَكْنَ شَدِيدٍ) فرمودند: مراد از «قوة» حضرت قائم است و مراد از «رکن الشدید» اصحاب آن جنابند که ۳۱۳ مرد هستند.



قال رسول الله (ص):

رَايَةَ الْمَهْدِيِّ فِيهَا مَكْتُوبٌ الْبَيْعَةُ لِلَّهِ

بر روی پرچم مهدی نوشته شده است «البيعة لله» یعنی بیعت از آن فداوند است.



ینابیع الموده - حافظ قندوزی حنفی صفحه ۴۲۴



## قسمت بیست و پنجم

## «البيعة لله»

## جمله‌ای که روی پرچم امام زمان (عج) نوشته شده است

حضرت مهدی (عج) در حین انقلاب و حرکت انقلابی از پرچمی استفاده می‌کند که روی آن نوشته شده است «البيعة لله» بیعت فقط از آن خداوند است، چون حکومت، حکومت الهی است.

۱- در ینابیع الموده نوشته خواجه کلان قندوزی حنفی صفحه ۲۲۴ چنین آمده است:

«عَنْ نَوْفٍ أَنَّهُ قَالَ: رَايَةَ الْمَهْدِيِّ فِيهَا مَكْتُوبُ الْبَيْعَةِ لِلَّهِ»

نوف گوید: بروی پرچم مهدی نوشته شده است، «البيعة لله» یعنی بیعت از آن خداوند است.

۲- در البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان نوشته متقی هندی باب ۷ آمده است:

«عَنْ ابْنِ سِيرِينَ قَالَ: عَلَى رَايَةِ الْمَهْدِيِّ الْبَيْعَةُ لِلَّهِ»

ابن سیرین می‌گوید: بر روی پرچم مهدی البيعة لله است.

۳- در البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان نوشته متقی هندی باب ۷ آمده است:

«عَنْ عَمَارِ يَاسِرٍ قَالَ: إِذَا بَلَغَ السُّفْيَانِيُّ الْكُوفَةَ وَقَتَلَ أَعْوَانَ آلِ مُحَمَّدٍ خَرَجَ عَلَيْهِ الْمَهْدِيُّ عَلَى لَوَايَةِ شُعَيْبِ بْنِ صَالِحٍ»

عمار یاسر می‌گوید: هنگامیکه سفیانی در کوفه ظاهر شود و بکشد دوستان و نزدیکان آل محمد را مهدی بر علیه او خروج می‌کند و همراه اوست پرچم شعیب بن صالح.

### قسمت بیست و ششم

## ظهور امام زمان (عج) از مکه در مسجد الحرام کنار خانه خدا شروع می شود

امام زمان (عج) دین جدیدی نمی آورد، بلکه ایشان اسلام را ترویج میکند، و به اسلام قدرت و عظمت می بخشد، و ظهور ایشان بسیار شبیه قیامت و انقلاب رسول خدا ﷺ است، و در احادیث نیز به آن اشاره شده است، لذا ظهور ایشان از مکه و در مسجد الحرام و کنار خانه خدا آغاز میگردد.

۱- در البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان نوشته متقی هندی باب ۱ آمده است:

«عَنْ حذيفة بن اليمان عن النبي (ص) في قصة المهدي و مبايعته بين الركن و المقام و خروجه متوجهاً الى الشام قال: و جبرئيل على مقدمة و ميكائيل على ساقه يقرح به اهل السماء و الارض و الطير و الوحش و الحيتان في البحر»

حذیفه بن یمان از رسول خدا نقل می کند درباره مهدی که آنحضرت فرمودند: بیعت می کنند با مهدی مابین رکن و مقام و قیام می کند آنحضرت و به سمت شام می رود و جبرئیل جلو دار اوست و میکائیل پشت سر اوست و شاد می شوند برای او اهل آسمانها و زمین و پرندگان آسمانها و حیوانات، و تمام آبزیان در دریا.

۲- در عقد الدرر باب ۳ نوشته شیخ جمال الدین یوسف دمشقی آمده است:

«عَنْ رسول الله في قصة السفيناني وما فعله من الفجور و القتل قال: فقد ذلك يُنادي مناد من السماء، يا أيها الناس ان الله قد قطع عنكم يد الجبار و المنافقين و اشياعهم، و ولاكم خير امة

محمد (ص) فالحقوا به بِمَكَّةَ فَإِنَّهُ الْمَهْدِيُّ»

رسول خدا فرمودند در باره قصه سفیانی و کارهائیکه او از ظلم و جور و فجور انجام میدهد و انسانهائیکه می‌کشد: و منادی صدا می‌زند از آسمان ای مردم خداوند قطع کرد از سر شما دست جبارین و منافقین و پیروان آنها را و این خیر است برای شما که از امت محمد باشید، ملحق شوید به مهدی در شهر مکه که او در آنجا است.

۳- در البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان نوشته متقی هندی باب ۷ آمده است:

«عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ: ... قَائِمٌ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، جِبْرَائِيلُ عَنْ يَمِينِهِ،

وَمِيكَائِيلُ عَنْ يَسَارِهِ، تَصِيرُ اللَّهُ شِيعَتَهُ مِنْ اطْرَافِ الْأَرْضِ ...»

حضرت صادق فرمودند: قائم بین رکن و مقام قیام می‌کند جبرائیل سمت راست اوست و میکائیل سمت چپ او خداوند جمع میکند شیعیان او را از اطراف زمین.



ابونصر می‌گوید:

دَخَلْتُ عَلَى صَاحِبِ الزَّمَانِ (ع) قَالَ لِي مَنْ أَنَا، قُلْتُ

أَنْتَ سَيِّدِي وَابْنُ سَيِّدِي وَقَالَ أَنَا خَاتِمُ الْأَوْصِيَاءِ

ابونصر می‌گوید: من خدمت مولا و آقایم صاحب الزمان (ع) رسیدم حضرت فرمودند: مرا می‌شناسی عرض کردم آری. حضرت فرمودند من کیستم؟ عرض کردم شما آقا و مولای من و فرزند آقا و مولای من هستی، حضرت فرمودند آری من خاتم الوصیاء هستم آنگاه فرمودند:

بِي يَدْفَعُ اللَّهُ الْبَلَاءَ عَنِ أَهْلِ الْأَرْضِ

یعنی خداوند به وسیله من بلاها را از اهل زمین دور می‌سازد

ینابیع المودة صفحه ۴۶۳



## قسمت بیست و هفتم

### روش مهدی (عج) همان روش و سنت رسول خدا ﷺ است

همانطوری که می دانیم طومار نبوت و رسالت بوجود اقدس حضرت خاتم الانبیاء محمد مصطفی ﷺ پیچیده شد، و دیگر پس از ایشان پیامبری نخواهد آمد و کتابی هم بجز قرآن بعنوان یک روش جدید نازل نخواهد شد، اما در همین قرآن آمده است که در آخر الزمان شخصی قیام می کند و اسلام را جهانی خواهد کرد و آن شخصیت وجود اقدس بقیه الله الاعظم است، و ایشان که می آیند مروج قرآن و عترت خاتم المرسلین خواهند بود، پس روش و سنت ایشان همان روش و سنت رسول خدا ﷺ است چنانکه در ینابیع الموده نوشته خواجه کلان قندوزی حنفی صفحه ۴۳۳ آمده است:

«و عَنْ عَائِشَةَ، عَنْ النَّبِيِّ (ص) أَنَّهُ قَالَ الْمَهْدِيُّ رَجُلٌ مِنْ

عَتْرَتِي يُقَاتِلُ عَلِيَّ سُنِّي كَمَا قَاتَلْتُ أَنَا عَلِيَّ الْوَحْيِ»

عایشه نقل می کند که رسول خدا (ص) فرمودند: مهدی مردی است از

عترت و از خانواده من، مبارزه می کند برای (برپایی) سنت من همانطوری که

من مبارزه می کردم برای (برپایی) وحی.

## قسمت بیست و هشتم

در قیام مهدی (عج) همه به لاله الا الله و  
 محمدرسول الله ﷺ شهادت خواهند داد

همانطوریکه قبلاً اشاره کردیم در ظهور امام زمان (عج) کل کره زمین مسلمان خواهند شد و دیگر از جنگهای مذهبی خبری نخواهد بود، و همچنین در ظهور ایشان یک حکومت واحد جهانی تشکیل می شود، و مرزها برداشته می شود دیگر انسانها بخاطر زمین و سرزمین جنگ نخواهند کرد، و ناسیونالیسم به انترناسیونالیسم تبدیل می گردد، در آن حکومت:

اولاً: دیانت رسمیش اسلام است.

ثانیاً: کل کره زمین بصورت یک کشور در می آید.

ثالثاً: یک حکومت واحد جهانی تشکیل می شود.

رابعاً: رهبر آن حکومت امام زمان ﷺ است.

خامساً: در آن حکومت کفر ریشه کن می شود.

۱- در ینابیع الموده نوشته خواجه کلان قندوزی حنفی صفحه ۴۲۱ آمده

است:

«و عن رفاعة بن موسى قال سمعتُ جعفر الصادق رضی الله عنه يقول في قوله تعالى في سورة آل عمران (و له اسلم من في السموات و الارض طوعاً و كرهاً) <sup>(۱)</sup> قال: اذا قام القائم المهدي لا يبقى الارض الا نودي فيها شهادة ان لا اله الا الله وان محمداً رسول الله»



از رفاعه بن موسی از جعفر بن صادق رضی الله عنه درباره این آیه از سوره آل عمران که خداوند می فرماید: (و تسلیم او می شوند هر آنچه در آسمان و زمین است چه بخواهند و چه نخواهند) چنین فرمودند: در زمان ظهور قائم آل محمد باقی نمی ماند هیچ نقطه از زمین مگر آنکه در آنها ندا می دهند و یا شهادت می دهند به لا اله الا الله و محمداً رسول الله.

۲- در ینابیع الموده نوشته خواجه کلان قندوزی حنفی صفحه ۴۲۳ آمده

است:

«و عن ابی بصیر و عن سماعه هما عن جعفر بن الصادق رضی الله عنه فی قوله تعالی (و هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون)<sup>(۱)</sup> قال: والله ما یجئی تأویلها حتی یرج قائم المهدی (عج) فاذا خرج القائم لم یبق مشرک الا کره خروجه و یبقی کافر الا قتل حتی لو کان کافر فی بطن صخرة قالت یا مؤمن فی بطنی کافر فاکسرنی و اقتله و هذه الآیه فی ثلاث سورۃ فی سورۃ التوبه و سورۃ الصف و فیها و لو کره المشرکون و فی سورۃ الفتح و عن عبایه بن ربیع قال: قال امیر المؤمنین علی کرم الله وجهه فی هذا الآیه و الذی نفسى بیده لاتبقى قریة رسول الله بکرة و عشیاً و عن زین العابدین و عن الباقر رضی الله عنهما قال ان الاسلام قد یظهره الله علی جمیع الادیان عند قیام القائم»

از ابی بصیر و سماعه هر دو از امام صادق رضی الله عنه آمده است که

حضرت فرمودند:

۱- سوره های فتح، صف، توبه

به خدا سوگند تاویل این آیه که خداوند می فرماید: (اوست خدایی که فرستاد رسولش را باهدایت و دین حق، تا چیره شود آن دین بر همه ادیان اگر چه مشرکین کراحت داشته باشند) صدق نمی کند تا بیرون آید قائم مهدی (عج) زمانیکه او ظاهر شود مشرکی باقی نمی ماند مگر آنکه کراحت دارد خروج او را و باقی نمی ماند مشرکی مگر آنکه کشته می شود، تا جائیکه اگر کافر در شکم سنگ سختی باشد، سنگ می گوید ای مؤمن در شکم من کافر است، مرا خورد کن و بشکن او را بکش و این آیه در سه سوره یکی در توبه و دیگری در صف و دیگری در سوره فتح است، در سوره فتح خداوند می فرماید: (هو الذی ارسل بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و کفی بالله شهیداً) عبایه بن ربیع گوید امیرالمؤمنین علی کرم الله وجهه در ذیل این آیه فرمودند: قسم به کسیکه جان من در ید قدرت اوست باقی نمی ماند قریه و دهی جز آنکه در آن ندا داده می شود، در صبح و شام به شهادت لاله الا الله و ان محمد رسول الله.

و امام زین العابدین و امام باقر رضی الله عنهما فرموده اند: وقت قیام قائم خدا ظاهر میکند اسلام را بر تمام دنیا.



قال النبی (ص):

للحسین هذا ابنتی امام أخو امام أبوالائمة

تسعه تاسعهم قائمهم

**رسول خدا درباره سید الشهداء حسین بن (ع) فرمودند: این حسین فرزند من، امام است، برادر امام من باشد و پدر نه امام من باشد که نهمین آنها قائم بر آنها من باشد.**



مسند امام احمد حنبل



## قسمت بیست و نهم

### همه کره زمین در مقابل حکومت مهدی (عج) تمکین خواهند کرد

اولاً: در زمان ظهور مؤمنین واقعی به آنحضرت به راحتی ایمان خواهند آورد.

ثانیاً: مستضعفین جهان که از ظلم و جور حکومتها به زانو در آمده‌اند به راحتی گرد حضرت را می‌گیرند.

ثالثاً: بشریت منتظر ظهور یک منجی به سر می‌برد.

همه اینها سبب می‌شود که مردم به راحتی گرد آن حضرت را بگیرند و برای موفقیت او تلاش کنند و در کتب اهل سنت نیز به آن تصریح شده است.

۱- در تاریخ ابن عساکر ج ۶۲ و کتاب صواعق المحرقة نوشته ابن هجر شافعی و کتاب ینابیع الموده صفحه ۴۳۳ آمده است:

«و عن علی رضی الله عنه قال: اذا قام القائم آل محمد (ص)  
جمع الله له اهل المشرق و اهل المغرب فیتجمعون کمی یجتمع  
فرع الخریف قاما الرفقاء فمن اهل الکوفة و اما الابدال فمن  
اهل الشام»

از علی رضی الله عنه آمده است که آنحضرت فرمودند: زمان قیام قائم آل محمد (ص) خداوند جمع می‌کند همه مردم شرق و غرب عالم را به دور او مانند جمع شدن پاره‌های ابر در فصل پاییز و رفقای او اهل کوفه‌اند و خوبان و ابدال اهل شام می‌باشند (که همه گرد او جمع می‌شوند).

۲- در کتاب صحیح ابن ماجه فی جزء الثانی فی ابواب الفتن فی باب خروج المهدی و کتاب البیان فی اخبار صاحب الزمان نوشته حافظ گنجی شافعی و

کتاب منتخب کنز العمال جلد ۶ صفحه ۲۹ نوشته متقی هندی و کتاب ینابیع الموده صفحه ۴۲۷ نوشته خواجه کلان قندوزی حنفی چنین آمده است:

«وَعَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَارِثِ بْنِ جَزَاءِ الزَّبِيدِيِّ قَالَ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): يَخْرُجُ النَّاسُ مِنْ أَهْلِ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ فَيُوطِئُونَ لِلْمَهْدِيِّ يَعْنِي سُلْطَانَهُ»

از عبدالله بن حارث بن جزء زبیدی نقل شده است که رسول خدا (ص) فرمودند: اهل مشرق و مغرب عالم می آیند برای ملاقات با مهدی و همه قبول می کنند سلطنت او را.

۳- در ینابیع الموده نوشته خواجه کلان قندوزی حنفی صفحه ۴۲۳ چنین آمده است:

«وَعَنْ زَيْنِ الْعَابِدِينَ وَ عَنِ الْبَاقِرِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ إِنَّ الْإِسْلَامَ قَدْ يَظْهَرُهُ اللَّهُ عَلَى جَمِيعِ الْأَدْيَانِ عِنْدَ قِيَامِ الْقَائِمِ»

و از امام زین العابدین و امام باقر رضی الله عنهما فرموده اند: وقت قیام قائم خدا ظاهر می کند اسلام را بر تمام دینها.

۴- در ینابیع الموده صفحه ۴۲۶ نوشته خواجه کلان قندوزی حنفی چنین آمده است:

«و فِي سُورَةِ الرُّومِ (و يَوْمَئِذٍ يُفْرِحُ الْمُؤْمِنُونَ بِنَصْرِ اللَّهِ) عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ جَعْفَرِ الصَّادِقِ قَالَ: عِنْدَ قِيَامِ الْقَائِمِ يُفْرِحُ الْمُؤْمِنُونَ بِنَصْرِ اللَّهِ»

در سوره روم آمده است (روزیکه مؤمنین شاد و مسرور می شوند به نصرت خداوند) ابی بصیر می گوید، جعفر صادق فرمودند: مؤمنین در ظهور قائم شاد و مسرور می گردند به نصرت و یاری خداوند.

## قسمت سی ام

### مهدی زمین را پر از عدل و داد و آرامش خواهد کرد

خداوند منان در قرآن کریم یکی از اهداف ارسال رسل را پر کردن زمین از قسط و عدل بیان می‌فرمایند، چنانکه در قرآن کریم سوره حدید آیه ۲۰ آمده است:

«وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَ أَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَ أَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَ مَنَافِعٌ لِلنَّاسِ»

به تحقیق ما فرستادیم رسولان خود را با دلائل و بینات آشکار و بر آنها کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم را بر قسط و عدل بر پا دارند، و نازل کردیم بر آنها آهن را که در آن سختی و محکمی شدید است و برای مردم منافع فراوانی دارد.

پس یکی از اهداف ارسال رسل برپائی قسط و عدل است، اما متأسفانه در طول تاریخ صاحبان «زر» و «زور» و «تزویر» نگذاشتند، تمام و کمال برنامه انبیاء پیاده شود تا اینکه امام زمان (عج) بیاید، ایشان زمین را پر از عدل و داد خواهند کرد و ایده و امید و آرزوهای همه پیامبران را جامه عمل خواهد پوشاند.

۱- سبط بن جوزی حنفی در تذکرة الخلوص الامة صفحه ۲۷۷ آورده است:

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): يَخْرُجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ رَجُلٌ مِنْ وَدِيِّ اسْمِهِ كَاسِمِي وَ كُنْيَتُهُ كَكُنْيَتِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأْتُ جَوْرًا فَذَلِكَ هُوَ الْمَهْدِيُّ»

رسول خدا (ص) فرمودند قیام می‌کند در آخر الزمان مردی از فرزندان من اسم او مانند اسم من است و کنیه او مانند کنیه من است او زمین را پر از عدل

و داد خواهد کرد همانطوری که پر از ظلم و جور شده بود، و او همان مهدی (عج) است.

۲- در صحیح ابن ماجه و در در صحیح ابی داود مجلد ۲ صفحه ۲۰۷ و صحیح ترمذی جلد ۲ صفحه ۲۰۷ و کتاب ینابیع الموده صفحه ۴۲۲ و کتاب مسند امام احمد حنبل و کتاب نور الابصار باب ۲ صفحه ۱۵۴ نوشته شبلینجی شافعی چنین آمده است:

«لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدَّهْرِ إِلَّا يَوْمٌ لِبَعَثَ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي  
يَمَلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جُورًا»

یعنی اگر نماند از عمر مگر یکروز خداوند بر می انگیزد مردی از اهل بیت و خانواده مرا (تا انقلابی پرشکوه برپا کند) خداوند بوسیله او جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد همانطوری که پر از ظلم و جور شده بود.

۲- در ینابیع الموده نوشته خواجه کلان قندوزی حنفی صفحه ۴۲۳ آمده است:

«وَعَنْ زُرَّارَةَ عَنِ الْبَاقِرِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: يُقَاتِلُونَ حَتَّى يُوْحِدَ  
وَاللَّهُ وَ لَا يُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا وَ تَخْرُجُ الْعَجُوزَةُ الضَّعِيفَةُ مِنَ الْمَشْرِقِ  
تُرِيدُ الْمَغْرِبَ لَا يُؤْذِيهَا أَحَدٌ وَ يَخْرُجُ اللَّهُ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتِهَا وَ  
يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ قَطْرَهَا»

و از زراره گوید: از حضرت امام محمد باقر رضی الله عنه فرمودند: جهاد می کنند تا وقتی که جمیع مردم موحد شوند و قرار ندهند برای خداوند شریکی، بیرون می آید پیرزنی ضعیف از مشرق قصد دارد به مغرب برود احدی مزاحم او نمی شود و به او آزار نمی رساند، و خداوند بیرون آورد از زمین سبزه های آنرا و فرو می ریزد از آسمان قطرات بارانش را.

۴- در ینابیع الموده نوشته خواجه کلان قندوزی حنفی صفحه ۴۲۹ چنین

آمده است :

«فِي قَوْلِهِ تَعَالَى (وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا) (۱)

عَنْ سَلَامِ بْنِ الْمُسْتَنِيرِ عَنِ الْبَاقِرِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: يُحْيِيهَا

بِالْقَائِمِ فَيَعْدِلُ فِيهَا مُحْيِي الْأَرْضِ بِالْعَدْلِ بَعْدَ مَوْتِهَا بِالظُّلْمِ»

از سلام بن مستنیر از حضرت باقر رضی الله عنه فرمودند: زنده می‌کند خداوند زمین را به قائم پس زمین پر از عدل شود، که این پر از عدل شدن زنده شدن زمین است همانطوریکه پس از ظلم زمین مرده بود، و پر شدن زمین از ظلم مرگ زمین است.

﴿ قَالَ النَّبِيُّ (ص): فَبَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ رَجُلًا مِنْ عِترَتِي ... ﴾

لَا تَدْخُرُ الْأَرْضُ مِنْ بَدْرِهَا شَيْئًا إِلَّا أَخْرَجْتَهُ وَ لَا السَّمَاءُ مِنْ

قَطْرِهَا شَيْئًا... تَتَمَنَّى الْإِحْيَاءَ الْأَمْوَاتِ مِمَّا ضَعَّ اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ

بِأَهْلِ الْأَرْضِ مِنْ خَيْرِهِ

فداوند بر میانگیزاند مردی از عترت و خانواده مرا ...

زمین برکات و نعماتش را بیرون میریزد و آسمان همه

قطرات بارانش را می‌باراند، تا آنجا که زنده‌ها آرزو

می‌کنند که ای کاش مرده‌های ما زنده می‌بودند (و این

دوران را می‌دیدند).



مستدرک الصحیحین نوشته حاکم نیشابوری مجلد ۴ صفحه ۲۶۵



## قسمت سی و یکم

## در زمان مهدی (عج) فقر ریشه کن می شود

۱- در مسند امام احمد حنبل جلد ۳ صفحه ۲۷ و جلد ۳ صفحه ۵۲ و منتخب کنز العمال متقی هندی جلد ۶ صفحه ۲۹ و اسعاف الراغبین باب ۲ صفحه ۱۳۷ نوشته ابوالعرفان شیخ محمد صبان شافعی و نورالابصار شبلنجی شافعی باب ۲ صفحه ۱۵۵ و صواعق المحرقة بن حجر و ینابیع الموده نوشته خواجه کلان قندوزی حنفی صفحه ۴۶۹ چنین آمده است:

«عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخَدْرِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ قَالَ ابْشُرُوا بِالْمَهْدِيِّ رَجُلٍ مِنْ قَرِيْشٍ مِنْ عَتْرَتِيْ يَخْرُجُ فِي اخْتِلَافٍ مِنَ النَّاسِ وَ زَلْزَالٍ ... وَ يُقَسِّمُ الْمَالَ بِالسُّوْيَةِ وَ يَمَلِّئُ قُلُوبَ اُمَّةٍ مُحَمَّدٍ غِنَاءً وَ يَسْعَهُمْ عَدْلَهُ حَتَّى اَنْهَ يَأْمُرُ مَنَادِيًّا فَيُنَادِي مَنْ لَهٗ حَاجَةٌ اِلَى الْمَالِ يَأْتِيهِ فَايَاتِيهِ اِحَدًا اِلَّا رَاجِلًا وَاحِدًا يَأْتِيهِ فَيَسْئَلُهُ فَيَقُولُ لَهٗ الْمَهْدِيُّ اَنْتَ السَّادَانُ حَتَّى يُوْتِيَكَهٗ فَيَأْتِيهِ اَنَا رَسُولُ الْمَهْدِيِّ اَرْسَلَنِي اِلَيْكَ لِيُعْطِيَنِي فَيَقُولُ اِحْتِ فَيَحْتِي فَلَا يَسْتَطِيعُ اَنْ يَحْمِلَهٗ فَيَلْقَى حَتَّى يَكُوْنَ قَدْرًا مَا يَسْتَطِيعُ اَنْ يَحْمِلَهٗ فَيَخْرُجُ بِهِ فَيَنْدُمُ فَيَقُولُ اَنَا كُنْتُ اَجْشَعُ الْاُمَّةَ نَفْسًا كُلَّهُمْ دَعَى اِلَى هَذَا الْمَالِ فَتَرَكُوهُ غَيْرِي فَيَرُدُّ عَلَيْهِ فَيَقُولُ السَّادَانُ اَنَا لَا نَقْبَلُ شَيْئًا اَعْطَيْنَاهُ فَيَلْبَتُ فِي ذَلِكَ سِتًّا اَوْ سَبْعًا اَوْ ثَمَانِيًّا اَوْ تِسْعَ سِنِيْنَ وَ لَا خَيْرَ فِي الْحَيَاةِ بَعْدَهٗ»

ابوسعید خدری می گوید رسول خدا(ص) فرمودند: مژده باد بر شما به آمدن مهدی از قریش از خاندان من او قیام می کند زمانیکه مردم در اختلاف و تزلزل به سر می برند، زمین را پر از عدل و داد می کند همانطوریکه پس از ظلم



و جور شده بود، از او راضی شوند اهل آسمانها و زمین و اموال را به مساوات تقسیم می‌کند، (و چون حکومتش ثبات دارد) دلهای امت محمد پر از غنا و بی نیازی می‌شود و عدل او گسترش می‌یابد تا جائیکه منادی صدا می‌زند هر که هر حاجتی دراد و ثروت می‌خواهد بیاید بگیرد، و کسی نمی‌آید مگر مردی نزد او می‌آید ایشان او را پیش خادم و خزانه دار می‌فرستند و او می‌گوید، من فرستاده مهدی هستم تا به من مال بدهی، خادم و خزانه دار می‌گوید برو هر قدر می‌خواهی بردار او می‌رود، آنقدر بر می‌دارد که نمی‌تواند حمل کند، بعد بیرون می‌آید و می‌گوید، این چه کاری بود من کردم من از همه طمع کارترم، زیرا همه آنها را خواندند و کسی توجه نکرد و نیامد جز من، او بر می‌گردد آن مال را پس بدهد، خزانه دار می‌گوید ما هر چه داده‌ایم دیگر پس نمی‌گیریم، آن جناب درنگ می‌کند یا هفت یا هشت یا نه سال و بعد از او خیری در زندگی نخواهد بود.

۲- در تاریخ ابن عساکر جلد ۱ صفحه ۱۸۶ و منتخب کنز العمال نوشته متقی هندی صفحه ۲۰ جلد ۶ و ینابیع الموده نوشته خواجه کلان قندوزی حنفی صفحه ۴۳۰ آمده است:

«قال رسول الله: یكون في آخر الزمان خلیفه یحشی المال حیثاً  
و لا یعداً عداً»

رسول خدا فرمودند: می‌آید در آخر الزمان خلیفه و امامی که مال رامشت کند و آنرا بدون شمارش بدهد (این روایت را مسلم و احمد آورده‌اند)  
۳- در ینابیع الموده نوشته خواجه کلان قندوزی حنفی صفحه ۴۳۱ و صحیح ترمذی آمده است:

«و عن ابی سعید الخدری عن النبی (ص) فی قصة المهدی  
قال: فیجیء الیه الرجل فیقول یا مهدی اعطنی اعطنی قال

فَيَجِيءُ لَهُ فِي ثَوْبَةٍ مَا اسْتَطَاعَ أَنْ يَحْمِلَهُ»

از ابی سعید خدری از نبی مکرم در قصه مهدی فرمودند: مردی می‌آید خدمت مهدی گوید یا مهدی به من عطا کن، به من عطا کن، مهدی به دامن او می‌ریزد آنقدر که توانای بردن آنرا ندارد.

## قسمت سی و دوم

### مهدی (عج) هنگام ظهور چهره‌ای جوان خواهد داشت

همانطوریکه در احادیث و روایات اسلامی به آن اشاره شده است، امام زمان (عج) عمری طولانی خواهد داشت، اما در این عمر طولانی همیشه چهره‌ای جوان خواهد داشت، و در هنگام ظهور نیز چهره‌ای جوان خواهد داشت لذا، در هنگام ظهور عده‌ای آن حضرت را انکار کرده و می‌گویند: مهدی دارای عمری طولانی است او باید «شیخ‌الکبیر» باشد در حالیکه تو چهره‌ای جوان داری.

در کتاب عقد الدرر نوشته محمد بن یوسف گنجی شافعی و کتاب ینابیع الموده صفحه ۴۹۲ چنین آمده است:

«عَنْ حَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ قَالَ: لَوْ قَامَ الْمَهْدِيُّ لَا

نَكَرَهُ النَّاسُ لِأَنَّهُ يَرْجِعُ عَلَيْهِمْ شَابًا وَهُمْ يَحْسِبُونَهُ شَيْخًا كَبِيرًا»

حضرت حسن بن علی رضی الله عنه می‌فرمایند: مهدی ظاهر می‌شود، و مردم او را انکار می‌کنند برای اینکه او (هنگام ظهور چهره‌ای جوان دارد) و به سوی مردم بصورت جوان بر می‌گردد، مردم گمان می‌کنند که او پیرمردی است.

### قسمت سی و سوم

### همهٔ ملائکه و همهٔ انسانها از ظهور مهدی (عج) خوشحالند

۱ - در مستدرک الصحیحین چاپ حیدرآباد صفحهٔ ۴۶۵ جلد ۴ نوشته حاکم نیشابوری و کتاب صواعق المحرقة نوشتهٔ ابن هجر شافعی و کتاب اسعاف الراغبین صفحهٔ ۱۳۴ نوشته ابوالعرفان شیخ محمدصباغ مالکی مصری و ینابیع الموده صفحهٔ ۳۴۱ نوشته خواجه کلان قندوزی حنفی آمده است:

«عَنْ أَبِي سَعِيدٍ خَدْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ، قَالَ النَّبِيُّ (ص) يُنْزَلُ بِأُمَّتِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ بَلَاءٌ شَدِيدٌ مِنْ سُلْطَانِهِمْ لَمْ يَسْمَعْ بِبَلَاءٍ أَشَدَّ مِنْهُ حَتَّى تَضِيقَ عَنْهُمْ الْأَرْضُ الرَّحْبَةَ حَتَّى يَمْلَأَ الْأَرْضَ جَوْرًا وَظُلْمًا لَا يَجِدُ الْمُؤْمِنُ مَلْجَأً يَلْتَجِي إِلَيْهِ مِنَ الظُّلْمِ فَيَبِيعُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ رِجَالًا مِنْ عَتْرَتِي فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئْتُ ظُلْمًا وَجَوْرًا يَرْضِيَنَّ عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَسَاكِنُ الْأَرْضِ لَا تَدَّخِرُ الْأَرْضُ مِنْ بَذْرِهَا شَيْئًا إِلَّا أُخْرِجَتْ جَنَّةٌ وَ لَا السَّمَاءُ مِنْ قَطْرِهَا شَيْئًا إِلَّا صَبَّ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا بَعِيشٍ فِيهِمْ سَبْعَ سِنِينَ أَوْ ثَمَانَ أَوْ تِسْعَ تَتَمَنَّى الْأَحْيَاءُ الْأَمْوَاتُ مِمَّا صَنَعَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِأَهْلِ الْأَرْضِ مِنْ خَيْرِهِ»

ابی سعید خدری می گوید رسول خدا فرمودند: نازل می شود بر امت من بلائی شدید از دست سلطان آنها که هیچ گوشی شدیدتر از آنرا نشنیده است، به حدی که زمین بر آنها تنگ می شود و زمین پر از ظلم و جور می شود و مؤمنین ملجاء و پناهی نمی یابند، در این هنگام شدت خداوند مردی از اهل بیت مرا به پا خواهد داشت، که زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد همانطوریکه پر از ظلم و جور شده بود، راضی می شوند از حکومت او ساکنین آسمانها و

ساکنین زمین، و زمین برکات و نعماتش را بیرون می‌دهد، و آسمان همه قطرات بارانش را می‌باراند، تا آنجا که زنده‌ها آرزو می‌کنند که‌ای کاش مرده‌های ما زنده می‌بودند، آن مرد زندگی می‌کند ۷ یا ۸ یا ۹ سال.

۲ - در الصواعق المحرقة نوشته ابن هجر شافعی و نورالابصار نوشته شبلینجی شافعی مصری باب ۲ صفحه ۱۵۴ و کتاب اسعاف الراغبین باب ۲ صفحه ۱۳۵ و ینابیع الموده نوشته خواجه کلان قندوزی صفحه ۴۶۹ آمده است :

«قال رسول الله: المهدي من ولدي وجهه كالكوكب الدرّي  
اللون لون عربي و الجسم جسم اسرائيلي يملأ الارض عدلاً  
كمي ملئت جوراً يرضى لخلقته اهل السماء و اهل الارض  
والطير في الجوّ يملك عشرين سنة»

رسول خدا فرمودند: مهدی از فرزندان من است، صورتش همچون ستاره درخشان و رنگش رنگ عربی، قامتش بلند و اسرائیلی، پر می‌کند زمین را از عدل و داد همانطوریکه پر از ظلم و جور شده بود، راضی و خشنود می‌شوند از ظهور و انقلاب او اهل و ساکنان آسمانها و زمین و حتی مرغان و پرندگان در هوا، و او ۲۰ سال حکومت می‌کند.

۳ - در ینابیع الموده نوشته خواجه کلان قندوزی حنفی صفحه ۴۲۳ آمده است

«عَنْ مجاهد عَنْ ابن عباس رضى الله عنهما (هو الذى ارسل  
رسوله بالهدى و دين الحق ليظهره على الدين كله و كفى بالله  
شهيداً) فى هذه الآية قال: لا يبقى صاحب ملة الا صار الى  
الاسلام حتى تأمن الشاة من الذئب و البقر من الاسد و  
الانسان من الحية و حتى لا تقرض الغائرة جراباً عند قيام

القائم»

از مجاهد نقل شده از ابن عباس نقل شده درباره آیه (هو الذی ارسل بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و کفی بالله شهیداً) گفت: باقی نمی ماند صاحب ملتی مگر آنکه می گراید به اسلام تا جائی که ایمن می شود گوسفند از گرگ و گاو از شیر و انسان از گزنده تا آنجا که سوراخ نمی کند موش انبانیرا نیز و آن زمان قیام قائم است.



قال رسول الله (ص):

فی قصة المهدي و مبايعته بين الركن و المقام و خروجه متوجهاً الى الشام قال: و جبرئيل على مقدمة و ميكائيل على ساقه يفرح به اهل السماء و الارض و الطير و الوحش و الحيتان في البحر

(رسول خدا درباره مهدی (عج) فرمودند:

بیعت می کند با مهدی مابین رکن و مقام و قیام می کند آن حضرت (و انقلاب بر پا می کند) و در فتومات خویش به شاه میرود در مالیکه جبرئیل جلودار اوست، میکائیل پشت سر او قرار دارد. و از انقلاب او اهل آسمان و اهل زمین، و پرندگان آسمان و حیوانات زمین و تمام آبزیان در دریاها مسرورند.



## قسمت سی و چهارم

در ظهور مهدی (عج) حضرت عیسی (ع) نازل می شود و  
پشت سر آن حضرت نماز می خواند

۱ - در تذکرة خواص الامة نوشته سبط بن جوزی حنفی صفحه ۳۷۷ آمده است:

«قال السدی: یجتمع المهدی و عیسی بن مریم فیجیء، وقت الصلوة فیقول المهدی لعیسی: تقدّم فیقول عیسی انت اولی بالصلوة فیصلی عیسی ورائه مأموماً»

سدی از رسول خدا نقل می کند: که مهدی و عیسی بن مریم در یکجا قرار خواهند گرفت، و وقت نماز مهدی به عیسی می فرمایند، شما امام جماعت شوید، عیسی در جواب می فرماید: شما در این باره اولی تر هستید به نماز و امام جماعت شدن سپس عیسی بن مریم پشت مهدی می ایستد و به صورت مأموم نماز می خواند و به مهدی اقتدا می کند.

۲ - در ینابیع الموده نوشته خواجه کلان قندوزی حنفی صفحه ۴۲۲ آمده است:

«عَنْ مُحَمَّدِ الْبَاقِرِ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى (وَ أَنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ الْأَلِيُّونَ مَنْ بَدَّ بِهٖ قَبْلَ مَوْتِهِ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا) (۱) قَالَ: أَنَّ عِيسَى يُنْزَلُ قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِلَى الدُّنْيَا فَلَا يَبْقَى أَهْلَ مِلَّةٍ يَهُودِيٍّ وَلَا عِترَةٍ إِلَّا آمَنُوا بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِمْ وَ يُصَلِّي عِيسَى خَلْفَ الْمَهْدِيِّ»

امام محمد باقر در باره این آیه (نمی‌ماند از اهل کتاب مگر اینکه قبل از مرگش به او ایمان می‌آورد و روز قیامت او بر آنها گواه است) فرمودند: که عیسی (از آسمان) فرود می‌آید پیش از قیامت کبری به سوی دنیا باقی نمی‌ماند از ملت یهود و نصاری و نه غیر از آنها مگر آنکه ایمان می‌آورند به او قبل از مرگشان و نماز می‌خواند عیسی پشت سر مهدی .

۳ - در منتخب کنز العمال نوشته متقی هندی صفحه ۳۰ جلد ۶ و البیان فی اخبار مهدی صاحب الزمان نوشته حافظ گنجی شافعی و کتاب المهدی نوشته حافظ ابونعیم آمده است :

«قال رسول الله: منّا الذي يُصلي عيسى من خلفه»

رسول خدا فرمودند: از ما است کسی که عیسی پشت سر او نماز می‌خواند .  
۴ - در ینابیع الموده نوشته خواجه کلان قندوزی حنفی صفحه ۴۴۹ و کتاب الفتن نوشته حافظ ابونعیم آمده است:

«قال رسول الله: منّا الذي يصلي عيسى بنُ مريم خلفه و فيه

بسنده عن هشام بن محمد قال المهدى الذى يوم عيسى بن

مريم (ع)»

این حدیث را ابو نعیم بسنده خودش از ابوسعید خدری نقل می‌کند که رسول خدا فرمودند آنکس که عیسی بن مریم پشت سر او نماز می‌خواند از ما است، و از همین کتاب به سند خود از هشام بن محمد گوید آن مهدی که عیسی پشت سر او نماز می‌خواند از ما است .

## قسمت سی و پنجم

## توسل انبیاء به حضرت مهدی موعود (عج)

یکی از زیباترین فرازهای سند مهدویت و قائمیت که برای ما می‌تواند آموزنده باشد توسل انبیا به ساحت مقدس امام زمان (عج) است در طول تاریخ هرگاه پیامبری با مشکلات بسیار شدید روبرو می‌شد چون همه می‌دانستند که در آخرالزمان شخصی قیام خواهد کرد و او تاج و تخت ستمکاران را بباد خواهد داد، و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد، و ظالم را نابود خواهد نمود لذا در مشکلات باو پناه می‌بردند و از خدا می‌خواستند که فرج آن موعود الهی را نزدیک کند مثلاً:

۱- در کتاب مناقب نوشته موفق بن احمد خوارزمی و ینابیع الموده نوشته خواجه کلان قندوزی حنفی صفحه ۹۷ آمده است:

«سئلت جعفر الصادق (ع) عن قوله عزوجل و اذا بتلی ابراهیم ربه بکلمات الایة قال هی الکلمات الی تلقاها آدم من ربه فتاب علیه و هو انه قال یا رب اسئلك بحق محمد و علی و فاطمة و الحسن و الحسین الا تبت علی فتاب علیه انه هو التواب الرحیم

فقلت له یا بن رسول الله فما یعنی بقوله (فاتمهن) قال یعنی اتمهن الی القائم المهدی اثنا عشر اماما تسعة من ولد الحسین (ع)»

مفضل می‌گوید پرسیدم از جعفر صادق (ع) از تفسیر و بیان خداوند سبحان که می‌فرمایند:

«و اذا بتلی ابراهیم ربه بکلمات فاتمهن قال انی جاعلک



لِلنَّاسِ اِمَامًا قَالَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يِنَالُ عَهْدَ الضَّالِّمِينَ «

فرمودند آن کلماتی (که ابراهیم به آن امتحان شد) همان کلماتی است که به آدم (ع) آموخت از خداوند متعال بعد از انابه کردن و توبه کردن آدم به او بخشید، آدم عرض کرد خدایا از تو می‌خواهم به حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین توبه مرا قبول کن و قبول شد توبه او و آن خدای یگانه است بخشندهٔ مهربان راوی می‌گوید، پرسیدم از حضرت مقصود از فَاتِمَهُنَّ در آیه چیست؟ فرمود آن جناب: تمام کرد آنها را تا قائم مهدی که جمعاً دوازده نفرند و نه نفر ایشان از اولاد حسین علیهاالسلام هستند پس در این حدیث متوجه می‌شویم کلمات در آیه «و از ابتلی ابراهیم ربّه بکلمات»<sup>(۱)</sup> و آیه «فَتَلَقَىٰ آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ»<sup>(۲)</sup> نام مقدس چهارده معصوم است که «فَاتِمَهُنَّ» امام زمان علیه السلام می‌باشد.

۲- در ینابیع الموده نوشتهٔ خواجه کلان قندوزی حنفی صفحه ۴۲۴ آمده است:

«قَالَ جَعْفَرُ الصَّادِقِ (ع): مَا كَانَ قَوْلَ لُوطٍ (ع) لِقَوْمِهِ (لِوَانِ لِي بِكُمْ قُوَّةٌ أَوْ أَوْى إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ إِلَّا تَمَنِيًّا)<sup>(۳)</sup> لِقُوَّةِ الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ وَ شِدَّةِ أَصْحَابِهِ وَ هُمُ الرُّكْنُ الشَّدِيدُ فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ يُعْطَى قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا وَ إِنْ قَلْبَ رَجُلٍ مِنْهُمْ أَشَدَّ مِنْ زَبْرِ الْحَدِيدِ لَوْ مَرَوْا بِالْجِبَالِ الْحَدِيدِ لَتَدَكَّدَتْ لَا يَكْفُونَ سَيُوفَهُمْ حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ»

ما در قرآن کریم داریم که لوط پیامبر زمانیکه به منتها درجه اذیت و آزار قوم خود رسید فرمود:

۲- قرآن کریم سوره بقره آیه ۳۷

۱- قرآن کریم سوره بقره آیه ۱۲۴

۳- قرآن کریم سوره هود آیه ۸۰

«لوان لی بکم قوّة اوای الی رکن شدید الا تمنیاً»

حضرت صادق در باره این قول حضرت لوط می‌فرمایند:

قول لوط (ع) برای قوم خود نبود مگر آرزوی قوت قائم و زیادی نیروی اصحاب آن جناب و آنها را رکن محکم، چون بیک مرد ایشان نیروی چهل مرد عطا شده و دل هر مردی از ایشان سخت‌تر خواهد بود از تکه‌های آهن اگر گذر کنند از کوه‌های آهن در حال ریزش و خرابی باشند ایشان دست بر نمی‌دارند تا رضایت خدای سبحان را جلب کنند.

۳- در ینابیع الموده نوشته خواجه کلان قندوزی حنفی صفحه ۴۲۴ آمده است:

«و عن صالح بن سعد عن الصادق رضی الله عنه فی هذه الآية

قال قوة القائم (ع) و الرکن الشدید اصحابه ثلثایة و ثلثة عنه

رجلاً»

و از صالح بن سعد از جعفر صادق (ع) در این آیه روایت شده فرمودند:

مراد از «قوة» حضرت قائم (ع) است و رکن شدید اصحاب آن جنابند ۳۱۳ مرد.

البته همانطوریکه گفتیم هدف مادر این نوشته اختصار است، والا آیات و

روایات زیادی در این باره وجود دارد و ما به همین نمونه‌ها بسنده می‌کنیم.

### قسمت سی و ششم

**همهٔ زیباییها و همهٔ نیکیها و همهٔ عدالتها... به مهدی شروع می شود  
و همهٔ زشتیها و همهٔ بدیها و همهٔ ظلمها... به مهدی پایان می پذیرد**

۱ - در کتاب البیان نوشته الحافظ یوسف بن جلیل بن عبدالله دمشقی و حلیه الاولیاء نوشته ابونعیم و ینابیع الموده نوشته خواجه کلان قندوزی حنفی صفحه ۴۹۱ و نورالابصار باب ۲ صفحه ۱۵۵ و کتاب البرهان فی علامات مهدی صاحب الزمان نوشته علاءالدین متقی هندی آمده است:

«عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ: قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَمَّا آلُ مُحَمَّدٍ الْمَهْدِيِّ أَمْ مِنْ غَيْرِنَا؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ: لَا بَلْ مِنْنَا، بِنَا يَخْتِمُ اللَّهُ الدِّينَ كَمَا فَتَحَ اللَّهُ بِنَا، وَبِنَا يَنْقُذُونَ عَنِ الْفِتْنَةِ كَمَا أَنْقَذُوا مِنَ الشَّرْكِ، وَبِنَا يُؤَلِّفُ اللَّهُ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ بَعْدَ عِدَاوَةِ الْفِتْنَةِ اخْوَانًا كَمَا أَلَّفَ بِنَا بَيْنَ قُلُوبِهِمْ بَعْدَ عِدَاوَةِ الشَّرْكِ اخْوَانًا»

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرمایند: بر رسول خدا عرض کردم یا رسول الله آیا مهدی از ما آل محمد است یا غیر از ما خواهد بود؟ حضرت فرمودند:

آری به ما ختم می شود دین همانطوریکه به ما دین آغاز و فتح شد. و به آن مهدی امت من از فتنه ها نجات می یابد، چنانکه مردم بوسیله ما از شرک خلاص گردیدند، خداوند به وسیله ما در دلها الفت و دوستی انداخت بعد از آنهمه دشمنی و عداوت که بود، و مردم به وسیله ما پس از فتنه ها برادر شدند.

۲ - در کتاب مودة القربی نوشته سید علی الهمدانی شافعی صفحه ۲۵۹ و کتاب ینابیع الموده نوشته خواجه کلان قندوزی حنفی صفحه ۴۴۵ آمده است:

«عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِنَّ اللَّهَ فَتَحَ هَذَا الدِّينَ بِعَلِيٍِّّ وَإِذَا قَتَلَ فُسَدَ الدِّينِ وَلَا يَصْلُحُهُ إِلَّا الْمَهْدِيُّ»

ابن عباس می‌گوید، رسول خدا فرمودند: خداوند فتح و گشایش دین را به دست علی قرار داد، و علی دین را آغاز کرد، و پس از کشته شدن او دین فاسد می‌شود و اصلاح نمی‌کند آنرا مگر به دست مهدی (عج).

۳- در اسعاف الراغبین نوشتهٔ ابوالعرفان شیخ محمد صبان مصری شافعی و ینابیع الموده نوشتهٔ خواجه کلان قندوزی حنفی صفحهٔ ۴۳۳ آمده است:

«لِلطبرانی قال رسول الله: المهدي مِنَّا يَخْتِمُ الدِّينَ بِه كَمَا فَتَحَ  
بِنَا»

طبرانی از علی رضی الله عنه مرفوعاً نقل می‌کند که رسول خدا فرمودند: مهدی از ما است خداوند ختم می‌کند دین را به ما مثل آنکه آنرا به دست ما گشود.

## قسمت سی و هفتم

### مهدی طاووس اهل بهشت است

۱- در کنز الحقایق فی حدیث خبر الخلائق نوشتهٔ عبدالرؤف المنادی و ینابیع الموده نوشتهٔ خواجه کلان قندوزی حنفی صفحهٔ ۱۸۱ و کتاب الفردوس باب الألف و اللام صفحهٔ ۴۳۵ و صفحهٔ ۴۸۹ و کتاب نورالابصار باب ۲ صفحهٔ ۱۵۴ نوشتهٔ شبلینجی شافعی مصری آمده است:

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: الْمَهْدِيُّ طَاوُوسٌ أَهْلُ الْجَنَّةِ»

رسول خدا فرمودند: مهدی طاووس اهل بهشت است.

قسمت سی و هشتم

علم مهدی (عج)

۱- در کتاب عقد الدرر فی اخبار امام المنتظر نوشته شیخ جمال الدین یوسف دمشقی باب ۳ آمده است:

«فی الحرث من مُغیرة النضری قال قُلْتَ لِأَبی عبد الله الحسین بن علی: بِأی شیء نَعْرِف المهدی؟ قال بِمَعْرِفَة الحلال و الحرام و بِحَاجَة الناس الیه و لا یَحْتَاج الی، أحد الحدیث .

حرث می گوید به ابی عبدالله الحسین گفتم که به چه چیزی مهدی شناخته می شود؟ حضرت فرمودند: به شناخت او به حلال و حرام خداوند (یعنی مهدی به کلیه احکام الهی آگاهی دارد و دارای شناخت کامل است) و به محتاج بودن مردم به او (که در هر مسئله و هرچیز به او محتاجند و به او مراجعه می کنند و او به همه احتیاجات آنها چه اقتصادی و چه سیاسی و چه علمی ... پاسخ می دهد) و به هیچکس دیگر او احتیاج ندارد و این یکی از علائم شناخت امام زمان در هر عصر و زمان است که امام باید اعلم الناس در هر عصری باشد.

۲- در کتاب اسعاف الراغبین نوشته ابوالعرفان شیخ محمد صبان مصری شافعی باب ۲ صفحه ۱۳۹ آمده است:

«قال و جاء روايات انَّ عند ظهوره يُنادی فوق رأسه ملك هذا المهدی خلیفة الله فَاتَّبَعوه (الی ان قال) و انَّ المهدی یستخرجُ تابو السکینه من غار انطاکیه، و اسفار التوراة من جبل بالشام یُحاج بِها الیهود فیسلم کثیر منهم»

صاحب کتاب اسعاف الراغبین می گوید: براساس تحقیقاتی که من کرده ام

و در روایات آمده است در هنگام ظهور مهدی ملکی در بالای سر او فریاد می‌زند: این مهدی خلیفهٔ الله است از او تبعیت کنید همانا این مهدی خارج می‌کند تابوت سکینه را از غار انطاکیه و خارج می‌کند اسفار تورات را از کوه شام و همهٔ یهودیها به او محتاجند و بسیاری از آنها تسلیم مهدی می‌شوند.

### قسمت سی و نهم

## مهدی (عج) «کوکب دُرّی» یا ستاره‌ای درخشانده است

۱ - جامع الصغیر حدیث ۹۲۴۵ منتخب کنزالعمال جلد ۶ صفحه ۳۰ نوشتهٔ علاءالدین علی بن حسام الدین مشهور به متقی هندی و ینابیع الموده نوشتهٔ خواجه کلان قندوزی حنفی صفحه ۱۸۸ آمده است:

«قال رسول الله: المهدي رجلٌ من وُلدي وَجْهه كَالكوكب  
الدُّرّی»

رسول خدا فرمودند: مهدی مردی از فرزندان من است و صورت او مانند کوکب دُرّی یا ستاره‌ای درخشان می‌درخشد.

۲ - در صواعق المحرقة نوشتهٔ ابن هجر شافعی و ینابیع الموده نوشتهٔ خواجه کلان قندوزی حنفی صفحه ۴۶۹ آمده است:

«قال رسول الله: المهدي من وُلدي وَجْهه كَالكوكب الدُّرّی  
اللون لونٌ عربي والجسم جسم اسرائیلی»

رسول خدا فرمودند: مهدی از فرزندان من است، صورت او مانند کوکب درّی درخشان است و رنگ او رنگ عربی است و جسم او اسرائیلی و بلند قامت است.

## قسمت چهارم

### مهدی (عج) از سادات اهل جنت است

۱- در صحیح ابن ماجه و در مستدرک الصحیحین نوشته حاکم نیشابوری و کتاب ینابیع الموده نوشته خواجه کلان قندوزی حنفی صفحه ۲۴۵ و صفحه ۳۰۹ آمده است:

«عَنْ أَنَسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: نَحْنُ بَنُو عَبْدِ الْمَطْلَبِ سَادَاتُ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَنَا وَعَلِيٌّ وَحَمْزَةُ وَجَعْفَرٌ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَالْمَهْدِيُّ»

انس از رسول خدا نقل می کند که آنحضرت فرمودند: ما فرزندان عبدالمطلب سادات و بزرگان اهل بهشتیم، من و علی و حمزه و جعفر و حسن و حسین و مهدی.

قال رسول الله (ص):

... وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا إِنَّ الثَّابِتِينَ عَلَيَّ الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ فِي زَمَانِ غَيْبَةِ لَاعِزْمَنِ الْكِبْرِيَةِ الْأَحْمَرِ... إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ وَسُرٌّ مِنْ سِرِّ اللَّهِ مَطْوِيٌّ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ فَأَيَّاكَ وَالشَّكَّ فِيهِ فَإِنَّ الشَّكَّ فِي أَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ كَفْرٌ

(رسول خدا (ص) فرمودند: قسم به آن خداوندی که مرا برانگیخت به مق بشیر و نذیر همانا ثابتین در قول بامامت (مهدی موعود) در غیبتش (ارزش فراوانی دارند و آنها فالص هستند) و آنها گرانبها تر از کبریت اممر هستند.



## قسمت چهل و یکم

## در حکومت مهدی (عج) مردم در نعمتها

## فروخواهندرفت

در زمان ظهور مهدی (عج) خداوند برکات آسمانها و زمین خود را به مردم ارزانی می‌دارد، و همه از نعمتهای خداوند متنعم می‌شوند.

۱- در المستدرک الصحیحین نوشتهٔ حاکم نیشابوری جلد ۴ صفحهٔ ۵۵۷ آمده است:

«قال رسول الله: يخرج في آخر الزمان امته المهدى يسقيه الله الغيث و تخرج الارض نباتها و يعطى المال صحاحاً و تكثر الاشية، تعظم الامة...»

رسول خدا فرمودند: خارج می‌گردد در آخر امت من مهدی خداوند سیراب می‌کند به وسیلهٔ بارانش زمین را و زمین نباتها و برکاتش را بیرون می‌ریزد، خداوند به مردم مال فراوان خواهد داد و امت اسلامی به عظمت و شکوه و جلال خود خواهند رسید.

۲- در المستدرک الصحیحین جلد ۴ صفحهٔ ۵۵۸ نوشته حاکم نیشابوری آمده است:

«عَنْ النَّبِيِّ: يَكُونُ فِي أُمَّتِي الْمَهْدِيُّ ... تَنْعَمُ أُمَّتِي فِيهِ نِعْمَةً لَمْ يَنْعَمُوا مِثْلَهَا فَطَّ، تَوْتِي الْأَرْضُ أَكْلَهَا لَا تَدَّخِرُ عَنْهُمْ شَيْئاً...»

رسول خدا فرمودند: برای امت من مهدی است که خواهد آمد ... و امت من در زمان اوبه همهٔ نعمتها می‌رسند و همه در نعمتها فرو خواهند رفت، آنقدر نعمت زیاد می‌شود که کسی نظیر آنرا ندیده است، انواع خوراکیها از زمین بیرون می‌آیند، زمین هیچ چیز را از اهلش دریغ نخواهد کرد.



## قسمت چهل و دوم

### عمران کره زمین به دست مهدی آل محمد (عج)

در اسعاف الراغبین باب ۲ صفحه ۱۴۰ و صفحه ۱۴۱ نوشته ابوالعرفان شیخ محمد صبان مصری شافعی آمده است:

«وَأَنَّهُ يَبْلُغُ سُلْطَانَهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ وَتَظْهَرُ لَهُ الْكُنُوزُ وَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا يَعْمُرُهُ»

رسول خدا فرمودند: حکومت و سلطنت امام زمان شرق و غرب عالم را فرا خواهد گرفت، و در زمان مهدی زمین گنجهایش را بیرون خواهد ریخت و گنجها ظاهر خواهد شد و هیچ نقطه از زمین باقی نمی ماند که خراب باشد مگر اینکه به دست مهدی عمران می گردد.

«و لَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا يَعْمُرُهُ»

هیچ نقطه خراب کره زمین نمی ماند مگر اینکه به دست مهدی عمران می گردد.



قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مِمَّا أَلَدَى يُصَلِّي عِيسَى مِنْ خَلْفِهِ

(رسول خدا (ص) فرمودند:

از ما است کسی که عیسی (بن مریم) پشت سر او نماز خواهد

خواند.



منتخب کنز العمال نوشته متقی هندی ج ۶ ص ۳۰

